

که در جلسه علنی شماره (۶۰) روزیکشنبه مورخ ۱۳۸۷/۱۱/۰۶ اعلام وصول گردیده است جهت بررسی به کمیسیونهایی که ذیلاً به عنوان کمیسیون اصلی و فرعی مشخص گردیده است ارجاع می شود:

نحوه بررسی: (یکشوری) شماره ثبت: (۲۷۰) شماره ترتیب چاپ: (۵۴۶)

ردیف	عنوان کمیسیونهای تخصصی	اصلی	فرعی	مواد مورد بررسی در کمیسیون فرعی
۱	آموزش و تحقیقات			
۲	اجتماعی			
۳	اقتصادی			
۴	امنیت ملی و سیاست خارجی			
۵	انرژی			
۶	برنامه و بودجه و محاسبات			
۷	بهداشت و درمان			
۸	صنایع و معادن			
۹	عمران			
۱۰	فرهنگی			
۱۱	قضایی و حقوقی			
۱۲	کشاورزی، آب و منابع طبیعی			
عنوان کمیسیونهای خاص و ویژه				
خ - ۱	تدوین آیین نامه داخلی مجلس			
خ - ۲	اصل نودم (۹۰) قانون اساسی			
۳	ویژه			

پیشنهاد اداره قوانین	اصلی	فرعی	مشترک
پیشنهاد اداره کل قوانین	اصلی	فرعی	مشترک

۳۸۶۴۹/۱۹۴۱۷۳
۲۴ دی ۱۳۸۷



جمهوری اسلامی ایران
رئیس جمهور

بسمه تعالی

باصلوات بر محمد و آل محمد

جناب آقای دکتر لاریجانی

رئیس محترم مجلس شورای اسلامی

"لایحه آیین دادرسی کیفری" که بنا به پیشنهاد قوه قضائیه در جلسه مورخ ۱۳۸۷/۹/۲۳ هیئت وزیران با قید یک فوریت به تصویب رسیده است، جهت طی تشریفات قانونی به پیوست تقدیم می گردد.

محمود احمدی نژاد

رئیس جمهور

سکرتاری

اداره ترانس

تتبع و کنترل
حاجی بابایی

۱۳۸۷/۱۰/۲۵

بسمه تعالی

مقدمه توجیهی:

قانون آیین دادرسی کیفری شالوده و عصاره آرمان عدالت خواهی، آزادی طلبی، قانون گرایی و نظم بخشی هر جامعه است و از آن روی که تضمین کننده حقوق و آزادی فردی و تامین کننده امنیت و آسایش اجتماعی در حوزه های مختلف می باشد دارای اهمیت والایی است. تدوین چشم انداز بیست ساله نظام، تصویب سیاست های کلان قضایی در سال ۱۳۸۱ از سوی مجمع تشخیص مصلحت نظام و تایید مقام معظم رهبری و طرح توسعه قضایی که توسط ریاست محترم قوه قضاییه مطرح شد، زمینه ساز اصلاحات و تحولات زیربنایی و اساسی در نظام قضایی کشور گردید و در پرتوی آن احیای نهاد دادرسی، تدوین قانونی جامع، دائمی و ملهم از فقه پویای شیعه به جای قانون آزمایشی موجود را ضروری می نمود. قانونی که از یک سو بتواند خلاءها، نقص ها، ابهام ها و اجمال های موجود در قوانین جاری را برطرف نماید و از سوی دیگر در بردارنده قواعد و مقررات دقیق و شفاف در زمینه های مهم و راهبردی باشد. این لایحه حاوی سیاست های کیفری و جنایی انسجام یافته ای است که شالوده و بنیان نظام عدالت کیفری کشور را به شرح زیر برای اکنون و نسل های آینده پی ریزی می کند: ۱- پیشگیری از وقوع جرم ۲- فساددایی و بهره گیری از نهادهای شبه قضایی ۳- توسعه حقوق شهروندی و حفظ حقوق متهم در همه مراحل رسیدگی ۴- حمایت از حقوق زیاندیدگان از جرم و شهود ۵- دادرسی مبتنی بر مشورت و تخصصی ۶- دادرسی همراه با سرعت و دقت ۷- حمایت از امنیت و آسایش عمومی جامعه ۸- دادرسی ترافعی ۹- احیای سیاست های کیفری اسلام در نظام ادله اثبات دعوی و ... که در اجرای بند (۲) اصل (۱۵۸) قانون اساسی جهت طی تشریفات قانونی تقدیم می شود:

“لایحه آیین دادرسی کیفری”

کتاب اول - آیین دادرسی کیفری

باب اول - کلیات

فصل اول - تعریف آیین دادرسی کیفری و اصول دادرسی منصفانه

ماده ۱-۱۱۱- آیین دادرسی کیفری ترتیبات و قواعدی است که برای کشف جرم، تعقیب متهم، تحقیقات مقدماتی، میانجی گری، صلح میان طرفین، نحوه رسیدگی، صدور رأی، طرق اعتراض به

آراء، اجرای آراء، تعیین وظایف و اختیارات مقامات قضایی و ضابطان دادگستری و رعایت حقوق متهم، بزه دیده و جامعه وضع شده است.

ماده ۲-۱۱۱- دادرسی کیفری باید منصفانه و عادلانه باشد، حقوق طرفین دعوا را تضمین کند و قواعد آن نسبت به اشخاصی که در شرایط مساوی به سبب ارتکاب جرایم مشابه تحت تعقیب قرار می‌گیرند، به صورت یکسان اعمال شود.

ماده ۳-۱۱۱- مراجع قضایی باید با بی‌طرفی و استقلال کامل در مورد اتهام انتسابی به اشخاص در کوتاه‌ترین مهلت ممکن، رسیدگی و تصمیم مقتضی اتخاذ و از هر اقدامی که باعث ایجاد اختلال یا طولانی شدن فرایند دادرسی کیفری می‌شود، جلوگیری کنند.

ماده ۴-۱۱۱- اصل، برائت است. هر گونه اقدام محدودکننده، سالب آزادی و ورود به حریم خصوصی اشخاص مجاز نمی‌باشد، مگر به حکم قانون و با رعایت مقررات و تحت نظارت مقام قضایی، در هر صورت این اقدامات نباید به گونه‌ای اعمال شود که به کرامت و حیثیت اشخاص آسیب وارد کند.

ماده ۵-۱۱۱- متهم باید در اسرع وقت، از موضوع و ادله اتهام انتسابی آگاه و از حق دسترسی به وکیل و سایر حقوق دفاعی مذکور در این قانون بهره‌مند شود.

ماده ۶-۱۱۱- متهم، بزه دیده، شاهد و سایر افراد ذی ربط باید از حقوق خود در فرایند دادرسی آگاه شوند و سازوکارهای رعایت و تضمین این حقوق فراهم شود.

ماده ۷-۱۱۱- در تمام مراحل دادرسی کیفری، رعایت حقوق شهروندی مقرر در این قانون و سایر قوانین مربوط از سوی تمام مقامات قضایی، ضابطان دادگستری و سایر اشخاصی که در فرایند دادرسی مداخله دارند، الزامی است. متخلفان علاوه بر جبران خسارات وارد شده به مجازات مقرر در ماده (۵۷۰) قانون مجازات اسلامی محکوم خواهند شد، مگر آن که در سایر قوانین مجازات شدیدتری مقرر شده باشد.

فصل دوم - دعوای عمومی و دعوای خصوصی

ماده ۱-۱۱۲- محکومیت به کیفر فقط ناشی از ارتکاب جرم است. جرم از جهت تجاوز به حدود و مقررات الهی یا تعدی به حقوق جامعه و اخلال در نظم عمومی دارای جنبه عمومی و از جهت تعدی به حقوق شخص یا اشخاص معین دارای جنبه خصوصی است.

ماده ۲-۱۱۲- ارتکاب جرم می‌تواند موجب دو ادعا شود:

الف - ادعای عمومی برای حفظ حدود و مقررات الهی یا حقوق جامعه و نظم عمومی؛

ب - ادعای خصوصی برای مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم و یا مطالبه کیفرهایی که به موجب قانون حق خصوصی بزه‌دیده است مانند حد قذف و قصاص.

ماده ۳-۱۱۲ - بزه‌دیده شخصی است که از وقوع جرم متحمل ضرر و زیان شده و چنانچه تعقیب مرتکب را درخواست کند، "شاکی" و هرگاه جبران ضرر و زیان وارد شده را مطالبه کند، "مدعی خصوصی" نامیده می‌شود.

ماده ۴-۱۱۲ - اقامه دعوا و تعقیب متهم از جهت ادعای عمومی بر عهده دادستان و از جهت ادعای خصوصی با شاکی است.

ماده ۵-۱۱۲ - تعقیب متهم در جرایم قابل گذشت، فقط با شکایت شاکی شروع و در صورت گذشت او موقوف می‌شود.

تبصره - تعیین جرایم قابل گذشت به موجب قانون است.

ماده ۶-۱۱۲ - تعقیب امر کیفری که طبق قانون شروع شده است و اجرای مجازات موقوف نمی‌شود، مگر در موارد زیر:

الف - فوت متهم یا محکوم‌علیه؛

ب - گذشت شاکی در جرایم قابل گذشت؛

ج - شمول عفو؛

د - نسخ مجازات قانونی؛

ه - شمول مرور زمان در موارد پیش‌بینی شده در قانون؛

و - توبه متهم در موارد پیش‌بینی شده در قانون؛

ز - اعتبار امر مختوم.

تبصره - در جرایم تعزیری و بازدارنده هرگاه مرتکب پیش از صدور حکم قطعی مبتلا به جنون دائمی شود، تعقیب موقوف و چنانچه به جنون ادواری مبتلا شود، تا زمان افاقه تعقیب متوقف می‌شود و در جرایم مستوجب حد و قصاص و دیه مطابق مقررات مربوط اقدام می‌شود.

ماده ۷-۱۱۲ - مدعی خصوصی می‌تواند جبران تمام ضرر و زیان‌های مادی و معنوی ناشی از جرم را مطالبه کند.

تبصره ۱ - زیان معنوی عبارت است از صدمات روحی یا هتک حیثیت و اعتبار شخصی یا خانوادگی که جبران آن از طریق اعاده حیثیت و اعتبار و یا تعیین میزان هزینه‌های رفع صدمات روحی پس از اخذ نظر کارشناسی، صورت می‌گیرد.

تبصره ۲- هزینه‌های متعارف درمان که مازاد بر میزان دیه باشد، مطابق نظر کارشناس یا بر اساس سایر ادله، قابل مطالبه است.

ماده ۸-۱۱۲- پس از آن که متهم تحت تعقیب قرار گرفت، زیان دیده از جرم می‌تواند تصویر یا رونوشت مصدق تمام ادله و مدارک خود را برای پیوست کردن به پرونده به مرجع تعقیب تسلیم کند و نیز تا پایان جلسه اول دادرسی، دادخواست ضرر و زیان خود را تسلیم دادگاه کند. مطالبه ضرر و زیان و رسیدگی به آن، مستلزم رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی است.

ماده ۹-۱۱۲- هرگاه دعوای ضرر و زیان ابتدا در دادگاه حقوقی اقامه شود، دعوای مذکور قابل طرح در دادگاه کیفری نیست، اما چنانچه این دعوا ابتدا در دادگاه کیفری مطرح و صدور حکم کیفری به جهتی از جهات قانونی با تأخیر مواجه شود، مدعی خصوصی می‌تواند با استرداد دعوا برای مطالبه ضرر و زیان به دادگاه حقوقی مراجعه کند.

ماده ۱۰-۱۱۲- دادگاه مکلف است ضمن صدور رأی کیفری، در خصوص ضرر و زیان مدعی خصوصی نیز طبق ادله و مدارک موجود رأی مقتضی صادر کند، مگر این که رسیدگی به ضرر و زیان مستلزم تحقیقات بیش‌تر باشد که در این صورت، دادگاه رأی کیفری را صادر و پس از آن به دعوای ضرر و زیان رسیدگی و ظرف سه ماه رأی مقتضی صادر می‌کند. چنانچه اتخاذ تصمیم منوط به انجام اقداماتی باشد که در مهلت مذکور قابل انجام نباشد، پس از اخذ موافقت رییس حوزه قضایی یک بار دیگر قابل تمدید است.

ماده ۱۱-۱۱۲- هرگاه رأی قطعی کیفری مؤثر در ماهیت امر حقوقی باشد، برای دادگاهی که به امر حقوقی یا ضرر و زیان رسیدگی می‌کند، متبع خواهد بود.

ماده ۱۲-۱۱۲- دادگاه در مواردی که حکم به رد عین، مثل و یا قیمت مال صادر می‌کند، مکلف است میزان و مشخصات آن را قید و در صورت تعدد محکوم‌علیه، حدود مسؤولیت هر یک را مطابق مقررات مشخص کند.

تبصره - در صورتی که حکم به پرداخت قیمت مال صادر شود، قیمت زمان اجرای حکم، ملاک است.

ماده ۱۳-۱۱۲- سقوط دعوای عمومی موجب سقوط دعوای خصوصی نیست. بنابر این، هرگاه تعقیب امر کیفری به جهتی از جهات قانونی موقوف یا منتهی به صدور قرار منع تعقیب یا حکم براءت شود، دادگاه کیفری مکلف است، در صورتی که دعوای خصوصی در دادگاه مزبور مطرح شده باشد، مبادرت به رسیدگی و صدور رأی کند.

ماده ۱۴-۱۱۲- هرگاه احراز مجرمیت متهم منوط به اثبات مسائلی باشد که رسیدگی به آنها در مرجع کیفری ممکن نیست و رسیدگی به آن از خصایص دادگاه حقوقی است، با صدور قرار اناطه، تا هنگام صدور رأی قطعی از دادگاه حقوقی، تعقیب متهم، معلق و پرونده به صورت موقت بایگانی می‌شود. در این صورت، هرگاه ذی‌نفع ظرف یک ماه از تاریخ ابلاغ قرار اناطه به دادگاه صالح رجوع نکند و گواهی آن را ارایه ندهد، مرجع کیفری به رسیدگی ادامه داده، تصمیم مقتضی اتخاذ می‌کند. تبصره ۱- قرار اناطه‌ای که بازپرس صادر می‌کند، باید ظرف سه روز به نظر دادستان برسد. در صورتی که دادستان با این قرار موافق نباشد حل اختلافات طبق ماده (۱۰-۱۲۷) این قانون به عمل می‌آید.

تبصره ۲- اموال منقول از شمول ماده فوق مستثنا هستند.

باب دوم - کشف جرم و تحقیقات مقدماتی

فصل اول - ضابطان دادگستری و تکالیف آنان

ماده ۱-۱۲۱- ضابطان دادگستری مأمورانی هستند که تحت نظارت و تعلیمات مقام قضایی در کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، بازجویی و تحقیقات مقدماتی، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی، به موجب قانون اقدام می‌کنند.

ماده ۲-۱۲۱- ضابطان دادگستری عبارتند از:

- الف - افسران و درجه داران آموزش دیده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران؛
 - ب - رؤسا، معاونان و ماموران زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان؛
 - ج - سایر نیروهای مسلح در مواردی که به موجب قانون یا مصوبه شورای عالی امنیت ملی تمام یا برخی از وظایف ضابطان به آنان محول می‌شود؛
 - د - مقامات و مأمورانی که به موجب قوانین خاص در حدود وظایف محول شده ضابط دادگستری محسوب می‌شوند.
 - ه - مأموران وزارت اطلاعات در چارچوب وظایف محوله قانونی.
- تبصره - سربازان وظیفه، ضابط دادگستری محسوب نمی‌شوند، اما تحت نظارت ضابطان مربوط در این مورد انجام وظیفه می‌کنند و مسؤلیت اقدامات انجام شده در این رابطه با ضابطان است.

ماده ۳-۱۲۱- قوه قضائیه مکلف است در مورد ضابطان دادگستری بطور مستمر دوره‌های آموزشی حین خدمت را جهت کسب مهارت‌های لازم و ایفاء وظایف قانونی آنان برگزار نماید.

تبصره - آیین‌نامه اجرایی این ماده ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط وزیر دادگستری و با همکاری وزارتخانه‌های کشور و دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح تهیه شده و به تصویب هیئت دولت می‌رسد.

ماده ۴-۱۲۱- ریاست و نظارت بر ضابطان دادگستری از حیث وظایفی که به عنوان ضابط به عهده دارند با دادستان است. سایر مقامات قضایی نیز در اموری که به ضابطان ارجاع می‌کنند، حق نظارت دارند.

تبصره - مقام قضایی باید امور مربوط را صرفاً به ضابطین دادگستری ارجاع نماید.

ماده ۵-۱۲۱- دادستان به منظور نظارت بر حسن اجرای وظایف مربوط به ضابطان، واحدهای مربوط را به طور مرتب مورد بازرسی قرار داده، در هر مورد، مراتب را در دفتر مخصوصی که به این منظور تهیه می‌شود، قید و دستورات لازم را صادر می‌کند.

ماده ۶-۱۲۱- دستورات مقام قضایی به ضابطان دادگستری به صورت کتبی، صریح و با قید مهلت صادر می‌شود. در موارد فوری که صدور دستور کتبی مقدور نیست، دستور به صورت شفاهی صادر می‌شود و ضابط دادگستری باید ضمن انجام دستورات و درج کامل آن در صورتجلسه، در اسرع وقت آن را به امضای مقام قضایی برساند.

ماده ۷-۱۲۱- ضابطان دادگستری مکلفند در اسرع وقت و در مدتی که دادستان یا مقام قضایی مربوط تعیین می‌کند، نسبت به انجام دستورات و تکمیل پرونده اقدام نمایند.

تبصره - چنانچه اجرای دستور یا تکمیل پرونده میسر نشود، ضابطان باید در پایان مهلت تعیین شده، گزارش آن را با ذکر علت برای مقام قضایی مربوط ارسال کنند.

ماده ۸-۱۲۱- گزارش ضابطان در صورتی قابل استناد است که بر خلاف اوضاع و احوال و قرائن مسلم قضیه نبوده و بر اساس ضوابط و مقررات قانونی تهیه و تنظیم شده باشد. در غیر این صورت، از سوی مراجع قضایی قابل استناد نیست.

ماده ۹-۱۲۱- ضابطان دادگستری مکلفند پس از دریافت شکایت کتبی، به شاکی رسید تحویل دهند و شکایت شفاهی را صورتجلسه کرده، به امضای وی برسانند و به فوریت نزد دادستان ارسال کنند.

ماده ۱۰-۱۲۱- ضابطان دادگستری مکلفند شاکی را از حق درخواست جبران خسارت و بهره‌مندی از خدمات مشاوره‌ای موجود و سایر معاضدت‌های حقوقی آگاه سازند.

ماده ۱۱-۱۲۱- ضابطان دادگستری مکلفند اظهارات شاکی را در مورد ضرر و زیان وارد شده در گزارش خود به مراجع قضایی ذکر کنند.

ماده ۱۲-۱۲۱- ضابطان دادگستری مکلفند در صورت درخواست شاکی، اطلاعات مربوط به پرونده و هویت متهم را در اختیار او قرار دهند.

ماده ۱۳-۱۲۱- افشای اطلاعات مربوط به هویت و محل اقامت بزه‌دیده، شهود و مطلعان توسط ضابطان دادگستری، جز در مواردی که قانون معین می‌کند، ممنوع است.

ماده ۱۴-۱۲۱- ضابطان دادگستری اختیار اخذ تأمین از متهم را ندارند و مقامات قضایی نیز نمی‌توانند اخذ تأمین را به آنان ارجاع کنند.

ماده ۱۵-۱۲۱- بازجویی و تحقیقات از زنان توسط ضابطان آموزش‌دیده زن انجام می‌شود و در صورت عدم امکان، پرونده جهت انجام بازجویی و تحقیقات از آنان توسط بازپرس، نزد وی ارسال می‌شود.

ماده ۱۶-۱۲۱- ضابطان دادگستری به محض اطلاع از وقوع جرم، در جرایم غیرمشهود مراتب را برای کسب تکلیف و اخذ دستورات لازم به دادستان اعلام می‌کنند و دادستان نیز پس از بررسی لازم، حسب مورد دستور ادامه تحقیقات یا مختومه شدن پرونده را صادر می‌کند، اما در خصوص جرایم مشهود، تمام اقدامات لازم را به منظور حفظ آلات، ادوات، آثار و علائم و ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم و یا تبانی به عمل آورده، تحقیقات لازم را انجام می‌دهند و بلافاصله نتایج و مدارک به دست آمده را به اطلاع دادستان می‌رسانند.

ماده ۱۷-۱۲۱- جرم در موارد زیر مشهود است:

الف - در مرئی و منظر ضابطان دادگستری واقع شود یا مأموران یادشده به فوریت در محل وقوع جرم حضور یابند و یا آثار جرم را بلافاصله پس از وقوع مشاهده کنند؛

ب - بزه‌دیده یا دو نفر یا بیشتر که ناظر وقوع جرم بوده‌اند، حین وقوع جرم یا بلافاصله پس از آن، شخص معینی را به عنوان مرتکب معرفی کنند؛

ج - بلافاصله پس از وقوع جرم، علائم و آثار واضح یا اسباب و ادله جرم در تصرف متهم یافت و یا تعلق اسباب و ادله یادشده به متهم محرز شود؛

- د - متهم بلافاصله پس از وقوع جرم، قصد فرار داشته یا در حال فرار بوده یا فوری پس از وقوع جرم دستگیر شده باشد؛
- ه - جرم در داخل خانه اتفاق افتاده و شخص ساکن در آن بلافاصله پس از وقوع جرم، ورود مأموران را به آن خانه درخواست کند؛
- و - متهم بلافاصله پس از وقوع جرم، خود را معرفی کند و وقوع آن را خبر دهد؛
- ز - متهم ولگرد بوده و در آن محل سوء شهرت داشته باشد.
- تبصره - چنانچه جرایم موضوع بندهای (الف)، (ب) و (ج) ماده (۶-۱۳۱) این قانون به صورت مشهود واقع شوند، در صورت عدم حضور ضابطان دادگستری، تمام شهروندان می‌توانند اقدامات لازم را برای جلوگیری از فرار مرتکب جرم و حفظ صحنه جرم به عمل آورند.
- ماده ۱۸-۱۲۱** - هرگاه قرائن و امارات مربوط به وقوع جرم مورد تردید بوده یا اطلاعات ضابط دادگستری از منابع موثق نباشد، آنان باید پیش از اطلاع به دادستان، بدون داشتن حق تفتیش و بازرسی یا احضار و جلب اشخاص، تحقیقات لازم را به عمل آورده، نتیجه را گزارش دهند. دادستان با توجه به این گزارش، دستور تکمیل تحقیقات یا مختومه شدن پرونده را صادر می‌کند.
- ماده ۱۹-۱۲۱** - ضابطان دادگستری مکلفند نتیجه اقدامات خود را فوری به اطلاع دادستان برسانند. چنانچه دادستان اقدامات انجام شده را کافی نداند، می‌تواند تکمیل آن را بخواهد. در این صورت، ضابطان باید طبق دستور دادستان تحقیقات و اقدامات قانونی را برای کشف جرم به عمل آورند، اما نمی‌توانند متهم را تحت نظر نگه دارند. چنانچه در جرایم مشهود، نگهداری متهم برای تکمیل تحقیقات ضروری باشد، ضابطان باید موضوع اتهام و ادله آن را بلافاصله و به طور کتبی به متهم ابلاغ و تفهیم کنند و مراتب را در اولین فرصت برای اتخاذ تصمیم قانونی به اطلاع دادستان برسانند. در هر حال، ضابطان نمی‌توانند بیش از بیست و چهار ساعت متهم را تحت نظر قرار دهند.
- ماده ۲۰-۱۲۱** - هرگاه فردی خارج از وقت اداری تحت هر عنوان تحت نظر قرار گیرد، باید حداکثر ظرف یک ساعت مراتب به قاضی کشیک اعلام شود. قاضی کشیک نیز مکلف است، موضوع را بررسی کرده و در صورت نیاز با حضور در محل تحت نظر قرار گرفتن وی اقدام قانونی به عمل آورد.
- ماده ۲۱-۱۲۱** - با شروع تحت نظر قرار گرفتن، شخص می‌تواند تقاضای حضور وکیل کند. وکیل در پایان ملاقات با متهم که نباید بیش از سی دقیقه باشد، می‌تواند ملاحظات کتبی خود را جهت درج در پرونده اعلام کند.
- ماده ۲۲-۱۲۱** - به محض این که متهم در مرجع انتظامی تحت نظر قرار گرفت، حداکثر ظرف یک ساعت، مشخصات سجلی، شغل، آدرس و علت تحت نظر قرار گرفتن وی، به هر طریق ممکن، به

دادسرای محل اعلام می‌شود. دادستان با درج مشخصات مزبور در دفتر مخصوص و رایانه، نظارت لازم را جهت رعایت حقوق این افراد اعمال و فهرست کامل آنان را در پایان هر روز به رییس کل دادگستری استان مربوط اعلام می‌کند تا به همان نحو ثبت شود. والدین، همسر، فرزندان و خواهر و برادر این اشخاص می‌توانند از طریق مراجع مزبور از تحت نظر بودن آنان اطلاع یابند. پاسخگویی به بستگان فوق در خصوص علت تحت نظر قرار گرفتن، تا حدی که با حیثیت اجتماعی و خانوادگی اشخاص تحت نظر منافات نداشته باشد، ضروری است.

ماده ۲۳-۱۲۱- شخص تحت نظر می‌تواند به وسیله تلفن یا هر وسیله ممکن، افراد خانواده یا آشنایان خود را از موضوع تحت نظر بودن آگاه کند و ضابطان نیز مکلفند مساعدت لازم را در این خصوص به عمل آورند، مگر آن که بنا بر ضرورت تحقیقات تشخیص دهند که شخص تحت نظر نباید از چنین حقی استفاده کند. در این صورت باید مراتب را جهت اخذ دستور مقتضی به اطلاع مقام قضایی برسانند.

ماده ۲۴-۱۲۱- بنا به درخواست شخص تحت نظر یا یکی از بستگان نزدیک وی، یکی از پزشکان به تعیین دادستان از شخص تحت نظر معاینه به عمل می‌آورد. گواهی پزشک در پرونده ثبت و ضبط می‌شود.

ماده ۲۵-۱۲۱- هر گاه متهم در مرجع انتظامی تحت نظر قرار گرفت، ضابطان دادگستری مکلفند حقوق مندرج در این قانون را به متهم تفهیم و به صورت مکتوب در اختیار وی قرار دهند و رسید دریافت و ضمیمه پرونده کنند.

تبصره - شیوه تحت نظر قرار گرفتن متهم و اعمال سایر حقوق وی، به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط وزیر دادگستری با همکاری وزیر کشور تهیه شده و پس از تأیید رییس قوه قضاییه به تصویب هیئت دولت می‌رسد.

ماده ۲۶-۱۲۱- ضابطان دادگستری مکلفند اظهارات شخص تحت نظر، علت تحت نظر بودن، تاریخ و ساعت آغاز آن، مدت بازجویی، مدت استراحت بین دو بازجویی و تاریخ و ساعتی را که شخص نزد قاضی معرفی شده، در صورت مجلس قید و آن را به امضاء یا اثر انگشت او برسانند. ضابطان همچنین مکلفند تاریخ و ساعت آغاز و پایان تحت نظر بودن را در دفتر خاصی ثبت و ضبط کنند.

تبصره - در این ماده و نیز در سایر مواد مقرر در این قانون که اخذ امضاء و یا اثر انگشت شخص پیش بینی شده است، اثر انگشت در صورتی دارای اعتبار است که شخص قادر به امضاء نباشد.

ماده ۲۷-۱۲۱- ضابطان دادگستری پس از حضور دادستان یا بازپرس در صحنه جرم، تحقیقاتی را که انجام داده‌اند به آنان تسلیم می‌کنند و دیگر حق مداخله ندارند، مگر آن که انجام دستور و مأموریت دیگری از سوی مقام قضایی به آنان ارجاع شود.

ماده ۲۸-۱۲۱- تفتیش منازل، اماکن و اشیاء و جلب اشخاص در جرائم غیرمشهود باید با اجازه موردی مقام قضایی باشد، هر چند وی اجرای تحقیقات را به طور کلی به ضابط ارجاع کرده باشد. تبصره - بازرسی بدنی اشخاص و نیز اشیاء از قبیل خودرو و وسایل موجود در آن، چنانچه به تشخیص شورای امنیت کشور در محل یا منطقه‌ای مشخص و برای مدت معینی ضروری و برابر ضوابط مصوب آن شورا باشد، نیازی به صدور مجوز موردی ندارد.

ماده ۲۹-۱۲۱- ضابطان دادگستری مکلفند طبق مجوز صادر شده عمل کرده، از بازرسی اشیاء و مکان‌های غیر مرتبط خودداری کنند.

ماده ۳۰-۱۲۱- ضابطان دادگستری به هنگام ورود به منازل و اماکن، ضمن ارایه اوراق هویت ضابط بودن خود، اصل دستور قضایی را به رؤیت متصرف قانونی رسانده، مراتب را در صورتجلسه قید و به امضای حاضران می‌رسانند. در صورتی که این اشخاص از رؤیت امتناع کنند، مراتب در صورتجلسه قید و ضابطان بازرسی را انجام می‌دهند.

ماده ۳۱-۱۲۱- چنانچه ضابطان دادگستری در هنگام بازرسی محل با ادله، اسباب و آثار جرم دیگری برخورد کنند که تهدیدکننده امنیت و آسایش عمومی جامعه باشد، ضمن حفظ ادله مشهود و تنظیم صورتجلسه، بلافاصله مراتب را به مرجع قضایی صالح گزارش و وفق دستور وی عمل می‌کنند.

ماده ۳۲-۱۲۱- ضابطان دادگستری مکلفند اوراق بازجویی و سایر مدارک پرونده را شماره‌گذاری کرده، در صورتجلسه‌ای که برای مقام قضایی ارسال می‌کنند، تعداد کل اوراق پرونده را مشخص کنند.

تبصره - رعایت مفاد این ماده در خصوص شماره‌گذاری اوراق پرونده توسط مدیر دفتر در دادسرا و دادگاه الزامی است و تخلف از آن موجب محکومیت به سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی است.

ماده ۳۳-۱۲۱- استفاده از کلمات موهن، سوالات تلقینی یا اغفال کننده و سوالاتی که خارج از موضوع اتهام است، در بازجویی‌ها ممنوع است و در صورت انجام، قابل استناد قضایی نیست. تاریخ، زمان و طول مدت بازجویی باید در اوراق صورتجلسه قید شود و به امضاء یا اثر انگشت متهم برسد.

ماده ۳۴-۱۲۱- تمام اقدامات ضابطان دادگستری در انجام تحقیقات باید مطابق ترتیبات و قواعدی باشد که برای تحقیقات مقدماتی مقرر است.

ماده ۳۵-۱۲۱- تحمیل هزینه های ناشی از انجام وظایف ضابطان نسبت به کشف جرم، حفظ آثار و علائم و جمع آوری ادله وقوع جرم، شناسایی و یافتن و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم، دستگیری وی، حمایت از بزه دیده و خانواده او در برابر تهدیدات، ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی تحت هر عنوان بر بزه دیده ممنوع است.

ماده ۳۶-۱۲۱- تخلف از مقررات مواد (۶-۱۲۱)، (۷-۱۲۱)، (۹-۱۲۱)، (۱۰-۱۲۱)، (۱۱-۱۲۱)، (۱۲-۱۲۱)، (۱۳-۱۲۱)، (۱۴-۱۲۱)، (۱۵-۱۲۱)، (۲۲-۱۲۱)، (۲۴-۱۲۱)، (۲۵-۱۲۱)، (۲۶-۱۲۱)، (۲۸-۱۲۱)، (۳۲-۱۲۱) و (۱۹-۱۲۴) این قانون توسط ضابطان، موجب محکومیت به سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی است.

فصل دوم - وظایف و اختیارات دادستان

ماده ۱-۱۲۲- جهات قانونی برای شروع به تعقیب به شرح زیر است:

الف - شکایت شاکی یا مدعی خصوصی؛

ب - اعلام و اخبار ضابطان دادگستری یا اشخاصی که از قول آنان اطمینان حاصل می شود؛

ج - جرم مشهود، هرگاه دادستان یا بازپرس ناظر وقوع آن باشند؛

د - اظهار و اقرار متهم؛

ه - موارد قانونی دیگری که دادستانی از وقوع جرم مطلع می شود.

ماده ۲-۱۲۲- هرگاه کسی اعلام کند که خود ناظر وقوع جرمی بوده و جرم مذکور از جرائم غیرقابل گذشت باشد، این اظهار برای شروع به تعقیب کافی است، هر چند ادله دیگری برای تعقیب موجود نباشد؛ اما اگر اعلام کننده شاهد قضیه نبوده، به صرف اعلام نمی توان شروع به تعقیب کرد، مگر این که دلیلی بر صحت ادعا وجود داشته باشد.

ماده ۳-۱۲۲- گزارش ها و نامه هایی که هویت گزارش دهندگان و نویسندگان آنها مشخص نیست، نمی تواند مبنای شروع به تعقیب قرار گیرد، مگر آن که دلالت بر وقوع امر مهمی کنند که موجب اختلال در نظم و امنیت عمومی هستند یا همراه قرائنی باشند که به نظر دادستان برای شروع به تعقیب کفایت می کنند.

ماده ۴-۱۲۲- شکایت برای شروع به تعقیب کافی است و نمی توان از رسیدگی به آن امتناع کرد مگر آن که مقام قضایی به کذب بودن شکایت یا عدم اهلیت و یا صلاحیت شاکی علم داشته باشد.

ماده ۵-۱۲۲- شاکی یا مدعی خصوصی می تواند شخصاً یا توسط وکیل شکایت کنند. در شکوائیه موارد زیر باید قید شود:

الف - نام و نام خانوادگی، نام پدر، کد ملی و نشانی دقیق شاکی؛

ب - موضوع شکایت و ذکر تاریخ و محل وقوع جرم؛

ج - ضرر و زیانی که به مدعی وارد شده و مورد مطالبه است؛

د - ادله وقوع جرم و اسامی و مشخصات و نشانی شهود و مطلعان در صورت امکان؛

ه - مشخصات و نشانی مشتکی عنه یا مظنون در صورت امکان.

تبصره - قوه قضاییه مکلف است اوراق متحدالشکل مشتمل بر موارد فوق را تهیه کند و در اختیار مراجعان قرار دهد تا در تنظیم شکواییه مورد استفاده قرار گیرد. عدم استفاده از اوراق مزبور مانع قبول شکوائیه نیست.

ماده ۶-۱۲۲- دادستان و ضابطان دادگستری مکلفند شکایت کتبی و شفاهی را همه وقت قبول کنند. شکایت شفاهی در صورت مجلس قید و به امضاء یا اثر انگشت شاکی می رسد. هرگاه شاکی سواد نداشته باشد، مراتب در صورت مجلس قید و انطباق شکایت با مندرجات صورت مجلس تصدیق می شود.

ماده ۷-۱۲۲- در مواردی که تعقیب کیفری، منوط به شکایت شاکی است، اما بزه دیده، محجور باشد و ولی یا قیم نداشته یا به آنان دسترسی نباشد و نصب قیم نیز موجب فوت وقت یا توجه ضرر به محجور شود، تا حضور و مداخله ولی یا قیم یا نصب قیم و همچنین در صورتی که ولی یا قیم خود مرتکب جرم شده یا مداخله در آن داشته باشد، دادستان شخصی را به عنوان قیم موقت تعیین و یا خود امر کیفری را تعقیب می کند و اقدامات ضروری را برای حفظ و جمع آوری ادله جرم و جلوگیری از فرار متهم به عمل می آورد. این حکم در مواردی که بزه دیده ولی و یا قیم او به عللی از قبیل بیهوشی قادر به شکایت نباشند نیز جاری است.

تبصره - در خصوص شخص سفیه فقط در دعاوی کیفری که جنبه مالی دارد رعایت ترتیب مذکور در این ماده الزامی است و در غیر موارد مالی، سفیه می تواند شخصاً طرح شکایت نماید.

ماده ۸-۱۲۲- در مواردی که تعقیب کیفری منوط به شکایت شاکی است، اگر بزه دیده صغیر یا مجنون باشد و ولی قهری یا قیم اقدام به شکایت نکند و نیز در مورد بزه دیدگانی که به عللی از

قبیل معلولیت جسمی یا ذهنی یا کهولت سن، ناتوان از اقامه دعوا هستند، دادستان موضوع را تعقیب می‌کند. در این صورت، موقوف شدن تعقیب یا اجرای حکم نیز منوط به موافقت دادستان است.

ماده ۹-۱۲۲- دادستان در اموری که به بازپرس ارجاع می‌شود، حق نظارت و ارایه تعلیمات لازم را دارد.

ماده ۱۰-۱۲۲- دادستان می‌تواند در تحقیقات مقدماتی حضور یافته، بر نحوه انجام آن نظارت کند؛ اما نمی‌تواند جریان تحقیقات را متوقف سازد.

ماده ۱۱-۱۲۲- نظارت بر تحقیقات به عهده دادستانی است که تحقیقات در حوزه او به عمل می‌آید، هر چند راجع به امری باشد که خارج از آن حوزه اتفاق افتاده است.

ماده ۱۲-۱۲۲- دادستان پیش از این که تحقیق در جرمی را از بازپرس بخواهد یا جریان تحقیقات را به طور کلی به بازپرس واگذار کند، می‌تواند اجرای برخی تحقیقات و اقدامات لازم را از بازپرس تقاضا کند. در این صورت، بازپرس مکلف است فقط تحقیق یا اقدام مورد تقاضای دادستان را انجام داده و نتیجه را نزد وی ارسال کند.

ماده ۱۳-۱۲۲- در صورت مشهود بودن جرایم موضوع بندهای (الف)، (ب) و (ج) ماده (۶-۱۳۱) این قانون، تا پیش از حضور و مداخله بازپرس، دادستان اقدامات لازم را برای حفظ آثار و علائم، جمع آوری ادله وقوع جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم به عمل می‌آورد.

ماده ۱۴-۱۲۲- در مورد جرایم مشهود که رسیدگی به آنها از صلاحیت دادگاه محل خارج است، دادستان مکلف است تمام اقدامات لازم را برای جلوگیری از امحای آثار جرم و فرار و مخفی شدن متهم معمول و هر تحقیقی را که برای کشف جرم لازم بداند، انجام داده، نتیجه اقدامات خود را فوری به مرجع قضایی صالح ارسال کند.

ماده ۱۵-۱۲۲- در جرایم قابل گذشت، شاکی می‌تواند درخواست ترک تعقیب کند. در این صورت، دادستان با موافقت متهم، قرار ترک تعقیب صادر می‌کند. صدور این قرار مانع از تعقیب مجدد متهم فقط برای یک بار با تقاضای شاکی نیست.

ماده ۱۶-۱۲۲- در جرایم تعزیری یا بازدارنده که مجازات قانونی آن حداکثر تا شش ماه حبس، ده میلیون ریال جزای نقدی و یا شلاق است، چنانچه شاکی وجود نداشته یا گذشت کرده باشد، در صورت فقدان سابقه محکومیت مؤثر کیفری، دادستان می‌تواند با ملاحظه وضع اجتماعی و سوابق متهم و اوضاع و احوالی که موجب وقوع بزه شده است و در صورت ضرورت با اخذ التزام کتبی از

متهم برای رعایت مقررات قانونی، فقط یک بار از تعقیب متهم خودداری و قرار ترک تعقیب صادر کند. این قرار ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ، قابل اعتراض در دادگاه کیفری مربوط خواهد بود.

ماده ۱۷-۱۲۲- در جرایم تعزیری یا بازدارنده که جرم مزبور قابل گذشت نبوده و مجازات قانونی آن حداکثر تا سه سال حبس یا جزای نقدی تا بیست میلیون ریال است، چنانچه شاکی وجود نداشته، گذشت کرده یا خسارت وارد شده جبران گردیده و یا با موافقت بزه دیده، ترتیب پرداخت آن در مدت مشخصی داده شده و متهم فاقد سابقه محکومیت مؤثر کیفری باشد، دادستان می تواند پس از اخذ موافقت متهم و در صورت ضرورت با اخذ تأمین متناسب، تعقیب وی را از شش ماه تا دو سال معلق کند. در این صورت، دادستان متهم را حسب مورد، مکلف به اجرای برخی از دستورات زیر می کند:

الف - ارایه خدمات به بزه دیده در جهت رفع یا کاهش آثار زیان بار مادی یا معنوی ناشی از جرم با رضایت بزه دیده؛

ب - ترک اعتیاد از طریق مراجعه به پزشک، درمانگاه، بیمارستان و یا به هر طریق دیگر، حداکثر ظرف شش ماه؛

ج - خودداری از اشتغال به کار یا حرفه معین، حداکثر به مدت یک سال؛

د - خودداری از رفت و آمد به محل یا مکان معین، حداکثر به مدت یک سال؛

ه - معرفی خود در زمان های معین به شخص یا مقامی که دادستان تعیین می کند، حداکثر به مدت یک سال؛

و - انجام دادن کار در ایام یا ساعات معین در مؤسسات عمومی یا عام المنفعه ای که دادستان معین می کند، حداکثر به مدت یک سال؛

ز - شرکت در کلاس ها یا جلسات آموزشی، فرهنگی و حرفه ای در ایام و ساعات معین حداکثر، به مدت یک سال؛

ح - عدم اقدام به رانندگی با وسایل نقلیه موتوری و تحویل دادن گواهینامه، حداکثر به مدت یک سال؛

ط - عدم حمل سلاح دارای مجوز یا استفاده از آن، حداکثر به مدت یک سال؛

ی - عدم ارتباط و ملاقات با شرکای جرم و بزه دیده که توسط دادستان تعیین می شود، برای مدت معین؛

ک - ممنوعیت خروج از کشور و تحویل دادن گذرنامه با اعلام مراتب به مراجع مربوط، حداکثر به مدت شش ماه.

تبصره ۱- چنانچه مجازات‌های مندرج در این ماده و ماده (۱۶-۱۲۲) این قانون، توأم با حبس باشد، مجازات حبس ملاک عمل خواهد بود.

تبصره ۲- در صورتی که متهم در مدت تعلیق، مرتکب جرمی از همان نوع که تعقیب آن معلق شده یا جرمی که مجازات آن شدیدتر است، بشود و یا دستورات دادستان را اجراء نکند، قرار تعلیق لغو و با رعایت مقررات مربوط به تعدد، تعقیب به عمل می‌آید و مدتی که تعقیب معلق بوده است، جزء مدت مرور زمان محسوب نمی‌شود. مرجع صادرکننده قرار مکلف است به مفاد این تبصره در قرار صادر شده تصریح کند.

تبصره ۳- قرار تعلیق تعقیب، ظرف ده روز پس از ابلاغ، قابل اعتراض در دادگاه کیفری مربوط است.

تبصره ۴- هرگاه در مدت قرار تعلیق تعقیب معلوم شود که متهم دارای سابقه محکومیت کیفری مؤثر بوده، قرار مزبور بلافاصله به وسیله مرجع صادرکننده لغو و تعقیب از سرگرفته می‌شود. مدتی که تعقیب معلق بوده است، جزء مدت مرور زمان محسوب نمی‌شود.

تبصره ۵- بازپرس می‌تواند اعمال مقررات این ماده را از دادستان درخواست کند.

تبصره ۶- در مواردی که پرونده به طور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود، دادگاه می‌تواند مقررات این ماده را اعمال کند.

تبصره ۷- قرار تعلیق تعقیب در دفتر مخصوصی در اداره سجل کیفری ثبت می‌شود و در صورتی که متهم در مدت مقرر ترتیبات مندرج در قرار را رعایت ننماید، تعلیق لغو می‌گردد.

ماده ۱۸-۱۲۲- در تمام جرایم قابل گذشت و جرایمی که گذشت شاکی یا مدعی خصوصی مؤثر در تخفیف مجازات است، دادستان یا بازپرس پس از موافقت دادستان در جرائم غیرقابل گذشت، می‌تواند به درخواست متهم و موافقت بزه دیده یا مدعی خصوصی و با اخذ تأمین متناسب، مهلتی که بیش از دو ماه نباشد به متهم بدهد تا برای تحصیل گذشت شاکی یا جبران خسارت ناشی از جرم اقدام کند. همچنین دادستان یا بازپرس می‌تواند برای حصول سازش بین طرفین، موضوع را با توافق آنان به شورای حل اختلاف یا شخص یا مؤسسه‌ای جهت میانجی‌گری ارجاع کند. مدت میانجی‌گری از سه ماه بیشتر نخواهد بود. مهلت‌های مذکور در این ماده در صورت اقتضا فقط برای یک بار و به میزان مذکور قابل تمدید است. اگر شاکی گذشت کند و موضوع از جرایم قابل گذشت باشد، تعقیب موقوف می‌شود. در سایر موارد، اگر شاکی گذشت کند یا خسارت او جبران شود و یا راجع به پرداخت آن توافق حاصل شود و متهم فاقد سابقه محکومیت مؤثر کیفری باشد، دادستان

می‌تواند پس از اخذ موافقت متهم، تعقیب وی را از شش ماه تا دو سال معلق کند. در این صورت، دادستان متهم را با رعایت تبصره‌های ماده (۱۷-۱۲۲) این قانون حسب مورد، مکلف به اجرای برخی دستورات موضوع ماده مذکور می‌کند و همچنین در صورت عدم اجرای تعهدات مورد توافق از سوی متهم، بنا به درخواست شاکی، قرار تعلیق تعقیب را لغو و تعقیب را مجدداً آغاز می‌کند.

ماده ۱۹-۱۲۲- نتیجه میانجی‌گری به صورت مشروح و با ذکر ادله آن طی صورتجلسه‌ای که به امضای میانجی‌گر و طرفین رسیده است، جهت بررسی و تأیید و اقدامات بعدی حسب مورد نزد دادستان یا بازپرس ارسال می‌شود. در صورت حصول توافق، ذکر تعهدات طرفین و چگونگی انجام آنها در صورت جلسه الزامی است.

ماده ۲۰-۱۲۲- چگونگی انجام دادن کار در مؤسسات عام المنفعه موضوع بند (و) ماده (۱۷-۱۲۲) این قانون و ترتیب میانجی‌گری و شخص یا اشخاصی که برای میانجی‌گری انتخاب می‌شوند، موضوع ماده (۱۸-۱۲۲) این قانون به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط وزیر دادگستری تهیه شده و پس از تأیید رییس قوه قضاییه به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

ماده ۲۱-۱۲۲- در مواردی که دیه باید از بیت‌المال پرداخت شود، پس از اتخاذ تصمیم قانونی راجع به سایر جهات، پرونده به دستور دادستان برای صدور حکم مقتضی به دادگاه ارسال می‌شود.

ماده ۲۲-۱۲۲- در غیر جرایم موضوع بندهای (الف)، (ب) و (ج) ماده (۶-۱۳۱) این قانون، چنانچه متهم و شاکی حاضر باشند یا متهم حاضر و شاکی وجود نداشته یا گذشت کرده باشد و تحقیقات مقدماتی هم کامل باشد، دادستان می‌تواند رأساً یا به درخواست بازپرس، با اعزام متهم به دادگاه و در صورت حضور شاکی به همراه او، دعوای کیفری را بلافاصله بدون صدور کیفرخواست به صورت شفاهی مطرح کند. در این مورد، دادگاه بدون تأخیر تشکیل جلسه داده به متهم تفهیم می‌کند که حق دارد برای تعیین وکیل و تدارک دفاع مهلت بخواهد که در صورت درخواست متهم، حداقل سه روز به او مهلت داده می‌شود. تفهیم این موضوع و پاسخ متهم باید در صورت مجلس دادگاه قید شود. هرگاه متهم از این حق استفاده نکند، دادگاه در همان جلسه، رسیدگی و رأی صادر می‌کند و اگر ضمن رسیدگی انجام تحقیقاتی را لازم بداند، آنها را انجام و یا دستور تکمیل تحقیقات را به دادستان یا ضابطان دادگستری می‌دهد. اخذ تأمین متناسب از متهم با دادگاه است. شاکی در صورت مطالبه ضرر و زیان می‌تواند حداکثر ظرف پنج روز دادخواست خود را تقدیم کند و دادگاه هر چند فارغ از امر کیفری باشد، به دعوای ضرر و زیان رسیدگی و رأی مقتضی صادر می‌کند.

ماده ۲۳-۱۲۲- هرگاه مأموران پست بر مبنای قرائن و امارات، احتمال قوی دهند که بسته پستی حاوی مواد مخدر، سمی، میکروبی خطرناک و یا مواد منفجره، اسلحه گرم، اقلام امنیتی مطابق فهرست اعلامی از سوی مراجع ذیصلاح به پست و یا سایر آلات و ادوات جرم است، محموله پستی با تنظیم صورت مجلس توقیف می‌شود و موضوع فوری به اطلاع دادستان می‌رسد. دادستان پس از اخذ نظر مراجع ذیصلاح و بررسی، در صورت منتفی بودن احتمال، بلافاصله دستور استرداد یا ارسال بسته پستی را صادر می‌کند.

ماده ۲۴-۱۲۲- در اموری که از طرف دادستان به معاون دادستان یا دادپار ارجاع می‌شود، آنان در امور محوله دارای تمام وظایف و اختیارات دادستان هستند و تحت تعلیمات و نظارت او انجام وظیفه می‌کنند. در غیاب دادستان و معاون او، دادپار دارای تمام وظایف و اختیارات دادستان است.

ماده ۲۵-۱۲۲- درحوزه قضایی بخش، وظایف دادستان برعهده رییس حوزه قضایی و در غیاب وی برعهده دادرس علی البدل دادگاه است.

ماده ۲۶-۱۲۲- دادستان شهرستان مرکز استان بر اقدامات دادستان‌ها، مقامات قضایی دادسرای شهرستان‌های آن استان و افرادی که وظایف دادستان را در دادگاه بخش برعهده دارند، از حیث این وظایف و نیز حسن اجرای آرا کیفری، نظارت داشته، تعلیمات لازم را ارایه خواهد نمود.

تبصره - دادستان شهرستان مرکز استان، در صورت ضرورت و پس از کسب موافقت رییس کل دادگستری آن استان، پرونده را از دادسرای هر یک از شهرستان‌های آن استان اخذ و جهت انجام تحقیقات به بازپرس دادسرای شهرستان مرکز استان ارجاع می‌کند.

ماده ۲۷-۱۲۲- دادستان کل کشور بر همه دادرس‌های عمومی و انقلاب و نظامی سراسر کشور از حیث انجام وظایف قانونی نظارت دارد و برای حسن اجرای قانون و ایجاد هماهنگی بین آنها پیشنهادهای لازم را به رییس قوه قضاییه ارایه می‌دهد.

فصل سوم - وظایف و اختیارات بازپرس

مبحث اول - اختیارات بازپرس و حدود آن

ماده ۱-۱۲۳- شروع به تحقیقات مقدماتی از سوی بازپرس منوط به ارجاع دادستان است. چنانچه بازپرس ناظر وقوع جرم باشد تحقیقات را شروع کرده، مراتب را فوری به اطلاع دادستان می‌رساند و در صورت ارجاع دادستان، تحقیقات را ادامه می‌دهد.

ماده ۲-۱۲۳- تحقیقات مقدماتی، مجموعه اقداماتی است که از سوی بازپرس یا دیگر مقامات قضایی به موجب قانون، برای حفظ آثار و علائم و جمع‌آوری ادله وقوع جرم، شناسایی، یافتن و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم انجام می‌شود.

ماده ۳-۱۲۳- تحقیقات مقدماتی تمام جرایم بر عهده بازپرس است. در غیر جرایم موضوع ماده (۶-۱۳۱) این قانون، در صورت نبودن بازپرس، دادستان نیز دارای تمام وظایف و اختیاراتی است که برای بازپرس تعیین شده است. در این حالت، چنانچه دادستان انجام تحقیقات مقدماتی را به دادیار ارجاع کند، قرارهای نهایی دادیار و همچنین قرار تأمین منتهی به بازداشت متهم، باید در همان روز صدور به نظر دادستان برسد و دادستان نیز مکلف است حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت در این خصوص اظهار نظر کند.

تبصره - در صورت عدم حضور بازپرس یا معذور بودن وی از انجام وظیفه یا نبودن بازپرس دیگر، در جرایم موضوع ماده (۶-۱۳۱) این قانون، دادرس دادگاه به تقاضای دادستان و تعیین رییس حوزه قضایی، وظیفه بازپرس را صرفاً تا زمان باقی بودن وضعیت مذکور انجام خواهد داد.

ماده ۴-۱۲۳- بازپرس باید در کمال بی‌طرفی و در حدود اختیارات قانونی، تحقیقات را انجام داده، در کشف اوضاع و احوالی که به نفع یا ضرر متهم است فرق نگذارد.

ماده ۵-۱۲۳- تحقیقات مقدماتی باید سریع انجام شود و تعطیلات مانع انجام آن نیست.

ماده ۶-۱۲۳- بازپرس مکلف است برای جلوگیری از امحای آثار و علائم جرم، اقدامات فوری را به عمل آورده، در تحصیل و جمع‌آوری ادله وقوع جرم تأخیر نکند.

تبصره - تخلف از این ماده و مواد (۱۴-۱۲۳) و (۱۶-۱۲۳) این قانون موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است.

ماده ۷-۱۲۳- بازپرس به منظور حمایت از بزه‌دیده یا خانواده او در برابر تهدیدات، در صورت ضرورت، انجام برخی از اقدامات احتیاطی را به ضابطان دادگستری دستور می‌دهد. ضابطان دادگستری مکلف به انجام دستورات و ارایه گزارش به بازپرس هستند.

ماده ۸-۱۲۳- بازپرس باید شخصاً تحقیقات و اقدامات لازم را به منظور جمع‌آوری ادله وقوع جرم به عمل آورد، ولی می‌تواند در غیر جرایم موضوع بندهای (الف)، (ب) و (ج) ماده (۶-۱۳۱) این قانون، تفتیش، تحقیق از شهود و مطلعان، جمع‌آوری اطلاعات و ادله وقوع جرم و یا هر اقدام قانونی دیگری را که برای کشف جرم لازم بداند، پس از دادن تعلیمات لازم به ضابطان دادگستری ارجاع

کند که در این صورت، ضمن نظارت، چنانچه تکمیل آنها را لازم بداند، تصمیم مقتضی اتخاذ می‌کند.

ماده ۹-۱۲۳- هرگاه بازپرس ضمن تحقیق، جرم دیگری را کشف کند که به جرم اول مرتبط نباشد و بدون شکایت شاکی نیز قابل تعقیب باشد، اقدامات لازم را موافق قانون برای حفظ آثار و علایم وقوع جرم و جلوگیری از فرار یا مخفی شدن متهم به عمل آورده، مراتب را به دادستان اطلاع می‌دهد و در صورت ارجاع دادستان، تحقیقات را ادامه می‌دهد.

تبصره - چنانچه جرم کشف شده از جرایمی باشد که با شکایت شاکی قابل تعقیب است، مراتب در صورت امکان، توسط دادستان به نحو مقتضی به اطلاع بزه‌دیده می‌رسد.

ماده ۱۰-۱۲۳- شاکی می‌تواند در هنگام تحقیقات شهود خود را معرفی و ادله‌اش را اظهار کرده و در تحقیقات حضور داشته باشد، صورتجلسه تحقیقات مقدماتی یا سایر اوراق پرونده را که با محرمانه بودن تحقیقات منافات نداشته باشد، مطالعه کند و یا به هزینه خود از آنها تصویر یا رونوشت بگیرد.

تبصره ۱- در صورت درخواست شاکی، چنانچه بازپرس مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق پرونده را با محرمانه بودن تحقیقات منافی بداند، با ذکر دلیل، قرار عدم امکان دسترسی به پرونده یا اوراق مربوط را صادر می‌کند. این قرار، حضوری به شاکی ابلاغ و ظرف سه روز قابل اعتراض در دادگاه صالح است. دادگاه مکلف است در وقت فوق‌العاده به اعتراض رسیدگی و اتخاذ تصمیم کند. تصمیم دادگاه قطعی است.

تبصره ۲- ارائه اسناد و مدارک طبقه بندی شده به شاکی ممنوع است.

ماده ۱۱-۱۲۳- بازپرس مکلف است در مواردی که دسترسی به اطلاعات فردی بزه‌دیده، از قبیل نام و نام خانوادگی، نشانی و شماره تلفن، احتمال خطر و تهدید جدی علیه تمامیت جسمانی و حیثیت بزه‌دیده را به همراه داشته باشد، تدابیر مقتضی را برای جلوگیری از دسترسی به این اطلاعات اتخاذ کند. این امر در مرحله رسیدگی در دادگاه نیز به تشخیص رییس دادگاه و با رعایت مصالح بزه‌دیده اعمال می‌شود.

ماده ۱۲-۱۲۳- تحقیق در جرایم منافی عفت ممنوع است، مگر در مواردی که جرم مشهود و یا دارای شاکی است که در این صورت، تحقیق فقط در محدوده شکایت و یا اوضاع و احوال مشهود توسط مقام قضایی انجام می‌شود.

ماده ۱۳-۱۲۳- هرگاه در برابر مقام قضایی به هنگام انجام وظیفه مقاومتی شود، او می تواند از قوای انتظامی و نظامی استفاده کند. این قوا مکلف به انجام دستور مقام قضایی هستند. در صورت عدم اجرای دستور، مستنکف به مجازات مقرر قانونی محکوم می شود.

ماده ۱۴-۱۲۳- بازپرس نمی تواند به عذر این که متهم معین نیست، مخفی شده و یا دسترسی به او مشکل است، تحقیقات خود را متوقف کند. هرگاه با انجام تحقیقات لازم، مرتکب جرم معین نباشد و دو سال تمام از وقوع جرم گذشته باشد، با موافقت دادستان، قرار توقف تحقیقات صادر و پرونده به طور موقت بایگانی و مراتب در مواردی که پرونده شاکی دارد، به شاکی ابلاغ می شود. شاکی می تواند ظرف مهلت اعتراض به قرارها، به این قرار اعتراض کند. هرگاه شاکی، هویت مرتکب را اعلام کند یا مرتکب به نحو دیگری شناخته شود، موضوع مجدداً تعقیب می شود. در مواردی که پرونده مطابق قانون به طور مستقیم در دادگاه مطرح شده، دادگاه پس از استماع نظر دادستان، مطابق مقررات این ماده اقدام می کند. مدت توقف تحقیقات جزء مدت مرور زمان محسوب می شود. تبصره - جرایمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، حبس ابد و پانزده سال حبس و یا بیشتر است، از شمول حکم این ماده مبنی بر توقف تحقیقات مستثنا هستند.

ماده ۱۵-۱۲۳- بازپرس در جریان تحقیقات، تقاضای قانونی دادستان را اجراء کرده، مراتب را در صورت مجلس قید می کند و هرگاه در هنگام اجراء با اشکال مواجه شود، به نحوی که انجام تقاضا مقدور نباشد حتی المقدور آن را اجراء و مراتب را به دادستان اعلام نموده و منتظر حل مشکل خود می شود.

ماده ۱۶-۱۲۳- بازپرس مکلف است پیش از اخذ مرخصی، عزیمت به مأموریت، انتقال و مانند آن، نسبت به پرونده هایی که متهمان آنها بازداشت می باشند، اقدام قانونی لازم را انجام دهد و در صورتی که امکان آزادی زندانی به هر علت فراهم نشود، مراتب را به طور کتبی به دادستان اعلام کند.

ماده ۱۷-۱۲۳- شاکی می تواند تأمین ضرر و زیان خود را از بازپرس بخواهد. هرگاه این تقاضا مبتنی بر ادله قابل قبول باشد، بازپرس قرار تأمین خواسته صادر می کند. تبصره - چنانچه با صدور قرار تأمین خواسته، اموال متهم توقیف شده باشد، بازپرس مکلف است در صدور قرار تأمین کیفری این موضوع را مدنظر قرار دهد.

ماده ۱۸-۱۲۳- در صورتی که خواسته شاکی، عین معین نبوده یا عین معین بوده، اما توقیف آن ممکن نباشد، بازپرس معادل مبلغ ضرر و زیان شاکی از سایر اموال و دارایی‌های متهم توقیف می‌کند.

ماده ۱۹-۱۲۳- قرار تأمین خواسته به محض ابلاغ اجراء می‌شود. در مواردی که ابلاغ فوری ممکن نیست و تأخیر در اجراء موجب تضییع خواسته می‌شود، ابتدا قرار تأمین، اجراء و سپس ابلاغ می‌شود. این موارد، فوراً به اطلاع دادستان می‌رسد. قرار تأمین خواسته توسط واحد اجرای احکام مدنی و مطابق مقررات مربوط اجراء می‌شود.

ماده ۲۰-۱۲۳- رفع ابهام و اجمال از قرار تأمین خواسته به عهده بازپرس است و رفع اشکالات ناشی از اجرای آن توسط قاضی اجرای احکام مدنی به عمل می‌آید.

ماده ۲۱-۱۲۳- دادگاه حقوقی به اعتراض اشخاص ثالث نسبت به توقیف اموال ناشی از اجرای قرار تأمین خواسته، مطابق مقررات اجرای احکام مدنی رسیدگی می‌کند.

ماده ۲۲-۱۲۳- در مواردی که مطالبه خواسته نیازمند تقدیم دادخواست باشد، چنانچه شاکی تا پایان جلسه اول دادرسی، دادخواست ضرر و زیان خود را به دادگاه کیفری تقدیم نکند، به درخواست متهم قرار تأمین خواسته کأن لم یکن می‌شود.

ماده ۲۳-۱۲۳- در صورتی که به جهتی از جهات قانونی، تعقیب متهم موقوف یا قرار منع تعقیب صادر و یا پرونده به هر کیفیت مختومه شود، پس از قطعیت رأی و اجرای آن، قرار تأمین خواسته کأن لم یکن می‌شود.

ماده ۲۴-۱۲۳- توقیف شرکت‌های تولیدی، مؤسسات و بنگاه‌های اقتصادی و بازرگانی، کارخانجات و کارگاه‌های تولیدی ممنوع است، مگر در مواردی که حسب قرائن معقول و ادله مثبت، ادامه تمام یا بخشی از فعالیت آنها متضمن ارتکاب اعمال مجرمانه‌ای باشد که مضر به سلامت یا مخل امنیت جامعه و یا نظم عمومی باشد که در این صورت، بازپرس مکلف است با اطلاع دادستان، حسب مورد آن بخش از فعالیت مذکور را توقیف و ادله یادشده را در تصمیم خود قید کند. این تصمیم ظرف پنج روز پس از ابلاغ قابل اعتراض در دادگاه کیفری است.

ماده ۲۵-۱۲۳- نوشتن بین سطور و تراشیدن کلمات در اوراق بازجویی و تحقیقات، ممنوع است. اگر یک یا چند کلمه اضافه شده باشد باید بر روی آن خط نازکی کشیده و این موضوع قید شود و بازپرس و شخصی که تحقیق از او به عمل می‌آید، آن را امضاء کنند. همچنین اگر یک یا چند کلمه از قلم افتاده و در حاشیه نوشته شده باشد اشخاص یادشده باید زیر آن را امضاء کنند. هرگاه این ترتیب رعایت نشود، کلمات و خطوط مزبور فاقد اعتبار است. رعایت مقررات این ماده در تمام مراحل دادرسی از سوی مقامات قضایی و ضابطان دادگستری الزامی است.

مبحث دوم - صلاحیت بازپرس

ماده ۲۶-۱۲۳- بازپرس در حوزه قضایی محل مأموریت خود با رعایت مفاد این قانون ایفای وظیفه می‌کند و در صورت وجود جهات قانونی در موارد زیر شروع به تحقیق می‌کند:

الف - جرم در حوزه قضایی محل مأموریت او واقع شده باشد؛

ب - جرم در حوزه قضایی دیگری واقع شده و در حوزه قضایی محل مأموریت او کشف یا متهم در آن حوزه دستگیر شده باشد؛

ج - جرم در حوزه قضایی دیگری واقع شده، اما متهم یا مظنون به ارتکاب جرم در حوزه قضایی محل مأموریت او مقیم باشد.

ماده ۲۷-۱۲۳- در مواردی که جرم خارج از حوزه قضایی محل مأموریت بازپرس واقع شده، اما در حوزه او کشف یا مرتکب در آن حوزه دستگیر شده باشد، بازپرس تحقیقات و اقدامات مقتضی را به عمل آورده، در صورت لزوم، قرار تأمین نیز صادر می‌کند و چنانچه قرار صادر شده منتهی به بازداشت متهم شود، پس از رسیدگی به اعتراض وی در دادگاه کیفری که در معیت آن انجام وظیفه می‌نماید، با صدور قرار عدم صلاحیت، پرونده را به همراه متهم، حداکثر ظرف چهل و هشت ساعت، به دادسرای محل وقوع جرم می‌فرستد.

ماده ۲۸-۱۲۳- هرگاه آثار و ادله وقوع جرمی در حوزه قضایی محل مأموریت بازپرس کشف شود، اما محل وقوع آن معلوم نباشد، بازپرس ضمن انجام تحقیقات، سعی در کشف محل وقوع جرم می‌کند و اگر محل وقوع جرم تا ختم تحقیقات مشخص نشود، بازپرس در خصوص موضوع، اظهار عقیده می‌کند.

ماده ۲۹-۱۲۳- هرگاه تحقیق از متهم، استماع شهادت شهود و مطلع، معاینه محل، بازرسی از منازل و اماکن و اشیاء، جمع‌آوری آلات جرم و به طور کلی هر اقدام دیگر در خارج از حوزه قضایی محل مأموریت بازپرس لازم شود، وی با اعطای نیابت قضایی، مطابق مقررات قانونی و ارسال اصل یا

تصویر اوراق موردنیاز پرونده و تصریح موارد، انجام آنها را از بازپرس محل تقاضا می کند. این بازپرس در حدود مفاد نیابت اعطایی، موضوع نیابت را انجام می دهد و اوراق تنظیمی را پس از امضاء به همراه سایر مدارک به دست آمده نزد مرجع نیابت دهنده می فرستد و در صورتی که اجرای تمام یا بخشی از مفاد نیابت، مربوط به حوزه قضایی دیگری باشد، اوراق را جهت اجرای نیابت به مرجع مزبور ارسال و مراتب را به بازپرس نیابت دهنده اعلام می کند.

تبصره - انجام نیابت قضایی در حوزه قضایی بخش به عهده رییس یا دادرس علی البدل دادگاه آن محل است.

ماده ۳۰-۱۲۳- بازپرس در هنگام اعطای نیابت قضایی می تواند نوع تأمین را معین یا اختیار اخذ تأمین و نوع آن را به نظر بازپرسی که تحقیق از او خواسته شده، واگذار کند. چنانچه بازپرسی که تحقیق از او درخواست شده با توجه به دفاع متهم و ادله ابرازی وی احراز کند که تأمین خواسته شده نامتناسب است، به نظر خود، تأمین متناسبی اخذ می کند.

ماده ۳۱-۱۲۳- هرگاه در اجرای نیابت قضایی، قرار تأمین صادر شده منتهی به بازداشت متهم شود، پرونده جهت اظهارنظر نزد دادستان محل اجرای نیابت ارسال می شود. به اعتراض متهم نسبت به قرار بازداشت، مطابق مقررات در دادگاه صالح مرجوع الیه، رسیدگی می شود.

ماده ۳۲-۱۲۳- هرگاه به تشخیص بازپرس، مباشرت وی در انجام تحقیقی در خارج از حوزه قضایی محل مأموریتش ضروری باشد، موضوع را به نحو مستدل به دادستان اعلام و پس از کسب نظر موافق وی، ضمن هماهنگی با دادستان محل و تحت نظارت او، نسبت به اجرای مأموریت اقدام می کند. در این صورت، ضابطان دادگستری و مراجع رسمی مکلف به اجرای دستورات بازپرس هستند.

فصل چهارم - معاینه محل، تحقیق محلی، بازرسی و کارشناسی

ماده ۱-۱۲۴- هرگاه برای کشف واقع و روشن شدن موضوع، تحقیق محلی یا معاینه محل ضرورت داشته باشد و یا متهم یا شاکی درخواست نمایند، بازپرس اقدام به تحقیقات محلی یا معاینه محل می کند.

ماده ۲-۱۲۴- معاینه محل و تحقیق محلی جز در مواردی که ضرورت دارد باید در روز انجام شود. مراتب ضرورت در دستور قید می شود.

ماده ۳-۱۲۴- معاینه محل توسط بازپرس و یا به دستور او توسط ضابط دادگستری انجام می شود. هنگام معاینه محل، اشخاصی که در امر کیفری شرکت دارند می توانند حاضر شوند اما عدم حضور آنان به علت عدم تمایل، مانع از انجام معاینه نیست.

تبصره - هرگاه حضور متهم در هنگام معاینه محل ضروری باشد مکلف است به دستور بازپرس در محل حاضر شود.

ماده ۴-۱۲۴- هنگام تحقیق محلی و معاینه محل، چنانچه بازپرس لازم بداند، شخصاً حاضر می شود؛ اما در خصوص جرایم موضوع بندهای (الف) و (ج) ماده (۶-۱۳۱) این قانون و همچنین هنگام معاینه اجساد، بازپرس مکلف است شخصاً و در اسرع وقت حضور یابد.

ماده ۵-۱۲۴- هنگام تحقیق محلی و معاینه محل، شهود و مطلعان نیز دعوت می شوند. در موارد ضروری، بازپرس می تواند دیگر اشخاصی را که حضور آنان لازم است به محل دعوت کند. در صورت حاضر نشدن بدون عذر موجه اشخاص موضوع این ماده، دستور جلب آنان را صادر می کند.

ماده ۶-۱۲۴- کارشناس رسمی یا اهل خبره، از قبیل پزشک، داروساز، مهندس و ارزیاب هنگامی دعوت می شوند که اظهارنظر آنان از جهت علمی یا فنی یا معلومات مخصوص لازم باشد.

تبصره - بازپرس می تواند برای معاینه اجساد اموات و جراحات و آثار و علائم ضرب و شتم و غیره در صورت لزوم از چند نفر پزشک، از جمله پزشک معالج، دعوت به عمل آورد.

ماده ۷-۱۲۴- هنگام تحقیق محلی و معاینه محل، تمام آثار و نشانه های مشهود و مکشوف که به نحوی در قضیه مؤثر است، توسط بازپرس جمع آوری و در صورت مجلس قید می شود و به امضای اشخاص حاضر که در امر کیفری شرکت داشته اند، می رسد.

ماده ۸-۱۲۴- صحنه جرم باید توسط گروه بررسی صحنه جرم که حسب مورد، متشکل از پزشک قانونی، کارشناسان بررسی صحنه جرم و تشخیص هویت، کارآگاهان نیروی انتظامی و در صورت ضرورت سایر کارشناسان است، تحت نظارت بازپرس و در صورت ضرورت به سرپرستی وی بررسی شود.

تبصره - حدود اختیارات و شرح وظایف و چگونگی بررسی صحنه جرم توسط این گروه به موجب آیین نامه ای است که ظرف شش ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط وزیر دادگستری با همکاری وزیر کشور و رییس سازمان پزشکی قانونی کشور تهیه شده و پس از تأیید رییس قوه قضاییه به تصویب هیئت وزیران می رسد.

ماده ۹-۱۲۴- بازپرس برای حفظ جسد، کشف هویت متوفی و چگونگی فوت وی، ترسیم کروکی، عکسبرداری و در صورت امکان، فیلمبرداری از جسد و غیره اقدام نموده، دستورات لازم را صادر می کند.

ماده ۱۰-۱۲۴- هرگاه هویت متوفی معلوم نباشد به دستور بازپرس، علایم و مشخصات جسد به طور دقیق در صورتمجلس قید و اثر انگشت متوفی در پرونده ثبت و برای تشخیص هویت متوفی به هر نحو که بازپرس مقتضی بداند، اقدام می شود.

تبصره - در صورت ضرورت، بازپرس می تواند دستور انتشار تصویر متوفی را در پایگاه های اطلاع رسانی نیروی انتظامی یا پزشکی قانونی و یا به هر نحو مناسب دیگر صادر کند.

ماده ۱۱-۱۲۴- ضابطان دادگستری مکلفند در جرائم منجر به سلب حیات، صحنه جرم و محل کشف جسد را با وسایل مناسب محصور کنند و تا حضور بازپرس یا صدور دستور لازم برای معاینه محل از ورود افراد و در صورت ضرورت از خروج آنان از آن محل جلوگیری کنند.

ماده ۱۲-۱۲۴- از تمام آثار موجود در صحنه جرم که در کشف جرم مؤثر است باید به میزان لازم برداشت و به نحوی مهر و موم شود که در معرض تلف نباشد.

ماده ۱۳-۱۲۴- هرگاه ادله وقوع جرم، مواردی از قبیل مایعات ریخته شده و غیرقابل انتقال از محل باشد، تا جمع آوری آنها، بازپرس برای حفظ ادله یادشده اقدام می کند و اگر لازم بداند محل را قفل یا مهر و مهر کرده، حفاظت آنها را به ضابط دادگستری می سپارد.

ماده ۱۴-۱۲۴- برای معاینه جراحات، آثار و علایم ضرب، صدمات جسمی، آسیب های روانی و سایر معاینات و آزمایش های پزشکی، بازپرس نظر پزشک قانونی را اخذ یا حسب مورد، از وی دعوت می کند. اگر پزشک قانونی نتواند حضور یابد و یا در جایی پزشک قانونی نباشد، پزشک معتمد دعوت می شود. هرگاه پزشک قانونی در امری تخصص نداشته باشد، بازپرس از پزشک متخصص دعوت می کند.

ماده ۱۵-۱۲۴- تفتیش و بازرسی منازل، اماکن در مواردی که حسب قرائن، ظن قوی به حضور متهم یا کشف اسباب، آلات و ادله وقوع جرم در آن وجود داشته باشد، با دستور بازپرس و با قید جهات ظن قوی در پرونده، انجام می شود.

ماده ۱۶-۱۲۴- مجوز تفتیش و بازرسی منازل و محل کار اشخاص و مقامات موضوع مواد (۱۰-۱۳۱) و (۱۱-۱۳۱) و نیز متهمان جرایم موضوع بند (د) ماده (۶-۱۳۱) این قانون، باید به تأیید رئیس کل دادگستری استان برسد و با حضور مقام قضایی اجراء شود.

- ماده ۱۷-۱۲۴-** چنانچه تفتیش و بازرسی با حقوق اشخاص در تزامم باشد، موارد موضوع این بحث، در صورتی مجاز است که از حقوق آنان مهمتر باشد.
- ماده ۱۸-۱۲۴-** تفتیش و بازرسی منزل در روز به عمل می‌آید و هنگام شب در صورتی انجام می‌شود که ضرورت اقتضاء کند. بازپرس جهت ضرورت را احراز و در صورت مجلس قید می‌کند و در صورت امکان، خود در محل حضور می‌یابد.
- ماده ۱۹-۱۲۴-** دستور مقام قضایی برای ورود به منازل و اماکن تحت هر عنوان باید موردی باشد و به صراحت، موضوعی که تفتیش برای آن صورت می‌گیرد، زمان، دفعات، ورود، اموال، اماکن و نشانی آنها مشخص شود. ضابطان مکلفند ضمن رعایت دستورات مقام قضایی، کیفیت بازرسی و نتیجه را در صورت جلسه‌ای تنظیم کرده، آن را به امضاء یا اثر انگشت متصرف قانونی برسانند و مراتب را حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت به مقام قضایی اعلام کنند.
- ماده ۲۰-۱۲۴-** تفتیش و بازرسی در حضور متصرف قانونی یا ارشد حاضران منزل و در صورت ضرورت با حضور شهود تحقیق، ضمن رعایت موازین شرعی و قانونی، حفظ نظم محل مورد بازرسی و مراعات حرمت متصرفان و ساکنان منزل و مجاوران آن به عمل می‌آید.
- تبصره -** هرگاه در محل مورد بازرسی کسی نباشد، در صورت فوریت، بازرسی در غیاب متصرفان و ساکنان محل به عمل می‌آید و مراتب فوریت در صورت مجلس قید می‌شود.
- ماده ۲۱-۱۲۴-** حضور اشخاصی که در امر جزایی دخیل هستند در هنگام بازرسی منوط به اجازه متصرف قانونی است؛ اما چنانچه بازپرس حضور اشخاصی را برای تحقیق ضروری بداند، به دستور وی در محل حاضر می‌شوند.
- ماده ۲۲-۱۲۴-** در صورت ضرورت، بازپرس می‌تواند ورود و خروج به محل بازرسی را تا پایان بازرسی ممنوع کند و برای اجرای این دستور از نیروی انتظامی و حسب ضرورت از نیروی نظامی با هماهنگی مقامات مربوط استفاده کند که در این صورت، نیروی نظامی زیر نظر مقام قضایی بوده، در حکم ضابط دادگستری است.
- ماده ۲۳-۱۲۴-** در صورتی که متصرف منزل و مکان و یا اشیاء مورد بازرسی، از باز کردن محل‌ها و اشیای بسته خودداری کند، بازپرس می‌تواند دستور بازگشایی آن‌ها را بدهد، اما تا حد امکان باید از اقداماتی که باعث ورود خسارت می‌گردد، خودداری شود.
- تبصره -** در صورتی که در اجرای ماده فوق، خسارت مادی وارد شود و به موجب تصمیم قطعی، قرار منع یا موقوفی تعقیب و یا حکم برائت صادر شود، دولت مسؤول جبران خسارت می‌باشد، مگر

این که تقصیر بازپرس یا سایر مأموران محرز شود که در این صورت، خود آنان مسئول جبران خسارت خواهد بود.

ماده ۲۴-۱۲۴- از اوراق، نوشته‌ها و سایر اشیای متعلق به متهم، فقط آنچه راجع به جرم است تحصیل و در صورت لزوم به شهود تحقیق ارایه می‌شود. بازپرس مکلف است در مورد سایر نوشته‌ها و اشیای متعلق به متهم با احتیاط رفتار کرده، موجب افشای مضمون و محتوای آن‌ها که ارتباط به جرم ندارد، نشود.

ماده ۲۵-۱۲۴- آلات و ادوات جرم، از قبیل اسلحه، اسناد و مدارک ساختگی، سکه تقلبی و ابزار الکترونیکی نگهداری و ذخیره اطلاعات و تمامی اشیایی که در حین بازرسی به دست آمده و ممکن است موجب کشف جرم یا اقرار متهم به جرم باشد، توقیف شده هر یک در صورت مجلس توصیف و شماره گذاری می‌شود. آنگاه در لفاف یا مکان مناسب نگهداری و رسیدی مشتمل بر ذکر مشخصات آن‌ها به صاحبش داده می‌شود. مال توقیف شده با توجه به وضعیت آن در محل مناسبی که از طرف دادگستری برای این منظور تعیین می‌شود، نگهداری می‌گردد.

تبصره - شیوه نگهداری اموال و پرداخت هزینه‌های مربوط که از محل اعتبارات قوه قضائیه می‌باشد، به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط وزیر دادگستری تهیه شده و پس از تأیید رییس قوه قضائیه به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

ماده ۲۶-۱۲۴- بازپرس در صورت صدور قرار منع یا موقوفی تعقیب باید در خصوص استرداد و یا معدوم کردن اشیاء و اموال کشف شده که دلیل یا وسیله ارتکاب جرم بوده، از جرم تحصیل شده، حین ارتکاب استعمال شده و یا برای استعمال اختصاص داده شده است، تعیین تکلیف کند. در مورد ضبط این اموال یا اشیاء دادگاه تکلیف آنها را تعیین می‌کند. همچنین بازپرس مکلف است مادام که پرونده نزد او جریان دارد به تقاضای ذینفع و با رعایت شرایط زیر، دستور رد اموال و اشیای مذکور را صادر کند:

الف - وجود تمام یا قسمتی از آن اشیاء و اموال در بازپرسی یا دادرسی لازم نباشد؛

ب - اشیاء و اموال بلامعارض باشند؛

ج - از اشیاء و اموالی نباشد که باید ضبط یا معدوم شوند.

تبصره ۱- در تمام امور کیفری، دادگاه نیز باید ضمن صدور حکم یا قرار یا پس از آن، اعم از آن که مبنی بر محکومیت یا براءت یا موقوف شدن تعقیب متهم باشد، نسبت به استرداد، ضبط و یا معدوم کردن اشیاء و اموال موضوع این ماده تعیین تکلیف کند.

تبصره ۲- متضرر از تصمیم بازپرس یا دادگاه در مورد اشیاء و اموال موضوع این ماده، می تواند طبق مقررات اعتراض کند، هر چند قرار یا حکم دادگاه نسبت به امر کیفری قابل اعتراض نباشد. در این مورد، مرجع رسیدگی به اعتراض نسبت به تصمیم بازپرس، دادگاه و نسبت به تصمیم دادگاه، دادگاه استان است.

ماده ۲۷-۱۲۴- مالی که نگهداری آن مستلزم هزینه نامتناسب باشد و یا موجب خرابی یا کسر فاحش قیمت آن شود و حفظ مال هم برای دادرسی لازم نباشد و همچنین اموال ضایع شدنی و سریع الفساد، حسب مورد، به دستور دادستان یا دادگاه به قیمت روز فروخته می شوند. وجه حاصل تا تعیین تکلیف نهایی در صندوق دادگستری به عنوان امانت نگهداری می شود.

تبصره - هر گونه دخالت و تصرف غیرمجاز و استفاده از اموال توقیفی ممنوع است.

ماده ۲۸-۱۲۴- کنترل مکالمات تلفنی افراد ممنوع است، مگر در مواردی که به امنیت کشور مربوط باشد یا برای کشف و شناسایی جرایم موضوع بندهای (الف)، (ب) و (ج) ماده (۶-۱۳۱) این قانون لازم تشخیص داده شود. در این صورت با موافقت رییس حوزه قضایی و با تعیین مدت و دفعات کنترل، اقدام می شود. کنترل مکالمات تلفنی اشخاص و مقامات موضوع مواد (۱۰-۱۳۱) و (۱۱-۱۳۱) و نیز متهمان جرایم موضوع بند (د) ماده (۶-۱۳۱) این قانون، منوط به تأیید رییس کل دادگستری استان است.

تبصره - شرایط و کیفیات کنترل مکالمات تلفنی به موجب مصوبه شورای عالی امنیت ملی تعیین خواهد شد.

ماده ۲۹-۱۲۴- بازپرس می تواند در موارد ضرورت، جهت کشف جرم و یا دستیابی به ادله وقوع جرم، حساب های بانکی اشخاص را با تأیید رییس کل دادگستری استان کنترل کند.

ماده ۳۰-۱۲۴- تفتیش و بازرسی مراسلات پستی، مخابراتی، رایانه ای و داده ها و سیستم های رایانه ای، اعم از صوتی یا تصویری مربوط به متهم در مواردی به عمل می آید که ظن قوی به کشف جرم، دستیابی به ادله وقوع جرم و یا شناسایی متهم وجود داشته باشد. در این صورت، بازپرس از مرجع مربوط می خواهد که در صورت امکان، اشیای فوق را توقیف کرده، نزد او بفرستد. پس از وصول، بازپرس آنها را در حضور متهم یا وکیل او بررسی و مراتب را در صورت مجلس قید می کند و پس از امضای متهم، آن را پیوست پرونده کرده یا در محل مناسب نگهداری می کند. استنکاف متهم از امضاء یا عدم حضور متهم یا وکیل او در صورت مجلس قید می شود. چنانچه اشیای مزبور حائز

اهمیت نباشند و نگهداری آنها ضرورت نداشته باشد، با اخذ رسید به مرجع ارسال کننده یا به صاحبش مسترد می‌شوند.

ماده ۳۱-۱۲۴- مقامات و مأموران وزارتخانه‌ها، مؤسسات دولتی، شرکت‌های دولتی، مؤسسات یا نهادهای عمومی غیردولتی، بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری و دفاتر اسناد رسمی و دستگاه‌هایی که شمول قانون بر آنها مستلزم ذکر نام است، مکلفند اسباب، ادله و اطلاعات راجع به جرم و آن قسمت از اوراق و اسناد و دفاتری را که مراجعه به آنها برای تحقیق امر کیفری لازم است، به درخواست بازپرس در دسترس آنان بگذارند، مگر در مورد اسناد سری دولتی که این درخواست باید با موافقت رییس قوه قضاییه باشد. متخلف از این ماده، در صورتی که عمل وی برای خلاصی مجرم از محاکمه و محکومیت نباشد، حسب مورد به انفسال موقت از خدمات دولتی یا عمومی از سه ماه تا یک سال محکوم می‌شود. اختیاراتی که در این زمینه برای بازپرس پیش‌بینی گردیده، شامل محاکم نیز خواهد بود.

تبصره - سازوکار چگونگی نگهداری اسناد سری در مراجع قضایی، توسط وزارت اطلاعات ارائه و پس از تأیید رییس قوه قضاییه به تأیید هیئت دولت می‌رسد.

ماده ۳۲-۱۲۴- هرگاه متهم، نوشته، اسناد، مدارک و اسباب و ادله موثر در کشف جرم مربوط را به وکیل خود یا شخص دیگری سپرده باشد، بازپرس می‌تواند آنها را حسب مورد، در حضور وکیل یا آن شخص بررسی کند. در صورت استنکاف اشخاص مذکور از ارایه آنها، مستنکف به مجازات مقرر برای خلاصی مجرم از محاکمه محکوم خواهد شد، اما در صورتی که این اشخاص عذر موجه داشته باشند، ادله خود را به مقام قضایی رسیدگی کننده ارایه می‌دهند. نوشته، اسناد و مدارک غیر مرتبط با جرم نباید مطالبه و مورد بررسی قرار گیرد.

ماده ۳۳-۱۲۴- بازپرس، کارشناس را از بین کارشناسان رسمی دادگستری دارای صلاحیت در رشته مربوط انتخاب می‌کند. در صورت تعدد کارشناسان، عده منتخبان باید فرد باشد تا به هنگام اختلاف نظر، نظر اکثریت ملاک عمل قرار گیرد.

تبصره ۱- اعتبار نظر اکثریت در صورتی است که کارشناسان دارای تخصص مساوی باشند.

تبصره ۲- انتخاب کارشناس به قید قرعه از بین کارشناسان مورد وثوق و تحت نظارت بازپرس به وسیله سیستم رایانه‌ای انجام می‌شود.

تبصره ۳- اگر حوزه‌ای فاقد کارشناس رسمی دادگستری باشد یا به تعداد کافی کارشناس رسمی دادگستری یافت نشود و یا در دسترس نباشد، بازپرس می‌تواند از میان کارشناسان آن رشته یا رشته‌های مشابه و یا اهل خبره انتخاب کند.

ماده ۳۴-۱۲۴- کارشناس منتخب از سوی بازپرس مکلف به انجام موضوع کارشناسی است، مگر این که به تشخیص بازپرس دارای عذر موجه باشد یا موضوع از موارد رد کارشناس محسوب شود که در این صورت، کارشناس باید پیش از اقدام به کارشناسی، مراتب را کتباً به بازپرس اعلام دارد. **تبصره -** جهات رد کارشناس همان جهات رد دادرس است.

ماده ۳۵-۱۲۴- بازپرس هنگام ارجاع موضوع به کارشناس، مهلت معین را برای اعلام نظر وی مشخص می‌کند. در مواردی که اظهار نظر مستلزم زمان بیش‌تر باشد، کارشناس باید ضمن تهیه و ارسال گزارشی از اقدامات انجام شده، با ذکر دلیل، تقاضای تمدید مهلت کند که در این صورت، بازپرس می‌تواند برای یک بار مهلت را تمدید کند. تمدید مهلت به کارشناس و طرفین ابلاغ می‌گردد.

ماده ۳۶-۱۲۴- جز در موارد فوری، پس از ایداع دستمزد، به کارشناس اخطار می‌شود که ظرف مهلت تعیین شده در قرار کارشناسی، نظر خود را تقدیم کند. مراتب وصول نظر کارشناس به طرفین ابلاغ می‌شود. طرفین می‌توانند ظرف یک هفته از تاریخ ابلاغ جهت ملاحظه نظر کارشناس به دفتر بازپرسی مراجعه کرده و نظر خود را به طور کتبی اعلام کنند.

ماده ۳۷-۱۲۴- شهود تحقیق و سایر اشخاصی که حق حضور دارند، می‌توانند مخالفت خود با نظریه کارشناس را با ذکر دلیل اعلام کنند. این امر در صورت مجلس قید می‌شود.

ماده ۳۸-۱۲۴- در صورت نقص تحقیقات کارشناسی یا ضرورت اخذ توضیح از کارشناس، بازپرس موارد لازم را در صورت مجلس درج کرده، به کارشناس اعلام می‌دارد و او را برای ادای توضیح دعوت می‌کند. در صورتی که کارشناس بدون عذر موجه در بازپرسی حاضر نشود، جلب می‌شود.

تبصره - هرگاه پس از اخذ توضیحات، بازپرس نظریه کارشناسی را ناقص تشخیص دهد، قرار تکمیل آن را صادر و اجرای قرار را به همان کارشناس یا کارشناس دیگر محول می‌کند.

ماده ۳۹-۱۲۴- اگر یکی از کارشناسان در موقع رسیدگی و مشاوره حاضر باشد، اما بدون عذر موجه از اظهار نظر یا حضور در جلسه یا امضای نظریه کارشناسی امتناع کند، نظر اکثریت کارشناسی که از حیث تخصص مساوی باشند، ملاک عمل خواهد بود. عدم حضور کارشناس یا امتناع وی از اظهار نظر یا امضاء باید از طرف کارشناسان دیگر صورت مجلس شود.

ماده ۴۰-۱۲۴- بازپرس پرسش‌های لازم را از کارشناس به صورت کتبی یا شفاهی به عمل آورده، نتیجه را در صورت مجلس قید می‌کند. در صورتی که بعضی موارد از نظر بازپرس در کشف حقیقت اهمیت داشته باشد، کارشناس مکلف است به درخواست بازپرس در مورد آن‌ها اظهار نظر کند.

ماده ۴۱-۱۲۴- هرگاه نظریه کارشناس به نظر بازپرس محل تردید باشد یا در صورت تعدد کارشناسان، بین نظر آنان اختلاف باشد، بازپرس می‌تواند برای یک بار دیگر از سایر کارشناسان دعوت به عمل آورد، یا نظریه کارشناس یا کارشناسان مذکور را نزد متخصص علم یا فن مربوط ارسال و نظر او را استعلام کند.

ماده ۴۲-۱۲۴- در صورتی که نظر کارشناس با اوضاع و احوال محقق و معلوم مورد کارشناسی مطابقت نداشته باشد، بازپرس نظر کارشناس را به نحو مستدل رد کرده، موضوع را به کارشناس دیگر ارجاع می‌دهد.

ماده ۴۳-۱۲۴- هرگاه یکی از طرفین دعوی از تخلف کارشناس متضرر شده باشد، می‌تواند مطابق قوانین و مقررات مربوط از کارشناس مطالبه ضرر کند.

فصل پنجم - احضار و تحقیق از متهم، شهود و مطلعان

مبحث اول - احضار، جلب و تحقیق از متهم

ماده ۱-۱۲۵- بازپرس نباید کسی را احضار و یا جلب کند، مگر این که دلیل کافی برای توجه اتهام به وی موجود باشد.

تبصره - اقدام بازپرس به احضار متهم، قبل از دریافت شکایت شاکی یا اطلاع از وقوع جرم، بدون بررسی ادله، به جز مواردی که قانون مقرر کرده، تخلف انتظامی محسوب می‌شود و موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است.

ماده ۲-۱۲۵- احضار متهم به وسیله احضاریه به عمل می‌آید. احضاریه در دو نسخه تنظیم می‌شود که یک نسخه از آن را متهم تحویل می‌گیرد و نسخه دیگر را پس از امضاء به مأمور ابلاغ رد می‌کند.

ماده ۳-۱۲۵- در احضاریه، نام و نام خانوادگی احضار شده، تاریخ، ساعت، محل حضور، علت احضار و نتیجه عدم حضور قید شده، به امضای بازپرس می‌رسد.

تبصره - در جرایمی که به تشخیص بازپرس، حیثیت متهم، عفت یا امنیت عمومی اقتضاء کند، علت احضار و نتیجه عدم حضور ذکر نمی‌شود، اما متهم می‌تواند جهت اطلاع از علت احضار به دفتر بازپرسی مراجعه کند.

ماده ۴-۱۲۵- فاصله میان ابلاغ اوراق احضاریه و زمان حضور نزد بازپرس نباید کمتر از پنج روز باشد.

ماده ۵-۱۲۵- ابلاغ احضاریه توسط مأموران ابلاغ بدون استفاده از لباس رسمی انجام می شود.
ماده ۶-۱۲۵- هرگاه شخص احضار شده سواد نداشته باشد، مأمور ابلاغ، مفاد احضاریه را به وی تفهیم می کند.

ماده ۷-۱۲۵- هرگاه ابلاغ احضاریه به لحاظ معلوم نبودن محل اقامت متهم ممکن نباشد و اقدامات بازپرس برای دستیابی به متهم به نتیجه نرسیده باشد و ابلاغ نیز به طریق دیگر میسر نگردد، متهم از طریق انتشار یک نوبت آگهی در یکی از روزنامه های کثیرالانتشار و با ذکر نوع اتهام، احضار می شود. در این صورت، بازپرس پس از انقضای مدت یک ماه از تاریخ نشر آگهی به موضوع رسیدگی و اظهار عقیده می کند.

تبصره - در جرایمی که به تشخیص بازپرس، حیثیت متهم یا عفت و امنیت عمومی اقتضاء کند، نوع اتهام در آگهی موضوع این ماده ذکر نمی شود.

ماده ۸-۱۲۵- استفاده از سیستم های رایانه ای و مخابراتی، از قبیل پست الکترونیکی، ارتباط تصویری از راه دور، نمابر و تلفن، برای طرح شکایت یا دعوا، ارجاع پرونده، احضار متهم، ابلاغ اوراق قضایی و همچنین نیابت قضایی بلامانع است.

تبصره - شرایط و چگونگی استفاده از سیستم های رایانه ای و مخابراتی موضوع این ماده بر اساس آیین نامه ای است که ظرف شش ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط وزیر دادگستری تهیه شده و پس از تایید رییس قوه قضاییه به تصویب هیئت دولت می رسد.

ماده ۹-۱۲۵- قوه قضاییه می تواند ابلاغ اوراق قضایی را به بخش خصوصی واگذار کند. چگونگی اجرای این ماده به موجب آیین نامه ای است که ظرف شش ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط وزیر دادگستری و ارتباطات و فناوری اطلاعات تهیه شده و پس از تایید رییس قوه قضاییه به تصویب هیئت دولت می رسد.

ماده ۱۰-۱۲۵- سایر ترتیبات و قواعد ابلاغ احضاریه و دیگر اوراق قضایی بر اساس مقررات آیین دادرسی مدنی صورت می گیرد.

ماده ۱۱-۱۲۵- متهم مکلف است در موعد مقرر حاضر شود و اگر نتواند باید عذر موجه خود را اعلام کند. جهات زیر عذر موجه محسوب می شود:

الف - نرسیدن یا دیر رسیدن احضاریه به گونه ای که مانع از حضور در وقت مقرر شود؛

- ب - مرضی که مانع از حرکت است؛
- ج - فوت همسر یا یکی از اقربا تا درجه سوم از طبقه دوم؛
- د - ابتلا به حوادث مهم از قبیل بیماریهای واگیردار و عدم امکان تردد به واسطه بروز حوادث قهری، مانند سیل و زلزله؛
- ه - در توقیف یا حبس بودن؛
- و - مرض سخت والدین، همسر یا اولاد.
- تبصره - در سایر موارد، متهم می‌تواند برای یکبار پیش از موعد تعیین شده، بازپرس را از علت عدم حضور خود مطلع ساخته، موافقت وی را اخذ نماید.
- ماده ۱۲-۱۲۵ - متهمی که حضور پیدا نکرده و گواهی عدم امکان حضور هم نفرستاده باشد، به دستور بازپرس جلب می‌شود.
- تبصره - در صورتی که احضاریه، ابلاغ قانونی شده باشد و بازپرس احتمال دهد که متهم از احضاریه مطلع نشده است، وی را بار دیگر احضار می‌نماید.
- ماده ۱۳-۱۲۵ - در موارد زیر بازپرس می‌تواند بدون اینکه ابتدا احضاریه فرستاده باشد، دستور جلب متهم را صادر کند:
- الف - در مورد جرایمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، قطع عضو و یا حبس ابد است؛
- ب - هرگاه محل اقامت، محل کسب و یا شغل متهم معین نباشد و اقدامات بازپرس برای شناسایی نشانی وی به نتیجه نرسیده باشد؛
- ج - در مورد جرایمی که حداکثر مجازات قانونی آنها بیش از سه سال حبس باشد و بیم تبانی یا فرار یا مخفی شدن متهم برود؛
- د - در مورد متهمان جرایم سازمان یافته و بانندی و علیه امنیت داخلی و خارجی.
- ماده ۱۴-۱۲۵ - جلب متهم به موجب برگ جلب به عمل می‌آید. مضمون برگ جلب همان مضمون احضاریه است که باید توسط بازپرس امضاء و به متهم ابلاغ شود.
- ماده ۱۵-۱۲۵ - مأمور جلب پس از ابلاغ برگ جلب، متهم را دعوت می‌کند که با او نزد بازپرس حاضر شود. چنانچه متهم امتناع کند، مأمور او را جلب و تحت‌الحفظ نزد بازپرس حاضر می‌نماید و در صورت نیاز می‌تواند از سایر مأموران کمک بخواهد.
- ماده ۱۶-۱۲۵ - جلب متهم به استثنای موارد ضروری باید بین ساعت هفت صبح تا چهار بعدازظهر به عمل آید و در همان روز به وسیله بازپرس و یا قاضی کشیک تعیین تکلیف شود.

تبصره - تشخیص موارد ضرورت با توجه به اهمیت جرم، وضعیت متهم، کیفیت ارتکاب جرم و احتمال فرار متهم به نظر بازپرس است. بازپرس موارد ضرورت را در پرونده درج می‌کند.

ماده ۱۷-۱۲۵- در صورتی که متواری بودن متهم به نظر بازپرس محرز باشد، برگ جلب با تعیین مدت اعتبار در اختیار ضابطان دادگستری قرار می‌گیرد تا هر جا متهم را یافتند، جلب و نزد بازپرس حاضر کنند.

تبصره ۱- چنانچه جلب متهم به هر علت در مدت تعیین شده میسر نشود، ضابطان مکلفند علت عدم جلب متهم را گزارش کنند.

تبصره ۲- در صورت ضرورت، بازپرس می‌تواند برگ جلب را برای مدت معین در اختیار شاکی قرار دهد تا با معرفی او، ضابطان حوزه قضایی مربوط، متهم را جلب و تحویل دهند.

ماده ۱۸-۱۲۵- ضابطان دادگستری مکلفند متهم جلب شده را بلافاصله نزد بازپرس بیاورند و در صورت عدم دسترسی به یا مقام قضایی جانشین، در اولین فرصت ممکن، متهم را نزد او حاضر کنند. ضابطان در هر حال، حق نگهداری متهم را بیش از مدت بیست و چهار ساعت ندارند.

تبصره - رعایت مقررات مواد (۲۲-۱۲۱) تا (۲۶-۱۲۱) این قانون در خصوص متهمان موضوع این ماده الزامی است.

ماده ۱۹-۱۲۵- در ایام تعطیلات متوالی، قاضی کشیک، پرونده متهم جلب شده را با تنظیم صورتجلسه ای از شعبه بازپرسی خارج و تصمیم مقتضی اتخاذ می‌کند و در نخستین روز پس از تعطیلی، پرونده را به شعبه مزبور اعاده می‌کند.

ماده ۲۰-۱۲۵- هرگاه شخصی که دستور احضار یا جلب او داده شده به علت بیماری، کهولت سن یا معاذیری که بازپرس تشخیص می‌دهد، نتواند نزد بازپرس حاضر شود، در صورت اهمیت و فوریت امر کیفری و امکان انجام تحقیقات، بازپرس نزد او رفته، تحقیقات لازم را به عمل می‌آورد.

ماده ۲۱-۱۲۵- بازپرس تا هنگامی که به متهم دسترسی حاصل نشده، می‌تواند با توجه به اهمیت و ادله وقوع جرم، دستور منع خروج او را از کشور صادر کند. مدت اعتبار این دستور، شش ماه و قابل تمدید است. در صورت حضور متهم در بازپرسی و یا صدور قرار موقوفی، ترک و یا منع تعقیب، ممنوعیت خروج منتفی شده و مراتب بلافاصله به مراجع مربوط اطلاع داده می‌شود. در صورتی که مدت مندرج در دستور منع خروج منقضی شود این دستور خودبخود منتفی است و مراجع مربوط نمی‌توانند مانع از خروج شوند.

ماده ۲۲-۱۲۵- بازپرس مکلف است بلافاصله پس از حضور یا جلب متهم، تحقیقات را شروع کند و در صورت عدم امکان، حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت از زمان تحت نظر قرار گرفتن او توسط ضابطان دادگستری، مبادرت به تحقیق نماید. در صورتی که بازپرس غایب بوده یا عذر موجه داشته باشد یا به علل قانونی از شروع تحقیقات امتناع ورزد، دادستان انجام تحقیقات را به بازپرس دیگر یا در صورت اقتضاء به دادرس دادگاه محول می‌کند.

تبصره - تحت نظر قرار دادن متهم بیش از بیست و چهار ساعت، بدون اینکه تحقیق از او شروع یا تعیین تکلیف شود، بازداشت غیرقانونی محسوب و مرتکب به مجازات قانونی محکوم می‌شود.

ماده ۲۳-۱۲۵- متهم می‌تواند در مرحله تحقیقات مقدماتی، یک نفر وکیل دادگستری همراه خود داشته باشد. این حق باید پیش از شروع تحقیق توسط بازپرس به متهم ابلاغ و تفهیم شود. چنانچه متهم احضار شده باشد این حق در برگ احضاریه قید و به او ابلاغ می‌شود. وکیل متهم می‌تواند با کسب اطلاع از اتهام و دلایل آن مطالبی را که برای کشف حقیقت و دفاع از متهم یا اجرای قانون لازم بداند، اظهار کند. اظهارات وکیل در صورت جلسه نوشته می‌شود.

تبصره - سلب حق همراه داشتن وکیل یا عدم تفهیم این حق به متهم موجب بطلان تحقیقات می‌شود.

ماده ۲۴-۱۲۵- چنانچه بازپرس، مطالعه یا دسترسی به تمام یا برخی از اوراق پرونده را با محرمانه بودن تحقیقات منافی نداند، می‌تواند موارد را جهت مطالعه در اختیار متهم و وکیل او قرار دهد.

ماده ۲۵-۱۲۵- تحقیق از شاکی و متهم غیرعلنی است، مگر در جرایمی که گذشت شاکی موجب موقوفی تعقیب مجازات آن می‌شود. این‌گونه موارد، در دادسرا به صورت ترافعی رسیدگی می‌شود و باز پرس مکلف است سعی در ایجاد صلح و سازش و یا ارجاع امر به میانجی‌گری نماید.

ماده ۲۶-۱۲۵- بازپرس ابتدا هویت و مشخصات متهم، شامل نام، نام خانوادگی، نام پدر، شهرت، سن، شغل، میزان تحصیلات، وضعیت تأهل، تعداد فرزندان، تابعیت و سابقه کیفری و همچنین نشانی محل سکونت و محل کار او، اعم از شهر، بخش، دهستان، روستا، خیابان، کوچه، شماره و کدپستی منزل، شماره ملی، نشانی الکترونیکی و شماره تلفن ثابت و همراه او را دقیقاً پرسش می‌کند، به نحوی که ابلاغ احضاریه و سایر اوراق قضایی به متهم به آسانی مقدور باشد.

ماده ۲۷-۱۲۵- بازپرس در ابتدای تحقیق به متهم تفهیم می‌کند محلی را که برای اقامت خود اعلام می‌دارد، اقامتگاه قانونی او است و چنانچه محل اقامت خود را تغییر دهد باید محل جدید را به گونه‌ای که ابلاغ ممکن باشد اعلام کند و در غیر این صورت، احضاریه‌ها و سایر اوراق قضایی به

محل اقامت سابق فرستاده می شود. تغییر محل اقامت به منظور تأخیر و تعلل به گونه ای که ابلاغ اوراق دشوار باشد، پذیرفته نیست و تمام اوراق به همان محل سابق ابلاغ می شود. تشخیص تغییر محل به منظور تأخیر و تعلل با مقامی است که به اتهام رسیدگی می کند. رعایت مقررات این ماده از نظر تعیین محل اقامت شاکی یا مدعی خصوصی نیز لازم است.

ماده ۲۸-۱۲۵- بازپرس پیش از شروع به تحقیق به متهم اعلام می کند مراقب اظهارات خود باشد. سپس موضوع اتهام و ادله آن را به شکل صریح به او تفهیم می کند. پرسش ها باید مفید، روشن، مرتبط با اتهام و در محدوده آن باشد. پرسش تلقینی یا همراه با اغفال، اکراه و اجبار متهم ممنوع است. اگر متهم از دادن پاسخ یا امضای اظهارات خود امتناع کند، مراتب در صورت مجلس قید می شود.

ماده ۲۹-۱۲۵- بازپرس پیش از شروع به تحقیق به متهم تفهیم می کند که می تواند سکوت اختیار کند. در صورت سکوت، مراتب در صورت مجلس قید می شود.

ماده ۳۰-۱۲۵- تخلف از مقررات مواد (۲۶-۱۲۵) تا (۲۹-۱۲۵) این قانون موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است.

ماده ۳۱-۱۲۵- بازپرس جز در صورت مواجهه حضوری، از متهمان به نحو انفرادی تحقیق می کند.
ماده ۳۲-۱۲۵- پاسخ پرسش ها باید بدون تغییر، تبدیل و یا تحریف نوشته شود و به امضاء یا اثر انگشت متهم برسد. متهم با سواد خودش پاسخ را می نویسد، مگر آنکه نخواهد از این حق استفاده کند.

ماده ۳۳-۱۲۵- بازپرس برای شاکی، مدعی خصوصی، متهم، شاهد و مطلعی که قادر به سخن گفتن به زبان فارسی نباشد مترجم مورد وثوق تعیین می کند. مترجم باید سوگند یاد کند که راستگویی و امانتداری را رعایت کند.

ماده ۳۴-۱۲۵- بازپرس برای شاکی، مدعی خصوصی، متهم، شاهد و مطلعی که ناشنوا است یا قدرت تکلم ندارد، فرد مورد وثوقی که توانایی بیان مقصود را از طریق اشاره یا وسایل فنی دیگر دارد، به عنوان مترجم انتخاب می کند. چنانچه افراد مذکور قادر به نوشتن باشند، منشی دادگاه سؤال را برای آنان می نویسد تا به طور کتبی پاسخ دهند.

ماده ۳۵-۱۲۵- هرگاه بازپرس در جریان تحقیقات احتمال دهد متهم هنگام ارتکاب جرم مجنون بوده، تحقیقات لازم را از نزدیکان او و سایر مطلعان به عمل آورده، نظریه پزشکی قانونی را تحصیل می کند و با احراز جنون، پرونده را با صدور قرار منع تعقیب نزد دادستان می فرستد. در صورت

موافقت دادستان با عقیده بازپرس، چنانچه جنون استمرار داشته باشد شخص مجنون بنا بر ضرورت، حسب دستور دادستان به مراکز مخصوص نگهداری و درمان منتقل می شود.

مبحث دوم - احضار و تحقیق از شهود و مطلعان

ماده ۳۶-۱۲۵- بازپرس به تشخیص خود یا با معرفی شاکی یا به تقاضای متهم و یا حسب اعلام مقامات مربوط، شخصی را که حضور یا تحقیق از وی برای روشن شدن موضوع لازم بداند، برابر مقررات احضار می کند.

تبصره ۱- در صورتی که شاهد یا مطلع برای حاضر نشدن خود در موعد مقرر، به تشخیص بازپرس عذر موجهی داشته باشد مجدداً احضار می شود.

تبصره ۲- در صورتی که دلیل پرونده منحصر به شهادت شهود و مطلعان نباشد، بازپرس می تواند برای تحقیق از شهود و مطلعان از طریق وسایل ارتباط از راه دور، نظیر تلفن، نامه، ویدئو کنفرانس یا ارتباطات رایانه ای اقدام کند.

ماده ۳۷-۱۲۵- حضور شاهد در دادسرا یا دادگاه به منظور ادای شهادت در خصوص جرایمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، قطع یا قصاص عضو، حبس ابد و یا پانزده سال حبس یا بیشتر می باشد، و احقاق حق متوقف به شهادت شاهدهی باشد که دادگاه علم به شاهد بودن وی دارد الزامی است.

ماده ۳۸-۱۲۵- در صورتی که شاهد یا مطلع از نیروهای مسلح باشد، باید حداقل بیست و چهار ساعت پیش از تحقیق یا جلسه محاکمه از طریق فرمانده یا رییس او دعوت شود. فرمانده یا رییس مربوط مکلف است پس از وصول دستور مقام قضایی، شخص احضار شده را در موقع مقرر اعزام نماید.

ماده ۳۹-۱۲۵- تحقیق و بازجویی از شهود و مطلعان غیرعلنی است.

ماده ۴۰-۱۲۵- بازپرس از هر یک از شهود و مطلعان جداگانه و بدون حضور متهم تحقیق می کند. تحقیق مجدد از شهود و مطلعان در موارد ضرورت یا مواجهه آنان بلامانع است. جهت ضرورت در صورت مجلس قید می شود.

ماده ۴۱-۱۲۵- پس از حضور شهود و مطلعان، بازپرس ابتدا اسامی حاضران را در صورت مجلس قید و سپس از آنان به ترتیبی که از جهت تقدم و تأخر صلاح بداند تحقیق می کند.

ماده ۴۲-۱۲۵- بازپرس پیش از شروع به تحقیق، نام، نام خانوادگی، نام پدر، سن، شغل، میزان تحصیلات، مذهب، محل اقامت، آدرس الکترونیکی، شماره تلفن ثابت و همراه و سابقه محکومیت کیفری و درجه قرابت سببی یا نسبی و وجود یا عدم رابطه خادم و مخدومی شاهد یا مطلع با طرفین پرونده را سؤال کرده، در صورت مجلس قید می کند.

ماده ۴۳-۱۲۵- شاهد و مطلع پیش از اظهار اطلاعات خود به این شرح سوگند یاد می کند: "به خداوند متعال سوگند یاد می کنم که جز به راستی چیزی نگویم و تمام حقیقت را بیان کنم".

ماده ۴۴-۱۲۵- بازپرس می تواند در صورتی که شاهد یا مطلع واجد شرایط مذکور در این قانون نباشد، یا از ادای سوگند امتناع کند، بدون یاد کردن سوگند، اظهارات او را برای اطلاع بیشتر استماع کند.

ماده ۴۵-۱۲۵- اظهارات شهود و مطلعان در صورت مجلس قید می شود سپس متن آن قرائت می شود و به امضاء یا اثر انگشت شاهد یا مطلع می رسد و چنانچه از امضاء یا اثر انگشت امتناع ورزد یا قادر به انجام آن نباشد، مراتب در صورت مجلس قید می شود و تمام صفحات صورت مجلس به امضا و مهر بازپرس می رسد.

تبصره - بازپرس مکلف است از شاهد یا مطلع علت امتناع از امضاء یا اثر انگشت را بپرسد و پاسخ را در صورت مجلس قید کند.

ماده ۴۶-۱۲۵- تفهیم اتهام به کسی که به عنوان شاهد یا مطلع احضار شده ممنوع است و چنانچه این شخص پس از تحقیق در مظان اتهام قرار گیرد، باید طبق مقررات و به عنوان متهم برای وقت دیگر احضار شود، مگر در موارد مذکور در ماده (۱۳-۱۲۵) این قانون که جلب متهم بدون احضار جایز است.

ماده ۴۷-۱۲۵- هرگاه بیم خطر جانی یا حیثیتی و یا ضرر مالی نسبت به شاهد یا مطلع و یا خانواده آنان وجود داشته باشد، اما استماع اظهارات آنان ضروری باشد، بازپرس به منظور حمایت از شاهد یا مطلع و با ذکر علت در پرونده، تدابیر زیر را اتخاذ می کند:

الف - عدم مواجهه حضوری بین شاهد یا مطلع با شاکی یا متهم؛
ب - عدم افشای اطلاعات مربوط به هویت، مشخصات خانوادگی و محل سکونت یا فعالیت شاهد یا مطلع؛

ج - استماع اظهارات شاهد یا مطلع در خارج از دادسرا با وسایل ارتباط از راه دور.

تبصره ۱- بازپرس در صورت شناسایی شاهد یا مطلع حسب مورد توسط متهم یا متهمان یا شاکی و یا وجود قرائن یا شواهد مبنی بر احتمال شناسایی و وجود بیم خطر برای آنان، به درخواست شاهد یا مطلع، تدابیر لازم را از قبیل آموزش برای حفاظت از سلامت جسمی و روحی یا تغییر مکان آنان اتخاذ می‌کند.

تبصره ۲- ترتیبات فوق باید به نحوی صورت پذیرد که منافی حقوق دفاعی متهم و دادرسی عادلانه و منصفانه نباشد.

ماده ۴۸-۱۲۵- در صورتی که شاهد یا مطلع برای حضور خود درخواست هزینه ایاب و ذهاب کند یا مدعی ضرر و زیانی از حیث ترک شغل خود شود، بازپرس هزینه ایاب و ذهاب را طبق تعرفه‌ای که قوه قضاییه اعلام می‌کند و ضرر و زیان ناشی از ترک شغل را در صورت لزوم با استفاده از نظر کارشناس تعیین و شخصی را که متقاضی احضار شاهد یا مطلع است مکلف به تودیع آن در صندوق دادگستری می‌کند. هرگاه متقاضی احضار، به تشخیص بازپرس توانایی پرداخت هزینه را نداشته یا احضار از طرف بازپرس باشد، هزینه‌های مذکور از محل اعتبارات مصوب قوه قضاییه پرداخت می‌شود.

ماده ۴۹-۱۲۵- بازپرس در صورتی که شاهد یا مطلع به علی از قبیل بیماری یا کهولت سن نتواند حاضر شود و یا تعداد شهود یا مطلعان زیاد و در یک محل باشند و همچنین هرگاه اهمیت و فوریت امر اقتضاء کند، در محل حضور یافته، مبادرت به تحقیق می‌کند.

فصل ششم - قرارهای تأمین و نظارت قضایی

ماده ۱-۱۲۶- به منظور دسترسی به متهم و حضور به موقع وی، جلوگیری از فرار یا مخفی شدن او و تضمین حقوق بزه‌دیده، بازپرس با توجه به نوع جرم، شخصیت متهم و اهمیت و ادله وقوع جرم، پس از تفهیم اتهام به وی، یکی از قرارهای تأمین زیر را صادر می‌کند:

الف - التزام به حضور با قول شرف؛

ب - التزام به حضور با تعیین وجه التزام؛

ج - التزام به عدم خروج از حوزه قضایی با قول شرف؛

د - التزام به عدم خروج از حوزه قضایی با تعیین وجه التزام؛

هـ - التزام به معرفی نوبه‌ای خود به مرجع قضایی یا انتظامی با تعیین وجه التزام؛

- و - التزام مستخدمان رسمی کشوری یا لشکری به حضور با تعیین وجه التزام پس از اخذ تعهد پرداخت از محل حقوق آنان از سوی سازمان مربوط؛
- ز - التزام به عدم خروج از منزل و یا محل تعیین شده با پذیرش نظارت با تجهیزات الکترونیکی؛
- ح - اخذ کفیل با تعیین وجه الكفاله؛
- ط - اخذ وثیقه اعم از وجه نقد، ضمانت نامه بانکی، مال منقول یا غیرمنقول؛
- ی - بازداشت موقت با رعایت شرایط مقرر قانونی.
- تبصره ۱- در صورت امتناع متهم از پذیرش قرار تأمین مندرج در بند (الف)، قرار التزام به حضور با تعیین وجه التزام صادر و در صورت امتناع از پذیرش قرارهای مندرج در بندهای (ب)، (ج)، (د) و (ه) قرار کفالت صادر می شود.
- تبصره ۲- در مورد بندهای (ج) و (د)، خروج از حوزه قضایی با اجازه قاضی ممکن است.
- تبصره ۳- صدور قرار کفالت و وثیقه در جرایم غیر عمدی و جرایمی که حداکثر مجازات قانونی آنها دو سال حبس، جزای نقدی تا پنجاه میلیون ریال و یا شلاق است، در صورتی که به تشخیص مقام قضایی تضمین حقوق بزه دیده به طریق دیگر امکان پذیر باشد، جایز نیست.
- ماده ۲-۱۲۶- برای اتهامات متعدد متهم، قرار تأمین واحد صادر می شود، مگر آن که رسیدگی به جرایم ارتكابی در صلاحیت ذاتی دادگاه های مختلف باشد که در این صورت برای اتهامات موضوع صلاحیت هر دادگاه، قرار تأمین متناسب و مستقل از سوی مرجع مربوط صادر می شود.
- ماده ۳-۱۲۶- مبلغ وجه التزام، وجه الكفاله و وثیقه نباید در هر حال از خسارت وارد به بزه دیده کمتر باشد. در مواردی که دیه یا خسارت زیان دیده از طریق بیمه قابل جبران است، بازپرس با لحاظ این موضوع و مفاد ماده (۱۹-۱۲۳)، قرار تأمین صادر می کند.
- ماده ۴-۱۲۶- در صورتی که متهم بخواهد به جای معرفی کفیل، وثیقه بسپارد، بازپرس مکلف به قبول آن و تبدیل قرار است. در این صورت متهم می تواند در هر زمان با معرفی کفیل، آزادی وثیقه را تقاضا کند.
- ماده ۵-۱۲۶- کفالت شخصی پذیرفته می شود که اعتبار او به تشخیص بازپرس برای پرداخت وجه الكفاله محل تردید نباشد. چنانچه بازپرس ملائت کفیل را احراز نکند، مراتب را به نظر دادستان می رساند و تشخیص دادستان برای بازپرس الزامی است. در صورت تأیید نظر بازپرس توسط دادستان مراتب در پرونده درج می شود.

ماده ۶-۱۲۶- در صورت عدم پذیرش تقاضای کتبی صدور قرار قبولی وثیقه توسط بازپرس، مراتب در پرونده منعکس می‌شود. تخلف از مقررات این ماده موجب محکومیت انتظامی از درجه چهار به بالا است.

ماده ۷-۱۲۶- بازپرس در خصوص قبول وثیقه یا کفالت قرار صادر کرده، پس از امضای کفیل یا وثیقه‌گذار، خود نیز آن را امضاء می‌کند و در صورت درخواست کفیل یا وثیقه‌گذار، تصویر قرار را به آنان می‌دهد.

ماده ۸-۱۲۶- بازپرس مکلف است ضمن صدور قرار قبولی کفالت یا وثیقه، به کفیل یا وثیقه‌گذار تفهیم کند که در صورت احضار متهم و عدم حضور او بدون عذر موجه یا عدم معرفی وی از ناحیه کفیل یا وثیقه‌گذار، نسبت به وصول وجه‌الکفاله و ضبط وثیقه طبق مقررات این قانون اقدام می‌شود. تبصره - تفهیم مفاد ماده (۲۷-۱۲۵) این قانون نسبت به کفیل و وثیقه‌گذار نیز الزامی است.

ماده ۹-۱۲۶- قرار تأمین باید به متهم ابلاغ و تصویر آن به وی تحویل شود. در صورتی که منتهی به بازداشت گردد مفاد قرار در برگ اعزام درج می‌شود. چنانچه متهم به منظور جلوگیری از تبانی، بازداشت شده باشد، این جهت نیز در برگ اعزام قید می‌شود.

ماده ۱۰-۱۲۶- متهمی که در مورد او قرار کفالت یا وثیقه صادر شده تا معرفی کفیل یا سپردن وثیقه بازداشت می‌شود؛ اما در صورت بازداشت، متهم می‌تواند تا مدت ده روز از تاریخ ابلاغ قرار بازپرس، نسبت به بازداشت خود اعتراض کند.

تبصره - تمهیدات لازم جهت اطلاع به کفیل یا وثیقه‌گذار باید از سوی دادسرا یا زندان برای متهم فراهم شود.

ماده ۱۱-۱۲۶- مراتب تحویل متهم در سوابق زندان ثبت و تحویل‌دهنده، رسیدی حاوی ساعت و تاریخ تحویل متهم اخذ و به بازپرس تسلیم می‌کند.

ماده ۱۲-۱۲۶- کفیل یا وثیقه‌گذار در هر مرحله از دادرسی با معرفی و تحویل متهم می‌تواند، حسب مورد، رفع مسئولیت یا آزادی وثیقه خود را از مرجعی که پرونده در آنجا مطرح است درخواست کند. مرجع مزبور مکلف است بلافاصله مراتب رفع مسئولیت یا آزادی وثیقه را فراهم نماید.

تبصره - در مواردی که متهم به علت دیگری از سوی سایر مراجع بازداشت باشد نیز کفیل یا وثیقه‌گذار می‌تواند اعزام وی را درخواست نماید. در این صورت پس از حضور متهم مطابق این ماده اقدام می‌شود.

ماده ۱۳-۱۲۶- خواستن متهم از کفیل یا وثیقه‌گذار جز در موردی که حضور متهم برای تحقیقات، دادرسی و یا اجرای حکم ضرورت دارد، ممنوع است.

ماده ۱۴-۱۲۶- متهمی که برای او قرار تأمین صادر شده و خود ملتزم شده یا وثیقه گذاشته است، در صورتی که حضورش لازم باشد، احضار می‌شود و هرگاه ثابت شود بدون عذر موجه حاضر نشده، در صورت ابلاغ واقعی اختاریه، وجه التزام تعیین شده به دستور دادستان اخذ و یا از وثیقه سپرده شده معادل وجه قرار ضبط می‌شود. چنانچه متهم کفیل معرفی کرده یا شخص دیگری برای او وثیقه سپرده باشد به کفیل یا وثیقه‌گذار اخطار می‌شود که ظرف دو ماه متهم را تحویل دهد. در صورت ابلاغ واقعی اختاریه و عدم تحویل متهم، به دستور دادستان، حسب مورد، وجه الکفاله اخذ و یا از وثیقه، معادل وجه قرار ضبط می‌شود. دستور دادستان پس از قطعیت، بدون صدور اجراییه در واحد اجرای احکام مدنی و مطابق مقررات اجرای احکام مدنی اجرا می‌شود.

تبصره - مبلغ مازاد بر وجه قرار وثیقه، پس از کسر هزینه‌های ضروری مربوط به اجرای دستور، به وثیقه‌گذار مسترد می‌شود.

ماده ۱۵-۱۲۶- هرگاه ثابت شود که متهم، کفیل یا وثیقه‌گذار به منظور عدم امکان ابلاغ واقعی اختاریه، آدرس محل اقامت واقعی یا تغییر آن را به مرجع قبول‌کننده کفالت یا وثیقه اعلام نکرده یا به این منظور از محل خارج شده یا به هر نحو دیگر به این منظور امکان ابلاغ واقعی را دشوار کرده است و این امر از نظر بازپرس محرز شود، ابلاغ قانونی اختاریه برای ضبط وثیقه، اخذ وجه الکفاله و یا وجه التزام کافی است.

ماده ۱۶-۱۲۶- دیه با رعایت مقررات مربوط و ضرر و زیان محکوم‌له، در صورتی از مبلغ وثیقه یا وجه الکفاله کسر می‌شود که امکان وصول آن از بیمه میسر نباشد و محکوم‌علیه حاضر نشده باشد و وثیقه‌گذار یا کفیل هم وی را طبق مقررات حاضر ننموده و عذر موجهی هم نداشته باشد.

ماده ۱۷-۱۲۶- چنانچه قرار تأمین صادر شده، متضمن تعیین وجه التزام باشد یا متهم خود ایداع وثیقه کرده باشد، در صورت عدم حضور محکوم‌علیه و عدم امکان وصول آن از بیمه، علاوه بر اخذ دیه و ضرر و زیان محکوم‌له از محل تأمین، جزای نقدی نیز در صورت محکومیت وصول می‌شود و در صورت حضور و عجز از پرداخت، محکومیت‌های فوق، با لحاظ مستثنیات دین از محل تأمین اخذ می‌شود.

ماده ۱۸-۱۲۶- در صورت فوت کفیل یا وثیقه‌گذار، قرار قبولی کفالت یا وثیقه منتفی است و متهم حسب مورد، باید نسبت به معرفی کفیل یا ایداع وثیقه جدید اقدام کند، مگر اینکه دستور اخذ وجه الکفاله یا ضبط وثیقه صادر شده باشد.

ماده ۱۹-۱۲۶- متهم، کفیل و وثیقه‌گذار می‌توانند در موارد زیر ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ دستور دادستان، در خصوص اخذ وجه التزام، وجه‌الکفاله و یا ضبط وثیقه شکایت کنند. مرجع رسیدگی به این شکایت، دادگاه کیفری عمومی است:

الف - هرگاه مدعی شوند در اخذ وجه التزام و وجه‌الکفاله و یا ضبط وثیقه مقررات مربوط رعایت نشده است؛

ب - هرگاه مدعی شوند متهم در موعد مقرر حاضر شده یا او را حاضر کرده‌اند یا شخص ثالثی متهم را حاضر کرده است؛

ج - هرگاه مدعی شوند به جهات مذکور در ماده (۱۱-۱۲۵) این قانون، متهم نتوانسته حاضر شود یا کفیل و وثیقه‌گذار به یکی از آن جهات نتوانسته متهم را حاضر کنند؛

د - هرگاه کفیل یا وثیقه‌گذار مدعی شوند به علت فوت متهم، امکان تسلیم او در مهلت مقرر نبوده است؛

ه - هرگاه مدعی شوند پس از صدور قرار قبولی کفالت یا التزام معسر شده‌اند.

تبصره ۱- دادگاه در تمام موارد فوق، خارج از نوبت و بدون رعایت تشریفات دادرسی به شکایت رسیدگی می‌کند. رأی دادگاه قطعی است.

تبصره ۲- مرجع رسیدگی به اعتراض نسبت به دستور رییس یا دادرس دادگاه عمومی بخش، دادگاه کیفری عمومی نزدیکترین شهرستان آن استان است.

ماده ۲۰-۱۲۶- در صورتی که متهم پس از صدور دستور دادستان مبنی بر اخذ یا ضبط وجه قرار و پیش از شروع عملیات اجرایی، در مرجع قضایی حاضر شود یا کفیل یا وثیقه‌گذار او را حاضر کند، دادستان با رفع اثر از دستور صادر شده، دستور اخذ یا ضبط حداکثر تا یک چهارم از وجه قرار را صادر می‌کند. در این صورت، اعتبار قرار تأمین صادر شده به قوت خود باقی است. هرگاه متهم خود ایداع وثیقه کرده باشد، مکلف است نسبت به تکمیل وجه قرار اقدام کند و چنانچه شخص ثالث از متهم کفالت نموده و یا ایداع وثیقه کرده باشد و رفع مسئولیت خود را درخواست نکند، مکلف است نسبت به تکمیل وجه قرار اقدام کند. در صورتی که شخص ثالث، رفع مسئولیت خود را درخواست کند، متهم حسب مورد، نسبت به معرفی کفیل یا وثیقه‌گذار جدید اقدام می‌کند.

تبصره - هرگاه متهم یا وثیقه‌گذار یا کفیل، ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ دستور ضبط بخشی از وجه قرار، معادل وجه مقرر را به صندوق دولت واریز کند، ضبط انجام نشده و اعتبار قرار تأمین صادرشده به صورت کامل به قوت خود باقی است.

ماده ۲۱-۱۲۶- صدور قرار بازداشت موقت جایز نیست، مگر در مورد جرایم زیر، در صورتی که قرائن و امارات قوی دلالت بر توجه اتهام به متهم کند:

الف - جرایمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات و قطع یا قصاص عضو است؛

ب - جرایمی که حداکثر مجازات قانونی آنها ده سال حبس یا بیشتر است؛

ج - جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی کشور؛

د - تظاهر، قدرت‌نمایی و ایجاد مزاحمت برای اشخاص به وسیله هرگونه اسلحه و ایجاد مزاحمت و آزار و اذیت بانوان و اطفال؛

ه - سرقت، کلاهبرداری، ارتشاء، اختلاس، جعل یا استفاده از سند مجعول در صورتی که متهم دارای یک فقره سابقه محکومیت قطعی یا دو فقره محکومیت غیر قطعی به علت ارتکاب هر یک از جرایم مذکور باشد.

تبصره - موارد بازداشت موقت اجباری، موضوع قوانین خاص، بجز قوانین ناظر بر جرائم نیروهای مسلح از تاریخ لازم‌الاجرا شدن این قانون ملغی است.

ماده ۲۲-۱۲۶- صدور قرار بازداشت موقت منوط به وجود یکی از شرایط زیر است:

الف - هرگاه آزاد بودن متهم موجب از بین رفتن آثار و ادله جرم یا باعث تبانی با متهمان دیگر یا شهود و مطلعان واقعه گردد و یا سبب شود شهود از ادی شهادت امتناع کنند؛

ب - هنگامی که بیم فرار یا مخفی شدن متهم باشد و به طریق دیگر نتوان از آن جلوگیری کرد؛

ج - آزاد بودن متهم محل نظم عمومی، به خطر افتادن جان شاکی، شهود یا خانواده آنان و خود متهم باشد.

ماده ۲۳-۱۲۶- قرار بازداشت موقت باید مستدل و موجه بوده، مستند قانونی و ادله آن و حق اعتراض متهم در متن قرار ذکر شود.

ماده ۲۴-۱۲۶- قرار بازداشت متهم باید فوری نزد دادستان ارسال شود. دادستان مکلف است حداکثر ظرف بیست و چهار ساعت نظر خود را کتبا به بازپرس اعلام کند. هرگاه دادستان با بازداشت متهم موافق نباشد، حل اختلاف با دادگاه صالح خواهد بود و متهم تا صدور رأی دادگاه که حداکثر از ۱۰ روز تجاوز نخواهد کرد، بازداشت می‌شود. در صورت توافق یا عدم توافق دادستان و بازپرس، متهم می‌تواند تا مدت ده روز از تاریخ ابلاغ قرار بازپرس، نسبت به بازداشت خود اعتراض کند.

ماده ۲۵-۱۲۶- هرگاه علت بازداشت مرتفع شود و موجب دیگری برای ادامه آن نباشد، بازپرس فوری از متهم رفع بازداشت می‌کند. اگر متهم نیز موجبات بازداشت را مرتفع بداند، می‌تواند فک

قرار بازداشت یا تبدیل آن را از بازپرس تقاضا کند. بازپرس ظرف پنج روز نسبت به درخواست متهم اظهار نظر می کند. در صورت رد درخواست، مراتب رد باید در پرونده ثبت شود. متهم در هر ماه فقط یک بار می تواند این درخواست را مطرح کند.

ماده ۲۶-۱۲۶- هرگاه در جرایم موضوع بندهای (الف)، (ب) و (ج) ماده (۶-۱۳۱) این قانون تا دو ماه و در سایر جرایم تا یک ماه به علت صدور قرار تأمین، متهم در بازداشت مانده و پرونده اتهامی او منتهی به تصمیم نهایی در دادسرا نشده باشد، بازپرس مکلف به فک یا تخفیف قرار تأمین است. اگر جهات قانونی یا علل موجهی برای بقای قرار وجود داشته باشد، با ذکر علل و جهات مزبور، قرار، ابقا و مراتب به متهم ابلاغ می شود. متهم می تواند از این تصمیم ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ به دادگاه صالح شکایت کند. فک یا تخفیف قرار بدون نیاز به موافقت دادستان انجام می شود و ابقای تأمین باید به تأیید دادستان برسد و در صورت مخالفت با آن، نظر دادستان متبع است، مگر در خصوص بازداشت موقت که حل اختلاف با دادگاه صالح خواهد بود. هرگاه بازداشت متهم ادامه یابد مقررات این ماده، حسب مورد، هر دو ماه یا هر یک ماه اعمال می شود. به هر حال، مدت بازداشت متهم نباید از حداقل مجازات حبس مقرر در قانون برای آن جرم تجاوز کند و در هر حال مدت بازداشت موقت از دو سال تجاوز نمی کند.

تبصره - تکلیف بازپرس به اظهار نظر در خصوص درخواست متهم، موضوع ماده (۲۵-۱۲۶) این قانون، در صورتی است که در آن ماده وفق ماده (۲۶-۱۲۶) این قانون، نسبت به قرار اظهار نظر نشده باشد.

ماده ۲۷-۱۲۶- بازپرس می تواند در تمام مراحل تحقیقات با رعایت مقررات این قانون، قرار تأمین صادر شده را تشدید کرده یا تخفیف دهد.

تبصره - تشدید یا تخفیف قرار تأمین، اعم از تبدیل نوع قرار یا تغییر مبلغ آن است.

ماده ۲۸-۱۲۶- دادستان در جریان تحقیقات مقدماتی تا پیش از تنظیم کیفرخواست می تواند تشدید یا تخفیف تأمین را از بازپرس درخواست کند. هرگاه بین بازپرس و دادستان موافقت حاصل نشود و نظر دادستان بر تشدید باشد، پرونده برای رفع اختلاف نزد دادگاه ارسال می شود و بازپرس طبق نظر دادگاه مزبور اقدام می کند و هرگاه نظر دادستان بر تخفیف باشد، نظر وی متبع است. پس از تنظیم کیفرخواست نیز دادستان می تواند حسب مورد، از دادگاهی که پرونده در آن مطرح است، درخواست تشدید یا تخفیف تأمین کند. متهم نیز می تواند تخفیف تأمین را درخواست کند. فرجام خواهی نسبت به حکم، مانع از آن نیست که دادگاه صادرکننده حکم، به این درخواست رسیدگی

کند. در صورت رد درخواست، مراتب رد در پرونده ثبت می‌شود. تصمیم دادگاه در این موارد قطعی است.

تبصره ۱- تقاضای دادستان یا متهم از بازپرس یا دادگاه در مورد تشدید یا تخفیف نمی‌تواند بیش از یک بار مطرح شود.

تبصره ۲- چنانچه به نظر دادگاه، قرار تأمین صادر شده متناسب نباشد، نسبت به تخفیف یا تشدید آن اتخاذ تصمیم می‌نماید.

ماده ۲۹-۱۲۶- دادگاه صالح موضوع مواد (۲۴-۱۲۶)، (۲۶-۱۲۶) و (۲۸-۱۲۶) این قانون مکلف است در وقت فوق‌العاده به اختلاف دادستان و بازپرس یا اعتراض متهم رسیدگی نماید. تصمیم دادگاه قطعی است.

ماده ۳۰-۱۲۶- در مواردی که پرونده متهم در دادگاه مطرح شده و از متهم قبلاً تأمین اخذ نشده یا تأمین قبلی منتفی شده باشد، دادگاه، خود یا به تقاضای دادستان و با رعایت مقررات این قانون، قرار تأمین یا نظارت قضایی صادر می‌کند. چنانچه تصمیم دادگاه منتهی به صدور قرار بازداشت موقت شود، این قرار، طبق مقررات این قانون، قابل اعتراض در دادگاه استان است.

ماده ۳۱-۱۲۶- بازپرس می‌تواند متناسب با جرم ارتكابی، علاوه بر صدور قرار تأمین، قرار نظارت قضایی را که شامل یک یا چند مورد از دستورهای زیر است، صادر کند:

الف - معرفی نوبه‌ای خود به مراکز یا نهادهایی که بازپرس تعیین می‌کند؛

ب - منع رانندگی با وسایل نقلیه موتوری؛

ج - ترک معاشرت با افراد خاص؛

د - درمان اختلال‌های روانی - رفتاری؛

ه - منع اشتغال به فعالیت‌های مرتبط با جرم ارتكابی؛

و - منع صدور چک در مورد جرایم مرتبط با چک؛

ز - ممنوعیت از نگهداری سلاح دارای مجوز؛

ح - ممنوعیت خروج از کشور.

تبصره - در جرایمی که مجازات قانونی آنها حداکثر تا یک سال حبس یا ده میلیون ریال جزای نقدی و یا شلاق تعزیری و یا مجازات‌های جایگزین حبس است، در صورت ارایه تضمین لازم برای جبران خسارات واردشده، بازپرس می‌تواند صرفاً به صدور قرار نظارت قضایی اکتفا کند.

ماده ۳۲-۱۲۶- مدت اعتبار قرار منع خروج از کشور شش ماه و قابل تمدید می‌باشد. در صورتی که مدت مندرج در دستور منع خروج منقضی شود، این دستور خود بخود منتفی است و مراجع مربوط نمی‌توانند مانع از خروج شوند.

ماده ۳۳-۱۲۶- در مورد قرار منع صدور چک، مراتب به بانک محال‌علیه اعلام می‌شود و این بانک مکلف است نسبت به اعلام قرار دادگاه به بانک مرکزی اقدام کند. بانک مرکزی مکلف است مراتب را به کلیه بانکها جهت خودداری از تسلیم دسته چک جدید ابلاغ نماید.

تبصره - بازپرس می‌تواند در صورت ضرورت، با دادن رسید، تمام یا برخی از دسته چک‌های متهم را تا تعیین تکلیف نهایی پرونده جهت نگهداری به بانک‌های مربوط ارسال کند.

ماده ۳۴-۱۲۶- در صورت صدور قرار ممنوعیت از نگهداری سلاح دارای مجوز، سلاح و پروانه مربوط اخذ و به یکی از محل‌های مجاز نگهداری سلاح تحویل می‌شود و بازپرس مراتب را به مرجع صادرکننده پروانه اعلام می‌کند.

ماده ۳۵-۱۲۶- قرار تأمین و نظارت قضایی باید مستدل و موجه بوده، با نوع و اهمیت جرم، شدت مجازات، ادله و اسباب اتهام، احتمال فرار یا مخفی شدن متهم و از بین رفتن آثار جرم، سابقه متهم، وضعیت روحی و جسمی، سن، جنس، شخصیت و حیثیت او متناسب باشد.

تبصره - اخذ تأمین نامتناسب موجب محکومیت انتظامی از درجه چهار به بالا است.

ماده ۳۶-۱۲۶- هرگاه متهم یا محکوم‌علیه در مواعد مقرر حاضر شده باشد، یا پس از آن حاضر و عذر موجه خود را اثبات کرده باشد، با شروع به اجرای حبس و تبعید یا اقامت اجباری و با اجرای کامل سایر مجازات‌ها و یا صدور قرارهای منع و موقوفی و تعلیق تعقیب، تعلیق اجرای مجازات و مختومه شدن پرونده به هر کیفیت، قرار تأمین و نظارت قضایی لغو می‌شود. الغای قرار تأمین جز در موارد بازداشت بودن متهم، حسب مورد منوط به قطعیت حکم یا قرار و یا شروع به اجرای مجازات است.

تبصره - در صورت الغای قرار تأمین یا نظارت قضایی، این امر به مراجع مربوط اعلام می‌شود.

ماده ۳۷-۱۲۶- شیوه اجرای قرارهای نظارت و بند (و) ماده (۱-۱۲۶) این قانون، به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف شش ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط وزارتخانه‌های دادگستری و کشور تهیه و پس از تأیید رئیس قوه قضاییه به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

ماده ۳۸-۱۲۶- در صورتی که متهم دستورهای مندرج در قرار نظارت قضایی را رعایت نماید، بنا به تأیید دادستان، دادگاه می‌تواند با رعایت مقررات قانونی در مجازات وی تخفیف دهد.

ماده ۳۹-۱۲۶- هرگاه متهم از اجرای قرار نظارت قضایی که توأم با قرار تأمین صادر شده است، تخلف کند، قرار نظارت لغو و قرار تأمین، تشدید می‌شود و در صورت تخلف متهم از اجرای قرار نظارت مستقل، قرار صادر شده به قرار تأمین متناسب تبدیل می‌گردد. مفاد این ماده در حین صدور قرار نظارت قضایی به متهم، تفهیم می‌شود.

تبصره - در اجرای این ماده نمی‌توان قرار صادر شده را به قرار بازداشت موقت تبدیل کرد.

ماده ۴۰-۱۲۶- اشخاصی که در جریان دادرسی به هر علت بازداشت شده‌اند و از سوی مراجع قضایی، حکم برائت یا قرار منع تعقیب در مورد آنان صادر شده، در صورت غیرموجه بودن بازداشت، می‌توانند خسارت ایام بازداشت را مطالبه کنند.

تبصره - حکم ماده فوق در موردی که محکوم‌علیه در مراحل مختلف رسیدگی بیش از حداقل مجازات قانونی جرم ارتكابی، در بازداشت نباشد، نیز جاری است.

ماده ۴۱-۱۲۶- در موارد زیر شخص بازداشت شده مستحق جبران خسارت نیست:

الف - بازداشت ناشی از خودداری شخص در ارائه اسناد، مدارک و ادله بی‌گناهی خود باشد؛

ب - به منظور فراری دادن مرتکب جرم، خود را در مظان اتهام قرار داده باشد؛

ج - به هر جهتی به ناحق موجبات بازداشت خود را فراهم آورده باشد؛

د - همزمان به علت قانونی دیگر بازداشت باشد.

ماده ۴۲-۱۲۶- شخص بازداشت شده باید ظرف شش ماه از تاریخ قطعیت رأی حاکی از بی‌گناهی خود، درخواستش را به کمیسیون استانی، متشکل از سه نفر از قضات دادگاه استان به انتخاب رییس قوه قضاییه تقدیم کند. کمیسیون در صورت احراز شرایط مقرر قانونی، حکم به پرداخت خسارت صادر می‌کند. در صورت رد درخواست، این شخص می‌تواند ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ، اعتراض خود را به کمیسیون موضوع ماده (۴۳-۱۲۶) این قانون اعلام کند.

ماده ۴۳-۱۲۶- رسیدگی به اعتراض شخص بازداشت شده، در کمیسیون ملی جبران خسارت متشکل از رییس دیوان عالی کشور یا یکی از معاونان وی و دو نفر از قضات دیوان عالی کشور به انتخاب رییس قوه قضاییه به عمل می‌آید. رأی کمیسیون قطعی است.

ماده ۴۴-۱۲۶- جبران خسارت موضوع مواد فوق بر عهده دولت است و در صورتی که بازداشت بر اثر اعلام مغرضانه جرم، شهادت کذب و یا تقصیر مقامات قضایی باشد، دولت پس از جبران خسارت می‌تواند به مسئول اصلی مراجعه کند.

ماده ۴۵-۱۲۶- به منظور پرداخت خسارت موضوع ماده (۴۰-۱۲۶) این قانون، صندوقی در وزارت دادگستری تأسیس می‌شود که بودجه آن هر سال از محل بودجه کل کشور تأمین می‌گردد. این صندوق زیر نظر وزیر دادگستری اداره می‌شود و اجرای آرای صادر شده از کمیسیون بر عهده وی می‌باشد.

ماده ۴۶-۱۲۶- شیوه رسیدگی و اجرای آرای کمیسیون‌های موضوع مواد فوق، به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط وزیر دادگستری تهیه شده و پس از تأیید رییس قوه قضاییه به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

فصل هفتم - اقدامات بازپرس و دادستان پس از ختم تحقیقات

ماده ۱-۱۲۷- چنانچه بازپرس پیش از اعلام کفایت و ختم تحقیقات، ادله وقوع جرم را کافی بداند، به متهم یا وکیل وی اعلام می‌کند که برای برائت یا کشف حقیقت هر اظهاری دارد به عنوان آخرین دفاع بیان کند. هرگاه متهم یا وکیل وی در آخرین دفاع، مطلبی اظهار کند که در کشف حقیقت یا برائت مؤثر باشد، بازپرس مکلف به رسیدگی است.

ماده ۲-۱۲۷- در صورتی که متهم یا وکیل وی جهت اخذ آخرین دفاع احضار شده و بدون عذر موجه حضور نیابد، بدون اخذ آخرین دفاع، اتخاذ تصمیم می‌شود.

ماده ۳-۱۲۷- بازپرس مکلف است پس از انجام تحقیقات لازم و اعلام کفایت و ختم تحقیقات، به صورت مستدل، مستند و مشروح، عقیده خود را حداکثر ظرف سه روز در قالب قرار مناسب، اعلام کند.

ماده ۴-۱۲۷- بازپرس هرگاه عمل انتسابی جرم باشد و ادله کافی برای انتساب جرم به متهم وجود داشته باشد و از موارد موقوفی تعقیب نباشد، قرار جلب به دادرسی صادر و چنانچه عمل انتسابی جرم محسوب نشود و یا ادله کافی برای انتساب جرم به متهم وجود نداشته باشد و همچنین اگر به جهت دیگری متهم قابل تعقیب نباشد، جز در موارد موقوفی تعقیب، قرار منع تعقیب صادر و پرونده را نزد دادستان ارسال می‌کند. دادستان باید ظرف سه روز پرونده تحقیقات را ملاحظه و نظر خود را کتباً در پرونده اعلام کند و پرونده را به بازپرس برگرداند.

ماده ۵-۱۲۷- چنانچه دادستان تحقیقات بازپرس را کامل نداند، صرفاً مواردی را که برای کشف حقیقت لازم است به تفصیل و بدون هرگونه ابهام در پرونده درج می‌کند و تکمیل آن را می‌خواهد. در این صورت، بازپرس مکلف به انجام این تحقیقات است.

تبصره - هرگونه درخواست تکمیل تحقیقات که برای کشف حقیقت لازم نباشد، موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است.

ماده ۶-۱۲۷- در صورت موافقت دادستان با قرار بازپرس، در خصوص عدم صلاحیت، پرونده به مرجع صالح ارسال می‌شود و در موارد موقوف ماندن تعقیب یا منع تعقیب، بازپرس مراتب را به طرفین ابلاغ می‌کند. در این صورت، قرار تأمین و قرار نظارت قضایی ملغی و چنانچه متهم بازداشت باشد، فوری آزاد می‌شود. قاضی مربوط مکلف است از قرار تأمین و وثیقه رفع اثر نماید.

ماده ۷-۱۲۷- در صورتی که عقیده دادستان و بازپرس بر جلب متهم به دادرسی باشد، دادستان ظرف دو روز با صدور کیفرخواست، از طریق شعبه بازپرسی بلافاصله پرونده را به دادگاه صالح ارسال می‌کند.

ماده ۸-۱۲۷- در هر مورد که دادستان با عقیده بازپرس مخالف باشد و بازپرس بر عقیده خود اصرار کند، پرونده جهت حل اختلاف به دادگاه صالح ارسال و طبق تصمیم دادگاه عمل می‌شود.

ماده ۹-۱۲۷- قرارهای بازپرس در موارد زیر قابل اعتراض است:

الف - قرار منع و موقوفی تعقیب و اناطه به تقاضای شاکی؛

ب - قرار بازداشت موقت، ابقا و تشدید تأمین به تقاضای متهم؛

ج - قرار تأمین خواسته به تقاضای متهم.

تبصره - مهلت اعتراض به قرارهای فوق، برای اشخاص مقیم ایران ده روز و برای افراد مقیم خارج از کشور یک ماه از تاریخ ابلاغ است.

ماده ۱۰-۱۲۷- مرجع حل اختلاف بین دادستان و بازپرس و رسیدگی به اعتراض شاکی یا متهم نسبت به قرارهای قابل اعتراض، حسب مورد، دادگاه کیفری مربوط است. چنانچه دادگاه انقلاب یا دادگاه جنایی در حوزه قضایی دادرسی تشکیل نشده باشد، دادگاه کیفری عمومی محل، صالح به رسیدگی است.

ماده ۱۱-۱۲۷- در صورت اختلاف دادستان و بازپرس در صلاحیت، نوع جرم یا مصادیق قانونی آن، حل اختلاف با دادگاه کیفری عمومی است که دادرسی در معیت آن انجام وظیفه می‌کند.

ماده ۱۲-۱۲۷- حل اختلاف بین بازپرس و دادستان و رسیدگی به اعتراض شاکی یا متهم نسبت به قرارهای قابل اعتراض، در وقت فوق‌العاده در جلسه اداری دادگاه صورت می‌گیرد. تصمیم دادگاه در این خصوص قطعی است، مگر در مورد قرارهای منع یا موقوفی تعقیب در جرایم موضوع

بندهای (الف)، (ب) و (ج) ماده (۶-۱۳۱) این قانون که در صورت تأیید، این قرارها مطابق مقررات قابل پژوهش خواهند بود.

ماده ۱۳-۱۲۷- دادگاه در صورتی که اعتراض شاکی به قرار منع یا موقوفی تعقیب را موجه بداند، آن را نقض و قرار جلب به دادرسی صادر می کند. در مواردی که به نظر دادگاه، تحقیقات دادرسی کامل نباشد، بدون نقض قرار می تواند تکمیل تحقیقات را از دادرسی بخواهد یا خود اقدام به تکمیل تحقیقات کند. موارد نقض تحقیق باید به تفصیل و بدون هرگونه ابهام در تصمیم دادگاه قید شود.

ماده ۱۴-۱۲۷- هرگاه پرونده برای تکمیل تحقیقات به دادرسی اعاده شود، بازپرس با انجام تحقیقات مورد نظر دادگاه، بدون صدور قرار، مجدداً پرونده را به دادگاه ارسال می کند و اگر در تحقیقات مورد نظر دادگاه ابهامی بیابد، مراتب را برای رفع ابهام از دادگاه استعلام می کند.

ماده ۱۵-۱۲۷- هرگاه جهت صدور قرار منع تعقیب، فقدان یا عدم کفایت دلیل باشد و این قرار در دادگاه نقض و قرار جلب به دادرسی صادر شود، بازپرس مکلف است متهم را احضار کرده، موضوع اتهام را به او تفهیم کند و با اخذ آخرین دفاع و تأمین مناسب از وی، پرونده را به دادگاه ارسال کند، مگر اینکه متهم دلیل دیگری بر براءت خود ارایه کند که در این صورت، پس از رسیدگی، تصمیم مقتضی اتخاذ می شود. در سایر موارد که قرار منع تعقیب نقض می شود، بازپرس پس از نقض قرار، مطابق قانون و صرف نظر از جهتی که علت نقض قرار منع تعقیب است، رسیدگی کرده، با انجام تحقیقات لازم، تصمیم مقتضی اتخاذ می کند.

ماده ۱۶-۱۲۷- در صورت نقض قرار موقوفی تعقیب و صدور قرار جلب به دادرسی، بازپرس مطابق مقررات و صرف نظر از جهتی که علت نقض قرار موقوفی تعقیب است، رسیدگی و با انجام تحقیقات لازم، تصمیم مقتضی اتخاذ می کند.

ماده ۱۷-۱۲۷- هرگاه به علت فقدان یا عدم کفایت دلیل، قرار منع تعقیب صادر و به هر دلیل قطعی شده باشد، نمی توان متهم را به همان اتهام بار دیگر تعقیب کرد، مگر پس از کشف دلیل جدید که در این صورت، به درخواست دادستان می توان او را با اجازه دادگاه صالح برای رسیدگی به اتهام تعقیب کرد. در صورتی که دادگاه، تعقیب مجدد را تجویز کند، بازپرس مطابق مقررات رسیدگی می کند.

ماده ۱۸-۱۲۷- در کیفرخواست موارد زیر قید می شود:

الف - مشخصات متهم، شامل نام، نام خانوادگی، نام پدر، شهرت، سن، شغل، کد ملی، شماره شناسنامه، تابعیت و محل اقامت او؛

ب - آزاد یا تحت نظارت قضایی بودن متهم و نوع آن و یا بازداشت بودن وی با قید علت و تاریخ شروع بازداشت؛

ج - نوع اتهام و محل و تاریخ وقوع جرم؛

د - ادله اتهام؛

ه - مستند قانونی اتهام؛

و - سابقه محکومیت مؤثر کیفری متهم؛

ز - وضعیت جسمی و روانی متهم.

تبصره - هرگاه در صدور کیفرخواست، سهم قلم یا اشتباه بین صورت گیرد، تا پیش از ارسال به دادگاه، دادستان آن را اصلاح و پس از ارسال کیفرخواست به دادگاه، موارد اصلاحی آن را به دادگاه اعلام می‌کند.

ماده ۱۹-۱۲۷- عنوان اتهامی که در کیفرخواست ذکر شده، مانع از تعیین عنوان صحیح قانونی توسط دادگاه نیست. در صورتی که مجموع اعمال ارتكابی متهم در نتیجه تحقیقات دادرسی روشن باشد و دادگاه فقط عنوان اتهام را نادرست تشخیص دهد، بدون ارسال پرونده به دادرسی، خود رسیدگی و عنوان اتهامی مناسب را در رأی قید می‌کند.

ماده ۲۰-۱۲۷- هرگاه پس از صدور قرار جلب به دادرسی تا ارسال پرونده به دادگاه، موجبی جهت آزادی متهم یا تبدیل قرار تأمین حادث شود، دادستان با رعایت مقررات قانونی اقدام می‌کند.

ماده ۲۱-۱۲۷- دادستان نمی‌تواند پس از ارسال پرونده به دادگاه از اصل اتهام یا ادله آن عدول و بر این اساس کیفرخواست را مسترد یا اصلاح کند و فقط می‌تواند مواردی را که در مورد اتهام یا ادله آن کشف یا حادث می‌شود به دادگاه اعلام کند.

ماده ۲۲-۱۲۷- پس از صدور کیفرخواست، هرگاه شاکی در جرایم قابل گذشت، رضایت قطعی خود را به دادستان اعلام کند، در صورت وجود پرونده در دادرسی، دادستان از کیفرخواست عدول می‌کند. در این صورت، قرار موقوفی تعقیب توسط بازپرس صادر می‌شود. این قرار، تابع احکام و شرایط قرار موقوفی تعقیب است. در جرایم غیرقابل گذشت، هرگاه شاکی رضایت قطعی خود را اعلام کند، دادستان در صورت فراهم بودن شرایط صدور قرار تعلیق تعقیب، می‌تواند از کیفرخواست عدول و تعلیق را معلق کند و در صورتی که در نتیجه رضایت شاکی نوع مجازات تغییر کند، دادستان از کیفرخواست قبلی عدول و بر این اساس کیفرخواست جدید صادر می‌کند.

ماده ۲۳-۱۲۷- در صورت انتساب اتهامات متعدد به متهم که رسیدگی به آنها در صلاحیت ذاتی دادگاههای مختلف است، کیفرخواست جداگانه خطاب به هر یک از دادگاههای صالح صادر می‌شود.

باب سوم - دادگاههای کیفری، رسیدگی و صدور رای

فصل اول - تشکیلات و صلاحیت دادگاههای کیفری

ماده ۱-۱۳۱- دادگاههای کیفری به دادگاههای کیفری عمومی، دادگاههای جنایی، دادگاه انقلاب، دادگاه اطفال و نوجوانان و دادگاه نظامی تقسیم می‌شوند.

ماده ۲-۱۳۱- دادگاه کیفری عمومی با حضور رییس یا دادرس علی‌البدل و یک نفر مشاور حقوقی در حوزه قضایی هر شهرستان تشکیل می‌شود.

تبصره ۱- دادگاه پس از کسب نظر کتبی مشاور مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

تبصره ۲- مشاور حقوقی موضوع ماده فوق از بین دارندگان مدرک کارشناسی رشته حقوق انتخاب می‌شود.

تبصره ۳- شیوه به کارگیری مشاور موضوع این ماده به موجب آیین‌نامه‌ای است که ظرف شش ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط وزیر دادگستری تهیه شده و پس از تایید رییس قوه قضاییه به تصویب هیئت وزیران می‌رسد.

ماده ۳-۱۳۱- دادگاه جنایی با حضور رییس و دو عضو مستشار تشکیل می‌شود.

تبصره - دادگاه جنایی در تمام حوزه‌های قضایی شهرستان تشکیل می‌شود و در صورت عدم امکان تشکیل، در حوزه‌هایی که این دادگاه تشکیل نشده است، رسیدگی به جرایم موضوع صلاحیت این دادگاه در نزدیک‌ترین دادگاه جنایی در حوزه قضایی آن استان رسیدگی می‌شود.

ماده ۴-۱۳۱- دادگاه انقلاب با حضور رییس یا دادرس علی‌البدل و دو عضو مستشار در مرکز هر استان تشکیل می‌شود و تشکیل آن در سایر حوزه‌های قضایی به تشخیص رییس قوه قضاییه است.

ماده ۵-۱۳۱- دادگاه کیفری عمومی صلاحیت رسیدگی به تمام جرایم را دارد، مگر آنچه به موجب قانون در صلاحیت مرجع دیگری باشد.

ماده ۶-۱۳۱- جرایم زیر در دادگاه جنایی رسیدگی می‌شود:

الف - جرایم مستوجب مجازات سلب حیات؛

ب - جرایم مستوجب مجازات قطع یا قصاص عضو؛

ج - جرایم مستوجب مجازات حداکثر بیش از سه سال حبس و حبس ابد؛

د- جرایم سیاسی و مطبوعاتی.

ماده ۷-۱۳۱- جرایم زیر در دادگاه انقلاب رسیدگی می‌شود:

الف - جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، تباری و اجتماع علیه جمهوری اسلامی ایران یا اقدام مسلحانه یا تخریب مؤسسات به منظور مقابله با نظام؛

ب - توهین به مقام بنیانگذار جمهوری اسلامی ایران و مقام معظم رهبری؛

ج - قاچاق انسان و جرایم مربوط به مواد مخدر و قاچاق آن و قاچاق اسلحه، مهمات و مواد منفجره.
ماده ۸-۱۳۱- به جرایم سیاسی و مطبوعاتی به طور علنی در دادگاه جنایی مرکز استان محل وقوع جرم با حضور هیئت منصفه رسیدگی می‌شود.

تبصره - احکام و ترتیبات هیئت منصفه، با لحاظ مفاد تبصره فوق، همان است که در قانون هیئت منصفه - مصوب ۱۳۸۲/۱۲/۲۴ - و آیین‌نامه اجرایی آن ذکر شده است.

ماده ۹-۱۳۱- دادگاه عمومی صلاحیت رسیدگی به تمام جرایم بجز جرایم موضوع مواد (۶-۱۳۱) و (۷-۱۳۱) این قانون را دارد و با حضور رییس یا دادرس علی‌البدل و یک نفر مشاور حقوقی موضوع ماده (۲-۱۳۱) تشکیل می‌شود.

ماده ۱۰-۱۳۱- رسیدگی به اتهامات رؤسای قوای سه‌گانه و معاونان و مشاوران آنان، رییس و اعضای مجمع تشخیص مصلحت نظام، اعضای شورای نگهبان، نمایندگان مجلس شورای اسلامی و خبرنگاران رهبری، وزیران، دارندگان پایه قضایی، رییس و دادستان دیوان محاسبات، سفیران، استانداران و افسران نظامی و انتظامی از درجه سرتیپ و بالاتر، حسب مورد، در صلاحیت دادگاه کیفری عمومی یا دادگاه جنایی تهران است، مگر آن که رسیدگی به این جرایم به موجب قوانین خاص در صلاحیت مراجع دیگری باشد.

تبصره - شمول این ماده بر دارندگان پایه قضایی و افسران نظامی و انتظامی در صورتی است که حسب مورد، در قوه قضاییه یا نیروهای مسلح انجام وظیفه کنند.

ماده ۱۱-۱۳۱- رسیدگی به اتهامات معاونان و مشاوران وزیران، بالاترین مقام سازمان‌ها، شرکتها و مؤسسه‌های دولتی و نهادها و مؤسسه‌های عمومی غیردولتی، مدیران کل، فرمانداران، مدیران مؤسسه‌ها، سازمان‌ها، ادارات دولتی و نهادها و مؤسسه‌های عمومی غیردولتی استان‌ها و شهرستان‌ها، رؤسای دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی، شهرداران مراکز شهرستان‌ها و بخشداران، حسب مورد، در صلاحیت دادگاه کیفری عمومی یا دادگاه جنایی مرکز استان محل وقوع جرم است، مگر آن که رسیدگی به این اتهامات به موجب قوانین خاص در صلاحیت مراجع دیگری باشد.

ماده ۱۲-۱۳۱- صلاحیت دادگاه برای رسیدگی به جرایم اشخاص موضوع مواد (۱۰-۱۳۱) و (۱۱-۱۳۱) این قانون، اعم از آن است که در زمان تصدی سمت‌های مذکور یا قبل از آن مرتکب جرم شده باشند.

ماده ۱۳-۱۳۱- متهم در دادگاهی محاکمه می‌شود که جرم در حوزه آن واقع شده است. اگر شخصی مرتکب چند جرم در حوزه‌های قضایی مختلف شود، رسیدگی در دادگاهی صورت می‌گیرد که مهم‌ترین جرم در حوزه آن واقع شده است. چنانچه جرایم ارتكابی از حیث کیفر مساوی باشند، دادگاهی که مرتکب در حوزه آن دستگیر شده، به همه آن‌ها رسیدگی می‌کند. در صورتی که متهم دستگیر نشده باشد، دادگاهی که ابتدا تعقیب در حوزه آن شروع شده است، صلاحیت رسیدگی به تمام جرائم را دارد.

ماده ۱۴-۱۳۱- شرکاء و معاونان جرم در دادگاهی محاکمه می‌شوند که صلاحیت رسیدگی به اتهام متهم اصلی را دارد، مگر این که در قوانین خاص ترتیب دیگری مقرر کرده باشد. تبصره - هرگاه دو یا چند نفر متهم به مشارکت یا معاونت در ارتکاب جرم باشند و یکی از آنان جزء مقامات مذکور در مواد (۱۰-۱۳۱) و (۱۱-۱۳۱) این قانون باشد، به اتهام همه آنان، حسب مورد، در دادگاه کیفری عمومی یا جنایی تهران و یا مراکز استان رسیدگی می‌شود.

ماده ۱۵-۱۳۱- به اتهامات متعدد متهم باید با رعایت صلاحیت ذاتی، توأمأ و یکجا در دادگاهی رسیدگی شود که صلاحیت رسیدگی به جرم مهم‌تر را دارد.

ماده ۱۶-۱۳۱- هر کس متهم به ارتکاب جرایم متعدد باشد که رسیدگی به بعضی از آن‌ها در صلاحیت دادگاه کیفری عمومی و جنایی و بعضی دیگر در صلاحیت دادگاه انقلاب یا نظامی باشد، متهم ابتدا در دادگاهی که صلاحیت رسیدگی به مهم‌ترین اتهام را دارد، محاکمه می‌شود و پس از آن برای رسیدگی به اتهام دیگر به دادگاه مربوط اعزام می‌شود. در صورتی که اتهامات از حیث کیفر مساوی باشد، متهم حسب مورد، به ترتیب در دادگاه انقلاب، نظامی و عمومی محاکمه می‌شود.

ماده ۱۷-۱۳۱- به اتهامات اتباع ایرانی و اشخاص بیگانه‌ای که در خارج از قلمرو حاکمیت جمهوری اسلامی ایران مرتکب جرم شوند و مطابق قانون، دادگاه‌های ایران صلاحیت رسیدگی به آن‌ها را دارند، حسب مورد، در دادگاه‌های تهران رسیدگی می‌شود.

فصل دوم - ادله اثبات در امور کیفری

مبحث اول - کلیات

ماده ۱-۱۳۲- ادله در امور کیفری که برای اثبات جرم یا نفی اتهام به آن استناد می‌شود، عبارت است از:

الف - اقرار؛

ب - شهادت؛

ج - علم قاضی که مستند به قرائن قطعی و روشن باشد؛

د - سوگند در موارد مقرر قانونی.

تبصره - قسامه که برای اثبات یا نفی کیفر قصاص و دیه معتبر است، احکام و شرایط آن، مطابق مقررات مذکور در قانون مجازات اسلامی است.

ماده ۲-۱۳۲- در مواردی که دعوای کیفری با ادله شرعی از قبیل اقرار و شهادت که موضوعیت دارند، اثبات می‌شود، قاضی به استناد آن‌ها رأی صادر می‌کند، مگر این که قاضی علم بر خلاف آن داشته باشد.

ماده ۳-۱۳۲- هرگاه اقرار یا شهادت فاقد شرایط شرعی و قانونی لازم باشد، می‌تواند به عنوان اماره قضایی مورد استناد قرار گیرد، مشروط بر این که همراه با قرائن دیگر، موجب علم قاضی شود.

ماده ۴-۱۳۲- هرگاه ادله شرعی موضوعیت داشته و نزد قضات دادسرا اقامه شده است، با استناد به این ادله، قرار جلب به دادرسی و کیفرخواست صادر می‌شود. ادله مذکور برای دادگاه نیز معتبر است، مگر این که خلاف آن ثابت شده و یا ادله معارض با آن در دادگاه اقامه شود. در هر صورت استماع مجدد اقرار یا شهادت بلامانع است.

مبحث دوم - اقرار

ماده ۵-۱۳۲- اقرار عبارت است از اعتراف شخص به این که مرتکب جرم شده است.

ماده ۶-۱۳۲- اظهارات وکیل علیه موکل و ولی و قیم علیه مولی علیه اقرار محسوب نمی‌شود.

تبصره - اقرار به ارتکاب جرم قابل توکیل نیست.

ماده ۷-۱۳۲- اقرار باید با لفظ یا نوشتن باشد و در صورت تعذر، با فعل از قبیل اشاره نیز واقع می‌شود و در هر صورت باید روشن و بدون ابهام باشد.

ماده ۸-۱۳۲- اقرار باید منجز باشد و اقرار معلق و مشروط معتبر نیست.

ماده ۹-۱۳۲- اقرار در صورتی نافذ است که اقرارکننده در حین اقرار، بالغ، عاقل، مختار و دارای قصد باشد.

ماده ۱۰-۱۳۲- اقراری که تحت اجبار، شکنجه، تهدید و یا اذیت و آزار بدنی اخذ شده باشد، فاقد ارزش و اعتبار است و دادگاه مکلف است از متهم تحقیق مجدد به عمل آورد.

ماده ۱۱-۱۳۲- اقرار شخص سفیه که حکم حجر او صادر شده است و شخص ورشکسته، نسبت به امور کیفری نافذ است، اما نسبت به ضمان مالی آن معتبر نیست.

ماده ۱۲-۱۳۲- هرگاه متهم اقرار به ارتکاب جرم کند، اقرار وی معتبر است و نوبت به ادله دیگر نمی‌رسد، مگر این که قرائن و امارات بر خلاف مفاد اقرار باشد. در این صورت دادگاه تحقیق و بررسی لازم را انجام داده و قرائن و شواهد مخالف اقرار را در رأی ذکر می‌کند.

ماده ۱۳-۱۳۲- عین اظهارات مفید اقرار در صورت مجلس درج می‌شود و متن آن قرائت شده، به امضای اقرار کننده می‌رسد و هرگاه اقرار کننده از امضاء یا اثر انگشت امتناع ورزد، تاثیری در اعتبار اقرار ندارد، مراتب امتناع یا عجز از امضاء یا اثر انگشت، باید در صورت مجلس قید و به امضای قاضی و منشی برسد.

ماده ۱۴-۱۳۲- در تمام جرائم، یک بار اقرار کافی است، مگر در جرائم زیر که نصاب آن به شرح زیر است:

الف - چهار بار در زنا، لواط، تفخیز و مساحقه؛

ب - دو بار در شرب خمر، قوادی، قذف و سرقت مستوجب حد.

تبصره ۱- برای اثبات جنبه مالی تمام جرائم، یک بار اقرار کافی است.

تبصره ۲- در مواردی که تعدد اقرار شرط است، اقرار می‌تواند در یک یا چند جلسه استماع شود.

مبحث سوم - شهادت

ماده ۱۵-۱۳۲- شهادت عبارت است از اخبار شخصی غیر از طرفین دعوا از وقوع یا عدم وقوع جرم یا امری نزد مقام قضایی.

ماده ۱۶-۱۳۲- گواهی شاهد، اعم از آنکه مفید علم باشد یا نباشد معتبر است.

ماده ۱۷-۱۳۲- در صورتی که شاهد واجد شرایط شهادت نباشد، اظهارات او استماع می‌شود. تشخیص میزان تاثیر و ارزش این اظهارات، در حدود اماره قضایی با دادگاه است.

ماده ۱۸-۱۳۲- شاهد در زمان ادای شهادت باید دارای شرایط زیر باشد:

الف - بلوغ؛

ب - عقل؛

ج - ایمان؛

د - عدالت؛

هـ - طهارت مولد؛

و - ذی نفع نبودن در موضوع؛

ز - نداشتن خصومت با طرفین یا یکی از آنان؛

ح - عدم اشتغال به تکدی و ولگردی.

تبصره ۱- شرایط موضوع این ماده باید توسط قاضی احراز شود.

تبصره ۲- در مورد شرط خصومت، هر گاه شهادت شاهد به نفع طرف باشد، پذیرفته می‌شود.

ماده ۱۹-۱۳۲- شهادت مجنون ادواری در حال افاقه پذیرفته می‌شود، مشروط به آن که تحمل شهادت نیز در حال افاقه بوده باشد.

ماده ۲۰-۱۳۲- هر گاه شاهد در زمان تحمل شهادت غیربالغ بوده، اما در زمان ادای شهادت به سن بلوغ رسیده باشد، شهادت او معتبر است.

ماده ۲۱-۱۳۲- شهادت اشخاص ساهی، فراموشکار، غافل و ابله و امثال آنان که قادر به تحمل شهادت نمی‌باشند معتبر نیست، مگر آن که قاضی بنا به دلایل و قرائن به عدم فراموشی، سهو و امثال آن در مورد شهادت اطمینان یابد.

ماده ۲۲-۱۳۲- عادل کسی است که در نظر قاضی یا شخصی که بر عدالت وی گواهی می‌دهد، اهل معصیت نباشد. شخصی که اشتهار به فسق داشته باشد، مرتکب گناه کبیره شود یا بر گناه صغیره اصرار داشته باشد، تا احراز تغییر در اعمال او و اطمینان از صلاحیت و عدالت وی، شهادتش پذیرفته نمی‌شود.

ماده ۲۳-۱۳۲- در شهادت، در صورت تعدد شهود، وحدت مشهودبه ضروری است و باید مفاد شهادت‌ها در خصوصیات موثر یکسان باشد. هر گاه اختلاف مفاد شهادت‌ها موجب تعارض شود و یا وحدت مشهودبه را مخدوش کند، شهادت محسوب نمی‌شود.

ماده ۲۴-۱۳۲- شهادت باید از روی قطع و یقین به نحوی که مبتنی بر امور حسی و از طریق متعارف باشد، ادا شود.

ماده ۲۵-۱۳۲- شهادت باید با لفظ یا نوشتن باشد و در صورت تعذر، با فعل از قبیل اشاره واقع می‌شود و در هر صورت باید روشن و بدون ابهام باشد.

ماده ۲۶-۱۳۲- چنانچه حضور شاهد متعذر باشد، گواهی به صورت مکتوب، صوتی - تصویری زنده و یا ضبط شده با فرض احراز شرایط و صحت انتساب، معتبر است.

ماده ۲۷-۱۳۲- در شهادت نباید علم بین بر خلاف مفاد آن باشد. هرگاه قرائن و امارات بر خلاف مفاد شهادت باشد، دادگاه تحقیق و بررسی لازم را انجام داده و در صورتی که بر خلاف واقع بودن شهادت احراز شود، معتبر نخواهد بود.

ماده ۲۸-۱۳۲- شهادت بر شهادت در صورتی معتبر است که شاهد اصلی فوت نموده و یا به علت غیبت، بیماری و امثال آن، حضور وی متعذر باشد.

تبصره ۱- شاهد بر شهادت شاهد اصلی باید واجد شرایط مقرر برای شاهد اصلی باشد.

تبصره ۲- شهادت بر شهادت شاهد فرع، معتبر نیست.

تبصره ۳- در صورت وجود تعارض بین دو شهادت، هیچ یک معتبر نمی‌باشند.

ماده ۲۹-۱۳۲- در صورتی که شاهد اصل، پس از اقامه شهادت توسط شهود فرع و پیش از صدور رأی، منکر شهادت شود، گواهی شاهدان فرع از اعتبار ساقط می‌شود، اما انکار پس از صدور حکم، اثری ندارد.

ماده ۳۰-۱۳۲- جرائم مستوجب حد و مجازات تعزیری و باز دارنده با شهادت بر شهادت اثبات نمی‌شود؛ اما قصاص، دیه و آثار مالی و مدنی با آن قابل اثبات است.

ماده ۳۱-۱۳۲- شاهد قابل جرح و تعدیل است. جرح شاهد عبارت است از ادعای فقدان یکی از شرایطی که ماده (۱۸-۱۳۲) این قانون برای شاهد مقرر کرده و تعدیل شاهد اثبات شرایط مذکور برای شاهد است.

ماده ۳۲-۱۳۲- دادگاه مکلف است حق جرح و تعدیل شهود را در جلسه رسیدگی به طرفین اعلام کند.

ماده ۳۳-۱۳۲- جرح شاهد باید پیش از ادای شهادت به عمل آید، مگر آن که موجبات جرح پس از شهادت معلوم شود. در این صورت، جرح تا پیش از صدور حکم به عمل می‌آید و در هر حال دادگاه مکلف است به موضوع جرح، رسیدگی و اتخاذ تصمیم کند.

ماده ۳۴-۱۳۲- در صورت رد شاهد از سوی قاضی یا جرح وی، مدعی صلاحیت شاهد می‌تواند برای اثبات آن اقامه دلیل کند.

ماده ۳۵-۱۳۲- در اثبات جرح یا تعدیل شاهد، ذکر اسباب آن لازم نیست و گواهی مطلق به تعدیل یا جرح کفایت می‌کند، مشروط بر آن که گواه دارای شرایط شاهد شرعی باشد.

تبصره - در اثبات یا نفی عدالت، علم شاهد به عدالت یا فقدان آن لازم است و حسن ظاهر به تنهایی برای احراز عدالت کافی نیست.

ماده ۳۶-۱۳۲- هرگاه گواهی شهود معرفی شده در اثبات جرح یا تعدیل شاهد با یکدیگر معارض باشد، از اعتبار ساقط است، مگر این که عدالت سابق شاهد احراز شود و علم به تغییر مجدد آن نباشد.

ماده ۳۷-۱۳۲- هرگاه دادگاه، شهود معرفی شده را واجد شرایط قانونی تشخیص دهد، شهادت را می‌پذیرد و در غیر این صورت، شهادت آنان به عنوان شهادت معتبر نمی‌باشد و اگر از وضعیت آنان اطلاع نداشته باشد، تا زمان احراز شرایط و کشف وضعیت که نباید بیش از ده روز طول بکشد، رسیدگی را متوقف و پس از آن، حسب مورد، اتخاذ تصمیم می‌کند.

ماده ۳۸-۱۳۲- حضور شاهد و مطلع در دادگاه الزامی است. چنانچه شاهد یا مطلع بدون عذر موجه در جلسه دادگاه حاضر نشود و کشف حقیقت و احقاق حق، متوقف بر شهادت شاهد یا کسب اطلاع از مطلع باشد و یا جرم با امنیت و نظم عمومی مرتبط باشد، به دستور دادگاه جلب می‌شود؛ در هر صورت رعایت حرمت شاهد یا مطلع الزامی است.

تبصره - در احضاریه شاهد موضوع ماده فوق، باید موضوع شهادت و نتیجه عدم حضور ذکر شود.
ماده ۳۹-۱۳۲- هرگاه به علت بیماری یا موانع دیگری که برای مدت طولانی یا نامعلوم، غیرقابل رفع است، حضور شاهد در جلسه دادگاه مقدور نباشد، رئیس دادگاه یا یکی دیگر از قضات عضو شعبه، با حضور نزد شاهد، اظهارات وی را استماع می‌کند.

ماده ۴۰-۱۳۲- دادگاه پیش از شروع به تحقیق از شاهد، حرمت و مجازات شهادت دروغ را به او تفهیم می‌نماید و سپس نام، نام خانوادگی، نام پدر، سن، شغل، شماره شناسنامه و کد ملی، میزان تحصیلات، مذهب، محل اقامت، شماره تلفن ثابت و همراه و سابقه محکومیت کیفری شاهد و درجه قرابت سببی یا نسبی و وجود یا عدم رابطه خادم و مخدومی او با طرفین را سوال کرده، در صورت مجلس قید می‌کند.

تبصره - رابطه خادم و مخدومی و قرابت نسبی یا سببی مانع از پذیرش شهادت نیست.

ماده ۴۱-۱۳۲- شاهد پیش از ادای شهادت باید به شرح زیر سوگند یاد کند:

”به خداوند متعال سوگند یاد می‌کنم که جز به راستی چیزی نگویم و تمام حقایق را بیان کنم.“

تبصره - در مواردی که احقاق حق متوقف بر شهادت باشد و شاهد از اتیان سوگند خودداری کند، بدون سوگند، شهادت وی استماع می‌شود و در مورد شاهد عرفی، اظهارات وی برای اطلاع بیش‌تر استماع می‌شود.

ماده ۴۲-۱۳۲- دادگاه آن دسته از ویژگی‌های جسمی و روانی شاهد را که ممکن است در ارزیابی شهادت موثر باشد، در صورت‌مجلس قید می‌کند.

ماده ۴۳-۱۳۲- دادگاه پرسش‌هایی را که برای روشن شدن موضوع و رفع اختلاف یا ابهام لازم است، از شهود و مطلعان به عمل می‌آورد.

ماده ۴۴-۱۳۲- هنگامی که دادگاه، شهادت شاهد یک طرف دعوا را استماع نمود، به طرف دیگر اعلام می‌کند چنانچه پرسش‌هایی از شاهد دارد، می‌تواند مطرح کند.

ماده ۴۵-۱۳۲- قطع کردن کلام شهود در هنگام ادای شهادت ممنوع است. هر یک از اصحاب دعوا و دادستان می‌توانند سوالات خود را با اذن دادگاه مطرح کنند.

ماده ۴۶-۱۳۲- شهود نباید پس از ادای شهادت بدون اذن دادگاه متفرق شوند.

ماده ۴۷-۱۳۲- وقت جلسه‌ای که برای استماع شهادت تعیین می‌شود، باید قبلاً به اطلاع دادستان و طرفین یا وکلای آنان برسد. حضور این اشخاص در هنگام استماع شهادت ضروری نیست، ولی می‌توانند صورت‌مجلس ادای شهادت را ملاحظه کنند.

ماده ۴۸-۱۳۲- رجوع از شهادت، موجب سلب اعتبار شهادت می‌شود و اعاده شهادت پس از رجوع از آن، مسموع نیست.

مبحث چهارم - سوگند

ماده ۴۹-۱۳۲- سوگند عبارت از گواه قرار دادن خداوند بر درستی گفتار اداکننده سوگند است.

ماده ۵۰-۱۳۲- ادا کننده سوگند باید بالغ، عاقل، قاصد و مختار باشد.

ماده ۵۱-۱۳۲- سوگند باید مطابق قرار دادگاه و با لفظ جلاله والله، بالله، تالله یا نام خداوند قادر متعال به سایر زبان‌ها ادا شود و در صورت نیاز به تغلیظ، دادگاه کیفیت ادای آن را از حیث زمان، مکان الفاظ تعیین می‌کند. در هر صورت، بین مسلمان و غیرمسلمان در ادای سوگند به نام خداوند متعال تفاوتی وجود ندارد. مراتب اتیان سوگند صورت‌مجلس می‌شود.

ماده ۵۲-۱۳۲- سوگند باید مطابق با ادعا بوده و از روی قطع و یقین ادا شود و همچنین صریح در مقصود و فاقد ابهام باشد.

ماده ۵۳-۱۳۲- سوگند باید با لفظ یا نوشتن باشد و در صورت تعذر با اشاره‌ای که روشن در مقصود باشد، ادا می‌شود.

ماده ۵۴-۱۳۲- در مواردی که اشاره، مفهوم نباشد یا قاضی به زبان شخصی که سوگند یاد می‌کند، آگاه نباشد و یا ادا کننده سوگند به علت عارضه‌ای از قبیل لکنت زبان یا لال بودن قادر به تکلم نباشد، دادگاه به وسیله مترجم یا متخصص مورد وثوق امر، مراد وی را کشف می‌کند.

ماده ۵۵-۱۳۲- تقاضای سوگند قابل توکیل است و وکیل در دعوا می‌تواند در صورتی که در وکالت‌نامه تصریح شده باشد، طرف را سوگند دهد، اما سوگند یاد کردن قابل توکیل نیست و وکیل نمی‌تواند به جای موکل سوگند یاد کند.

ماده ۵۶-۱۳۲- در مواردی که فصل خصومت یا اثبات دعوا با سوگند محقق می‌شود، هر یک از اصحاب دعوا می‌تواند از حق سوگند خود استفاده کند.

ماده ۵۷-۱۳۲- سوگند فقط نسبت به اشخاصی که طرف دعوا بوده‌اند و قائم مقام آنان موثر است.

ماده ۵۸-۱۳۲- سوگند به درخواست اصحاب دعوا، مطابق قرار دادگاه و در نزد قاضی به عمل می‌آید. در قرار دادگاه، موضوع سوگند و شخصی که باید سوگند یاد کند، تعیین می‌شود. صورت‌مجلس ادای سوگند به امضای قاضی و طرفین دعوا می‌رسد.

ماده ۵۹-۱۳۲- حدود شرعی و مجازات‌های تعزیری و بازدارنده با سوگند ثابت نمی‌شود، اما دیه، ارش و ضرر و زیان ناشی از جرایم مذکور، مطابق مقررات با سوگند ثابت می‌شود.

ماده ۶۰-۱۳۲- هرگاه در دعاوی مالی که به هر علت و سببی به ذمه تعلق می‌گیرد، مانند دیه جنایات و همچنین دعاوی که مقصود از آن مال است، مانند جنایت خطایی و شبه عمد موجب دیه، برای شاکی امکان اقامه بینه نباشد، وی می‌تواند با معرفی یک شاهد مرد یا دو شاهد زن به ضمیمه یک سوگند، ادعای خود را فقط از جنبه مالی اثبات کند.

تبصره - در موارد مذکور در این ماده، فوق ابتدا شاهد واجد شرایط شهادت می‌دهد و سپس سوگند توسط مدعی ادا می‌شود.

ماده ۶۱-۱۳۲- هرگاه شخصی که باید سوگند یاد کند، به دلیل عذر موجه، نتواند در دادگاه حاضر شود، قاضی می‌تواند وقت دیگری برای سوگند معین کند یا شخصاً نزد وی حاضر شده و در آن محل، سوگند را استماع کند و یا استماع آن را به قاضی دیگری نیابت دهد.

ماده ۶۲-۱۳۲- هرگاه پیش از صدور حکم، ثابت شود سوگند، دروغ و یا ادا کننده سوگند فاقد شرایط قانونی بوده است، به سوگند مزبور ترتیب اثر داده نمی‌شود.

مبحث پنجم - علم قاضی

ماده ۶۳-۱۳۲- علم قاضی در حق الله و حق الناس حجت است و عبارت است یقین حاصل از مستندات بین و حسی در امری که نزد قاضی مطرح است. هرگاه مستند حکم، علم قاضی است، قاضی مکلف است قرائن بین و حسی مستند علم خود را به طور صریح در حکم ذکر کند.

تبصره - مواردی از قبیل نظریه کارشناس، معاینه محل، تحقیقات محلی، اظهارات مطلع، شهادت عرفی، گزارش ضابطان و سایر قرائن و امارات می تواند مستند علم قاضی قرار گیرد.

ماده ۶۴-۱۳۲- در صورتی که علم قاضی با ادله شرعی دیگر در تعارض باشد، اگر علم حسی باقی بماند، آن ادله برای قاضی معتبر نخواهد بود و قاضی با ذکر مستندات علم خود و جهات رد ادله دیگر، رأی صادر می کند و چنانچه علم قاضی مرتفع شود، آن ادله معتبر بوده و بر اساس آنها رأی صادر می شود.

ماده ۶۵-۱۳۲- در تعارض ادله با یکدیگر، اقرار بر شهادت، قسامه و سوگند مقدم است و نیز شهادت بر دو مورد اخیر مقدم است.

فصل سوم - رسیدگی در دادگاه کیفری

مبحث اول - کیفیت شروع به رسیدگی

ماده ۱-۱۳۳- دادگاه کیفری در موارد زیر شروع به رسیدگی می کند:

الف - کیفرخواست دادستان؛

ب - قرار جلب به دادرسی توسط دادگاه؛

ج - ادعای شفاهی دادستان در دادگاه.

ماده ۲-۱۳۳- در دادگاه بخش، رییس یا دادرس علی البدل در جرایم موضوع صلاحیت این دادگاه رأساً رسیدگی و رأی صادر می کند. در این دادگاه وظیفه دادستان از حیث پژوهش خواهی از آرا بر عهده رییس دادگاه است و در مورد آرای که توسط وی صادر می شود بر عهده دادرس علی البدل است.

ماده ۳-۱۳۳- در جرائم موضوع ماده (۶-۱۳۱) این قانون، رییس دادگاه بخش به جانشینی از بازپرس و تحت نظارت و تعلیمات دادستان شهرستان مربوط، انجام وظیفه می نماید. در صورت تعدد شعب با ارجاع رییس حوزه قضایی، روسای شعب عهده دار این وظیفه هستند. هرگاه دادگاه بخش

فاقد رییس باشد، دادرس علی‌البدل به عنوان جانشین بازپرس اقدام می‌کند و در هر حال، صدور کیفرخواست بر عهده دادستان است.

ماده ۴-۱۳۳- در حوزه‌هایی که شعب متعدد دادگاه تشکیل شده، ارجاع پرونده با رییس حوزه قضایی است. رییس حوزه قضایی می‌تواند این وظیفه را به یکی از معاونان خود تفویض کند و در صورت عدم حضور آنان، ارجاع با رییس شعبه‌ای است که دارای سابقه قضایی بیش‌تر است.

ماده ۵-۱۳۳- پس از ارجاع پرونده نمی‌توان آن را از شعبه مرجوع‌الیه اخذ و به شعبه دیگر ارجاع کرد، مگر به تجویز قانون.

تبصره ۱- رعایت مفاد این ماده در مورد شعب بازپرسی، دادگاه استان و نیز شعب دیوان عالی کشور الزامی است.

تبصره ۲- تخلف از مقررات این ماده، موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است.

ماده ۶-۱۳۳- جرائمی که مجازات قانونی آنها حداکثر نود و یک روز حبس یا ده میلیون ریال جزای نقدی یا هر دو است، به طور مستقیم و بدون حضور دادستان در دادگاه مطرح می‌شود و دادگاه پس از انجام تحقیقات به ترتیب زیر اقدام می‌کند:

الف - چنانچه دادگاه خود را صالح به رسیدگی نداند، قرار عدم صلاحیت صادر می‌کند و اگر مورد را از موارد منع یا موقوفی تعقیب بداند، حسب مورد، اتخاذ تصمیم می‌کند.

ب - در غیر موارد مذکور در بند (الف)، چنانچه اصحاب دعوا حاضر باشند و درخواست مهلت نکنند، دادگاه با تشکیل جلسه رسمی، مبادرت به رسیدگی می‌کند. در صورتی که اصحاب دعوا حاضر نباشند یا برای تدارک دفاع یا تقدیم دادخواست ضرر و زیان، درخواست مهلت کنند، دادگاه با اخذ تأمین متناسب از متهم، وقت رسیدگی را تعیین و مراتب را به اصحاب دعوا و سایر اشخاصی که باید در دادگاه حاضر شوند، ابلاغ می‌کند.

ماده ۷-۱۳۳- هرگاه پرونده با کیفرخواست به دادگاه ارجاع شده باشد، دادگاه مکلف است بدون تعیین وقت رسیدگی، پرونده را بررسی و چنانچه خود را صالح به رسیدگی نداند یا مورد را از موارد منع یا موقوفی تعقیب تشخیص دهد، حسب مورد، اتخاذ تصمیم کند. همچنین در صورتی که دادگاه تحقیقات را ناقص بداند یا موارد جدیدی پس از پایان تحقیقات کشف شود که مستلزم انجام تحقیق باشد، دادگاه با ذکر دقیق موارد، تکمیل تحقیقات را از دادسرای مربوط درخواست یا راساً اقدام به تکمیل تحقیقات می‌کند. در مورد اخیر و همچنین در مواردی که پرونده به طور مستقیم در دادگاه مطرح می‌شود، انجام تحقیقات مقدماتی باید بر طبق مقررات مربوط صورت گیرد.

ماده ۸-۱۳۳- در غیر موارد مذکور در مواد (۶-۱۳۳) و (۷-۱۳۳) این قانون، دادگاه با تعیین وقت رسیدگی و ابلاغ آن به شاکی یا مدعی خصوصی، متهم، وکیل یا وکلای آنان، دادستان و سایر اشخاصی که باید در دادگاه حاضر شوند، آنان را برای شرکت در جلسه رسیدگی احضار می‌کند. تصویر کیفرخواست برای متهم فرستاده می‌شود.

ماده ۹-۱۳۳- فاصله بین ابلاغ احضاریه تا جلسه رسیدگی نباید کمتر از یک هفته باشد. هرگاه متهم عذر موجهی داشته باشد، جلسه رسیدگی به وقت مناسبی موکول می‌شود.

ماده ۱۰-۱۳۳- هرگاه ابلاغ احضاریه به علت معلوم نبودن محل اقامت متهم ممکن نباشد و به طریق دیگر نیز ابلاغ احضاریه مقدور نشود، وقت رسیدگی تعیین و مفاد احضاریه یک نوبت در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار آگهی می‌شود. تاریخ انتشار آگهی تا روز رسیدگی نباید کمتر از یک ماه باشد. چنانچه نوع اتهام با حیثیت متهم یا عفت عمومی منافی باشد در آگهی قید نمی‌شود.

ماده ۱۱-۱۳۳- هرگاه متهم بدون عذر موجه حاضر نشود و دادگاه حضور وی را لازم بداند، علت ضرورت حضور در احضاریه ذکر شده و با قید این که نتیجه عدم حضور جلب است، احضار می‌شود. هرگاه متهم بدون عذر موجه حاضر نشود و دادگاه همچنان حضور وی را ضروری بداند، برای روز و ساعت معین جلب می‌شود. چنانچه حضور متهم در دادگاه لازم نباشد و موضوع جنبه حق الهی نداشته باشد، بدون حضور وی رسیدگی و رأی مقتضی صادر می‌شود.

تبصره - چنانچه متهم دارای کفیل یا وثیقه‌گذار بوده و یا خود متهم وثیقه‌گذار باشد، مطابق ماده (۱۴-۱۲۶) این قانون، اقدام می‌شود.

ماده ۱۲-۱۳۳- در تمام امور کیفری، طرفین می‌توانند وکیل یا وکلای مدافع خود را معرفی کنند. در صورت تعدد وکیل، حضور یکی از آنان برای تشکیل دادگاه و رسیدگی کافی است.

تبصره - در غیر جرایم موضوع صلاحیت دادگاه جنایی، هر یک از طرفین می‌توانند حداکثر دو وکیل به دادگاه معرفی کنند.

ماده ۱۳-۱۳۳- متهم می‌تواند تا پایان اولین جلسه رسیدگی از دادگاه تقاضا کند وکیلی برای او تعیین شود. دادگاه در صورت احراز عدم تمکن متقاضی، از بین وکلای حوزه قضایی و در صورت عدم امکان از نزدیک‌ترین حوزه قضایی، برای متهم، وکیل تعیین خواهد نمود. در صورتی که وکیل درخواست حق الوکاله کند، دادگاه حق الوکاله او را متناسب با اقدامات انجام شده، تعیین می‌کند که در هر حال میزان حق الوکاله نباید از تعرفه قانونی تجاوز کند. حق الوکاله از محل اعتبارات قوه قضاییه پرداخت می‌شود.

تبصره - هرگاه دادگاه حضور و دفاع وکیل را برای شخص بزه‌دیده فاقد تمکن مالی ضروری بداند، طبق مفاد این ماده اقدام می‌کند.

ماده ۱۴-۱۳۳- در جرایم موضوع بندهای (الف)، (ب) و (ج) ماده (۶-۱۳۱) این قانون، جلسه رسیدگی بدون حضور وکیل متهم تشکیل نمی‌شود. چنانچه متهم شخصاً وکیل معرفی نکند یا وکیل او بدون اعلام عذر موجه در دادگاه حاضر نشود، تعیین وکیل تسخیری الزامی است و چنانچه وکیل تسخیری بدون اعلام عذر موجه در جلسه رسیدگی حاضر نشود، دادگاه ضمن عزل او، وکیل تسخیری دیگری تعیین می‌کند. حق الوکاله وکیل تسخیری از محل اعتبارات قوه قضاییه پرداخت می‌شود.

تبصره ۱- هرگاه وکیل بدون عذر موجه از حضور در دادرسی امتناع کند، دادگاه مراتب را به مرجع صالح به منظور تعقیب وکیل متخلف اعلام می‌دارد.

تبصره ۲- هرگاه پس از تعیین وکیل تسخیری، متهم، وکیل انتخابی به دادگاه معرفی کند، وکالت تسخیری منتفی می‌شود.

تبصره ۳- تقاضای تغییر وکیل تسخیری از سوی متهم فقط برای یک بار قابل پذیرش است.

ماده ۱۵-۱۳۳- وجود یکی از جهات رد دادرس بین وکیل تسخیری با طرف مقابل، شرکاء و معاونان جرم یا وکلای آنان موجب ممنوعیت از انجام وکالت در آن پرونده است.

ماده ۱۶-۱۳۳- در صورتی که متهم دارای وکیل باشد، جز در جرائم موضوع بندهای (الف)، (ب) و (ج) ماده (۶-۱۳۱) این قانون و نیز در مواردی که دادگاه حضور متهم را لازم تشخیص داده باشد، عدم حضور متهم در جلسه دادگاه مانع از رسیدگی نیست.

ماده ۱۷-۱۳۳- شاکی یا مدعی خصوصی و متهم یا وکلای آنان می‌توانند با مراجعه به دادگاه و مطالعه پرونده، اطلاعات لازم را تحصیل و با موافقت دادگاه به هزینه خود از اوراق مورد نیاز تصویر تهیه کنند.

تبصره - دادن تصویر از اسناد طبقه‌بندی شده و اسناد حاوی مطالب مربوط به تحقیقات جرایم منافی عفت و جرایم علیه امنیت داخلی یا خارجی ممنوع است.

ماده ۱۸-۱۳۳- محاکمات دادگاه علنی است، مگر در جرایم قابل گذشت که طرفین یا شاکی، غیرعلنی بودن محاکمه را درخواست کنند. همچنین دادگاه پس از اظهار عقیده دادستان، قرار غیرعلنی بودن محاکم را در موارد زیر صادر می‌کند:

الف - امور خانوادگی و جرائمی که منافی عفت یا خلاف اخلاق حسنه است؛

ب - هرگاه علنی بودن، مخل امنیت عمومی یا احساسات مذهبی یا قومی باشد.
تبصره - منظور از علنی بودن محاکمه، عدم ایجاد مانع برای حضور افراد در جلسات رسیدگی است. خبرنگاران رسانه‌ها می‌توانند با حضور در دادگاه از جریان رسیدگی گزارش مکتوب تهیه و آن را بدون ذکر نام یا مشخصات شاکی و متهم که معرف هویت فردی یا موقعیت اداری و اجتماعی آنان باشد، منتشر کنند. تخلف از حکم قسمت اخیر این تبصره در حکم افترا است. هر گونه عکسبرداری و یا فیلمبرداری از جلسه دادگاه ممنوع است، اما رییس دادگاه می‌تواند دستور دهد تمام یا بخشی از محاکمات تحت نظارت او ضبط صوتی یا تصویری شود.

ماده ۱۹-۱۳۳- اخلال در نظم دادگاه از طرف متهم یا سایر اشخاص، موجب غیرعلنی شدن محاکمه نمی‌شود، بلکه باید به گونه مقتضی نظم برقرار شود. رییس دادگاه می‌تواند دستور اخراج کسانی را که باعث اخلال در نظم دادگاه می‌شوند، صادر کند، مگر این که اخلال کننده از اصحاب دعوا یا وکلای آنان باشد که در این صورت رییس دادگاه دستور حبس آنان را از یک تا پنج روز صادر می‌کند. این دستور پس از جلسه رسیدگی فوری اجرا می‌شود. چنانچه اعمال ارتكابی، واجد وصف کیفری باشد، اجرای مفاد این ماده، مانع از اعمال مجازات مقررات قانونی نخواهد بود. دادگاه پیش از شروع به رسیدگی، مفاد این ماده را به اشخاصی که در جلسه دادگاه حضور دارند، تذکر می‌دهد.

ماده ۲۰-۱۳۳- حضور افراد کمتر از هیجده سال تمام شمسی به عنوان تماشاچی در محاکمات کیفری ممنوع است، مگر به تشخیص دادگاه.

ماده ۲۱-۱۳۳- در صورتی که متهم بازداشت باشد آزادانه و تحت مراقبت لازم در جلسه دادگاه حضور می‌یابد.

مبحث دوم - ترتیب رسیدگی

ماده ۲۲-۱۳۳- دادگاه پس از تشکیل جلسه و اعلام رسمی بودن آن، ابتدا در مورد متهم به شرح مواد (۲۶-۱۲۵) و (۲۷-۱۲۵) این قانون و سپس به دیگر اشخاصی که در دادرسی شرکت دارند، اخطار می‌کند در موقع محاکمه بر خلاف حقیقت و وجدان و قوانین و ادب و نزاکت سخن نگویند، آن گاه رسیدگی را شروع می‌کند.

ماده ۲۳-۱۳۳- رسیدگی در دادگاه به صورت ترافعی و به ترتیب زیر انجام می‌شود:

- الف - قرائت کیفرخواست توسط منشی دادگاه یا استماع عقیده دادستان یا نماینده وی در مواردی که طبق قانون، پرونده با بیان ادعای شفاهی در دادگاه مطرح شده است؛
- ب - استماع اظهارات دادستان یا نماینده وی جهت ارائه دلیل برای اثبات اتهام انتسابی؛
- ج - استماع اظهارات شاکی یا مدعی خصوصی و وکلای آنان؛
- د - پرسش از متهم راجع به این که اتهام انتسابی را قبول دارد یا نه و استماع مدافعات متهم و وکیل او؛ پاسخ متهم عیناً در صورت مجلس قید می‌شود.
- ه - در صورت انکار یا سکوت متهم یا وجود تردید در صحت اقرار، شروع به تحقیقات و استماع اظهارات شهود، کارشناس و اهل خبره‌ای که دادستان یا شاکی یا مدعی خصوصی، متهم و یا وکیل آنان معرفی می‌کنند.
- و - بررسی وسایل ارتکاب جرم و رسیدگی به سایر ادله ابرازی از ناحیه طرفین و انجام هر نوع تحقیق و اقدام که دادگاه برای کشف واقع، ضروری تشخیص می‌دهد.
- ماده ۲۴-۱۳۳- هرگاه متهم به طور صریح اقرار به ارتکاب جرم کند، به طوری که هیچ گونه شک و شبهه‌ای در آن نبوده و نیز تردیدی در اختیاری بودن آن نباشد، دادگاه به استناد اقرار رأی صادر می‌کند.
- ماده ۲۵-۱۳۳- دادگاه باید خلاصه اظهارات دادستان یا نماینده وی و طرفین، عین اظهارات یک طرف که مورد استناد طرف دیگر است و همچنین عین اظهارات شهود، کارشناس و اهل خبره را در صورت مجلس درج کند.
- ماده ۲۶-۱۳۳- دادگاه علاوه بر رسیدگی به ادله مندرج در کیفرخواست یا ادله مورد استناد طرفین هر گونه تحقیق یا اقدامی را که برای کشف حقیقت لازم باشد، انجام می‌دهد. هرگاه دادگاه احراز کند که استناد به ادله در اثبات موضوع و تصمیم نهایی موثر نیست، به نحو مستدل از رسیدگی به آن خودداری می‌کند.
- تبصره - دادگاه تحقیقات مذکور در این ماده را با قید جهت ضرورت آن، حداکثر ظرف سه ماه انجام خواهد داد.
- ماده ۲۷-۱۳۳- هرگاه در حین رسیدگی جرم دیگری کشف شود که بدون شکایت شاکی قابل تعقیب باشد، دادگاه بدون ایجاد وقفه در جریان رسیدگی، حسب مورد، موضوع را به دادستان یا رییس حوزه قضایی مربوط اعلام می‌کند.
- ماده ۲۸-۱۳۳- در پرونده‌ای که دارای متهمین متعدد است و همه در دادگاه حاضرند، تحقیقات از مباشر یا مباشرین شروع می‌شود.

ماده ۲۹-۱۳۳- هرگاه در پرونده‌ای متهمان، متعدد باشند و یا متهم اصلی، شریک و معاون داشته باشد، حتی اگر به یک یا چند نفر از آنان دسترسی نباشد، دادگاه مکلف به رسیدگی و صدور رأی است، مگر این که رسیدگی غیابی جایز نباشد و یا نسبت به برخی از متهمان به هر دلیل نتوان رأی صادر کرد. در این صورت، دادگاه پرونده را نسبت به این متهمان مفتوح نگه می‌دارد.

ماده ۳۰-۱۳۳- هرگاه رسیدگی به اتهامات متعدد متهم موجب طولانی شدن جریان دادرسی باشد، دادگاه در مورد اتهاماتی که تحقیقات آنها کامل است مبادرت به صدور رأی می‌نماید.

ماده ۳۱-۱۳۳- دادگاه برای شاکی، مدعی خصوصی، متهم و شاهدی که قادر به سخن گفتن به زبان فارسی نباشد، مترجم مورد وثوق تعیین می‌کند. مترجم باید سوگند یاد کند که راستگویی و امانتداری را رعایت کند.

ماده ۳۲-۱۳۳- دادگاه برای شاکی، مدعی خصوصی و متهم و شاهدی که ناشنوا است یا قدرت تکلم ندارد، فرد مورد وثوقی که توانایی بیان مقصود او را از طریق اشاره یا وسایل فنی دیگر دارد، به عنوان مترجم انتخاب می‌کند. چنانچه افراد مذکور قادر به نوشتن باشند، منشی دادگاه سوال را برای آنان می‌نویسد تا به طور کتبی پاسخ دهند.

ماده ۳۳-۱۳۳- پس از شروع محاکمه توسط دادگاه، محاکمه تا صدور حکم متوقف نمی‌شود و چنانچه محاکمه به طول انجامد، به قدر لزوم تنفس داده می‌شود.

ماده ۳۴-۱۳۳- چنانچه دادگاه در جریان رسیدگی، متوجه شود متهم حین ارتکاب جرم مجنون بوده است، تحقیقات لازم را از نزدیکان او و سایر مطلعان به عمل آورده، نظریه پزشکی قانونی را تحصیل می‌کند و با احراز جنون، نسبت به اصل اتهام مبادرت به صدور قرار موقوفی تعقیب نموده و با رعایت اقدامات تأمینی و تربیتی نسبت به متهم اتخاذ تصمیم می‌نماید.

ماده ۳۵-۱۳۳- قبل از ختم دادرسی، چنانچه شاکی یا مدعی خصوصی راجع به موضوع شکایت، مطلب جدیدی داشته باشد، استماع می‌شود و دادستان یا نماینده وی نیز می‌تواند عقیده خود را اظهار کند. دادگاه مکلف است پیش از اعلام ختم دادرسی، به متهم یا وکیل او اجازه دهد که آخرین دفاع خود را بیان کند. هرگاه متهم یا وکیل وی در آخرین دفاع مطلبی اظهار کند که در کشف حقیقت موثر باشد، دادگاه مکلف به رسیدگی است.

ماده ۳۶-۱۳۳- قاضی دادگاه نباید پیش از اتمام رسیدگی و اعلام رأی، در خصوص برائت یا مجرمیت متهم اظهار عقیده کند.

ماده ۳۷-۱۳۳- دادگاه پس از اعلام ختم رسیدگی، حق وصول لوایح و اسناد و مدارک جدید را ندارد.

مبحث سوم - صدور رأی

ماده ۳۸-۱۳۳- دادگاه پس از اعلام ختم دادرسی با استعانت از خداوند متعال، با تکیه بر شرف و وجدان و توجه به محتویات پرونده و ادله موجود، در صورت امکان در همان جلسه و در غیر این صورت در اولین فرصت و حداکثر ظرف یک هفته مبادرت به انشای رأی می کند. رأی دادگاه باید مستدل و موجه بوده، مستند به مواد قانون و اصولی باشد که بر اساس آن صادر شده است. تخلف از صدور رأی در مهلت مقرر موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است.

ماده ۳۹-۱۳۳- دادگاه باید در رأی، حضوری یا غیابی بودن و قابلیت وخواهی، پژوهش و یا فرجام و مهلت و مرجع آن را قید کند. اگر رأی قابل وخواهی، پژوهش یا فرجام باشد و دادگاه آن را غیرقابل وخواهی، پژوهش یا فرجام اعلام کند این امر، مانع وخواهی، پژوهش یا فرجام خواهی نیست.

ماده ۴۰-۱۳۳- هرگاه رأی بر برائت، منع یا موقوفی تعقیب و یا تعلیق اجرای مجازات صادر شود و متهم در بازداشت باشد، به دستور دادگاه فوری آزاد می شود.

ماده ۴۱-۱۳۳- هرگاه متهم با صدور قرار تأمین در بازداشت باشد و به موجب حکم غیرقطعی به حبس، شلاق تعزیری یا جزای نقدی محکوم شود، مقام قضایی که پرونده تحت نظر او می باشد باید با رعایت مقررات این قانون و با احتساب ایام بازداشت قبلی، مراتب را به زندان اعلام کند تا وی بیش از میزان محکومیت در زندان نماند.

ماده ۴۲-۱۳۳- رأی دادگاه باید حداکثر ظرف سه روز از تاریخ انشاء، پاک نویس یا تایپ و امضاء و ابلاغ شود. این رأی که "دادنامه" خوانده می شود با نام خداوند متعال شروع و موارد زیر در آن درج می شود و به امضای دادرس یا دادرسان رسیده، مهر می شود:

الف - شماره پرونده، شماره و تاریخ دادنامه و تاریخ صدور رأی؛

ب - مشخصات دادگاه و قاضی یا قضات صادرکننده رأی و سمت وی؛

ج - مشخصات طرفین دعوا و وکلای آنان؛

د - گردش کار و متن کامل رأی.

ماده ۴۳-۱۳۳- پیش از امضای دادنامه، اعلام مفاد و تسلیم رونوشت یا تصویر آن ممنوع است. متخلف از این امر، حسب مورد، به موجب حکم دادگاه انتظامی قضات یا هیئت رسیدگی به تخلفات اداری به سه ماه تا یک سال انفصال از خدمات دولتی محکوم می‌شود.

ماده ۴۴-۱۳۳- دادنامه به طرفین، وکیل آنان و دادستان ابلاغ می‌شود و در صورتی که رأی دادگاه به صورت حضوری به طرفین ابلاغ شود، دادن رونوشت یا تصویر مصدق به آنان الزامی است. در این صورت، ابلاغ مجدد ضرورت نخواهد داشت.

ماده ۴۵-۱۳۳- هرگاه در تنظیم و نوشتن رأی دادگاه، سهو قلمی مانند کم یا زیاد شدن کلمه‌های رخ داده و یا اشتباهی در محاسبه صورت گرفته باشد، چنانچه رأی قطعی باشد یا به علت عدم پژوهش خواهی و انقضای مواعد قانونی، قطعی شده یا هنوز از آن پژوهش خواهی نشده باشد، دادگاه رأساً یا به درخواست ذی‌نفع یا دادستان، رأی تصحیحی صادر می‌کند. رأی تصحیحی به انضمام رأی اصلی نیز ابلاغ می‌شود. تسلیم رونوشت یا تصویر هر یک از آراء جداگانه ممنوع است. رأی دادگاه در قسمتی که مورد اشتباه نبوده، در صورت قطعیت اجراء می‌شود.

فصل چهارم - رسیدگی در دادگاه جنایی

مبحث اول - مقدمات رسیدگی

ماده ۱-۱۳۴- دادگاه جنایی فقط در صورت صدور کیفرخواست و در حدود آن مبادرت به رسیدگی و صدور رأی می‌کند، مگر در جرایمی که مطابق قانون لزوماً به طور مستقیم و در دادگاه جنایی مورد رسیدگی واقع می‌شوند. در این صورت، انجام تحقیقات مقدماتی مطابق مقررات برعهده دادگاه جنایی خواهد بود.

ماده ۲-۱۳۴- در مواردی که پرونده به طور مستقیم در دادگاه جنایی رسیدگی می‌شود، پس از پایان تحقیقات مقدماتی، چنانچه عمل انتسابی جرم محسوب نشود، ادله کافی برای انتساب جرم به متهم وجود نداشته باشد و یا به جهات قانونی دیگر متهم قابل تعقیب نباشد، دادگاه حسب مورد، قرار منع یا موقوفی تعقیب و یا حکم برائت صادر می‌کند و در غیر این صورت قرار رسیدگی صادر می‌کند.

ماده ۳-۱۳۴- پس از ارجاع پرونده به دادگاه جنایی، در جرایم موضوع بندهای (الف)، (ب) و (ج) ماده (۶-۱۳۱) این قانون و یا پس از صدور قرار رسیدگی در مواردی که پرونده به طور مستقیم در دادگاه جنایی رسیدگی می‌شود، هرگاه متهم وکیل معرفی نکرده باشد، مدیر دفتر دادگاه ظرف پنج

روز به او اخطار می‌کند که وکیل خود را حداکثر تا ده روز پس از ابلاغ به دادگاه معرفی کند. چنانچه متهم وکیل خود را معرفی نکند، مدیر دفتر، پرونده را نزد رییس دادگاه ارسال می‌کند تا طبق مقررات نسبت به تعیین وکیل تسخیری برای متهم اقدام شود. رییس دادگاه می‌تواند به متهم اجازه دهد که یکی از اقربای خود را برای مشورت انتخاب کند. مشاور حق دخالت در محاکمه را ندارد.

ماده ۴-۱۳۴- هریک از طرفین می‌توانند حداکثر سه وکیل به دادگاه معرفی کنند. استعفای وکیل تسخیری یا انتخابی یا عزل وکیل پس از تشکیل جلسه دادرسی پذیرفته نمی‌شود.

ماده ۵-۱۳۴- در صورتی که هریک از اصحاب دعوا دارای وکلای متعدد باشد، حضور یکی از آنان برای تشکیل جلسه دادگاه کافی است.

ماده ۶-۱۳۴- پس از تعیین وکیل، مدیر دفتر بلافاصله به متهم و وکیل او حسب مورد، به شاکی یا مدعی خصوصی یا وکیل آنان اخطار می‌کند تا تمام ایرادها و اعتراض‌های خود را ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ تسلیم کنند. تجدید مهلت به تقاضای متهم یا وکیل او برای یک نوبت و به مدت ده روز از تاریخ اتمام مهلت قبلی، به تشخیص دادگاه بلامانع است.

ماده ۷-۱۳۴- متهم و شاکی یا مدعی خصوصی یا وکلای آنان باید تمام ایرادها و اعتراض‌های خود از قبیل مرور زمان، عدم صلاحیت، رد دادرسی یا قابل تعقیب نبودن عمل انتسابی، نقص تحقیقات و لزوم رسیدگی به ادله دیگر یا ادله جدید و کافی نبودن ادله را ظرف مهلت مقرر به دفتر دادگاه تسلیم کنند. پس از اتمام مدت مذکور، هیچ ایرادی از طرف اشخاص مزبور پذیرفته نمی‌شود، مگر آنکه جهت ایراد پس از مهلت حادث شود. در هر حال، طرح پرونده در جلسه مقدماتی دادگاه، پیش از اتمام مهلت ممنوع است.

ماده ۸-۱۳۴- پس از اتمام مهلت اعم از آنکه ایراد و اعتراضی واصل شده یا نشده باشد، مدیر دفتر، پرونده را به دادگاه ارسال می‌کند. رییس دادگاه، پرونده را شخصاً بررسی و گزارش جامع آنرا تنظیم و یا به نوبت به یکی از اعضای دادگاه ارجاع می‌کند. عضو مذکور حداکثر ظرف ده روز، گزارش مبسوط راجع به اتهام و ادله و جریان پرونده را تهیه و تقدیم رییس می‌کند. دادگاه به محض وصول گزارش، جلسه مقدماتی اداری را تشکیل می‌دهد و با توجه به مفاد گزارش و اوراق پرونده و ایرادها و اعتراض‌های اصحاب دعوا به شرح زیر اقدام می‌کند:

الف - در صورتی که تحقیقات ناقص باشد، قرار رفع نقص صادر می‌کند و پرونده را نزد دادسرای صادرکننده کیفرخواست می‌فرستد تا پس از انجام دستور دادگاه، آن را بدون اظهار نظر اعاده کند.

ب - هرگاه موضوع اتهام، خارج از صلاحیت دادگاه باشد، قرار عدم صلاحیت صادر می‌کند.

ج - در صورتی که به دلیل شمول مرور زمان، گذشت شاکی یا مدعی خصوصی و یا جهات قانونی دیگر، متهم قابل تعقیب نباشد، حسب مورد قرار موقوفی یا منع تعقیب صادر می‌کند. در این صورت چنانچه متهم زندانی باشد به دستور دادگاه، فوری آزاد می‌شود.

تبصره - دادگاه می‌تواند در صورت ضرورت، دادستان یا نماینده او، شاکی یا مدعی خصوصی یا متهم و یا وکلای آنان را برای حضور در جلسه مقدمات دعوت کند.

ماده ۹-۱۳۴- قرار عدم صلاحیت از طرف دادستان و قرارهای مذکور در بند (ج) ماده قبل از طرف دادستان و شاکی یا مدعی خصوصی قابل پژوهش است. در صورت نقض این قرار، پرونده برای طرح مجدد در جلسه مقدماتی و انجام سایر وظایف به دادگاه جنایی اعاده می‌شود.

ماده ۱۰-۱۳۴- هرگاه دادگاه در جلسه مقدماتی، پرونده را کامل و قابل طرح برای دادرسی تشخیص دهد، بلافاصله دستور تعیین وقت رسیدگی و احضار تمام اشخاصی را که حضورشان ضروری است، صادر می‌کند.

تبصره - چنانچه در جرایم موضوع بندهای (الف)، (ب) و (ج) ماده (۶-۱۳۱) این قانون، دادگاه جلب بدون احضار متهم را برای محاکمه لازم بداند، دستور جلب وی را برای روز محاکمه صادر می‌کند.

ماده ۱۱-۱۳۴- مدیر دفتر دادگاه مکلف است پس از وصول پرونده به دفتر، حداکثر ظرف دو روز، وقت رسیدگی تعیین و مطابق دستور دادگاه اقدام کند.

ماده ۱۲-۱۳۴- در هر مورد که دادگاه باید با حضور هیئت منصفه تشکیل شود، اعضای هیئت منصفه نیز طبق مقررات دعوت می‌شوند.

ماده ۱۳-۱۳۴- هرگاه متهم متواری باشد یا دسترسی به وی امکان نداشته باشد و احضار و جلب او برای تعیین وکیل یا انجام تشریفات راجع به تشکیل جلسه مقدماتی یا دادرسی مقدور نباشد و دادگاه حضور متهم را برای دادرسی ضروری تشخیص ندهد، مبادرت به تشکیل جلسه مقدماتی کرده، در غیاب متهم، اقدام به رسیدگی می‌کند، مگر آنکه دادستان حضور متهم را ممکن بداند و از دادگاه، اعاده پرونده را برای احضار و جلب او درخواست کند.

تبصره ۱- در هر مورد که دادگاه بخواهد رسیدگی غیابی کند، باید قبلاً قرار رسیدگی غیابی صادر کند. در این قرار، موضوع اتهام و وقت دادرسی و نتیجه عدم حضور قید و مراتب دو نوبت به فاصله ده روز در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار آگهی می‌شود. فاصله بین آخرین آگهی و وقت دادرسی نباید کمتر از یک ماه باشد.

تبصره ۲- هرگاه متهمان متعدد و بعضی از آنان متواری باشند، دادگاه نسبت به متهمان حاضر شروع به رسیدگی کرده، در مورد غایبان به ترتیب فوق رسیدگی می‌کند.

تبصره ۳- هرگاه متهم در جلسه رسیدگی حاضر بوده و در فاصله تنفس یا هنگام دادرسی بدون عذر موجه غایب شود، دادگاه رسیدگی را ادامه می‌دهد. در این صورت حکمی که صادر می‌شود، حضوری است.

مبحث دوم - ترتیب رسیدگی

ماده ۱۴-۱۳۴- در دادگاه جنایی و نیز در تمام مواردی که رسیدگی مرجع قضایی با قضات متعدد پیش‌بینی شده، رسمیت جلسه با حضور همه اعضاء و صدور رأی به وسیله اکثریت آنان امکان‌پذیر است. نظر اقلیت باید به طور مستدل در پرونده درج شود.

ماده ۱۵-۱۳۴- رئیس دادگاه پس از تشکیل جلسه و اعلام رسمی بودن آن، ابتدا در مورد متهم به شرح مواد (۲۶-۱۲۵) و (۲۷-۱۲۵) این قانون اقدام و به وی اخطار می‌کند در موقع محاکمه مواظب گفتار خود باشد و سپس به دیگر اشخاصی که در محاکمه شرکت دارند نیز اخطار می‌کند مطالبی برخلاف حقیقت و وجدان و قوانین و ادب اظهار نکنند. پس از آن دادستان یا نماینده او کیفرخواست و منشی دادگاه، دادخواست مدعی خصوصی را قرائت می‌کند. سپس رئیس دادگاه موضوع اتهام و تمام ادله آن را به متهم تفهیم و شروع به رسیدگی می‌کند.

ماده ۱۶-۱۳۴- ترتیب رسیدگی در دادگاه جنایی همان است که در ماده (۲۳-۱۳۳) این قانون مقرر شده است.

ماده ۱۷-۱۳۴- دادگاه باید خلاصه اظهارات دادستان یا نماینده او، طرفین دعوا و وکلای آنان، عین اظهارات یک طرف که مورد استناد طرف دیگر باشد و همچنین عین اظهارات شهود، کارشناس و اهل خبره را در صورت مجلس درج کند و به امضای آنان برسد.

ماده ۱۸-۱۳۴- سایر قضات دادگاه جنایی می‌توانند با اجازه رئیس دادگاه از طرفین و وکلای آنان شهود، اهل خبره و دادستان پرسش کنند.

ماده ۱۹-۱۳۴- هرگاه دادستان، متهم، شاکی یا مدعی خصوصی و وکلای آنان تحقیق از اشخاص حاضر در دادگاه را درخواست کنند، دادگاه در صورت ضرورت از آنان تحقیق می‌کند، هرچند قبلاً احضار نشده باشند.

ماده ۲۰-۱۳۴- پس از رعایت ترتیب مقرر در ماده (۲۲-۱۳۳) این قانون، هرگاه دادستان مجدداً اجازه صحبت بخواهد، به متهم یا شاکی یا مدعی خصوصی یا وکلای آنان نیز اجازه داده می‌شود. پیش از اعلام ختم رسیدگی، رییس دادگاه یک بار دیگر به متهم یا وکیل او اجازه صحبت داده، آخرین دفاع را از متهم یا وکیل وی اخذ و سپس رسیدگی را ختم می‌کند. هرگاه متهم یا وکیل وی در آخرین دفاع، مطلبی اظهار کند که در کشف حقیقت مؤثر باشد، دادگاه مکلف به رسیدگی است.

ماده ۲۱-۱۳۴- محاکمات دادگاه جنایی، ضبط صوتی و در صورت تشخیص دادگاه، ضبط تصویری نیز می‌شود. انتشار آن‌ها ممنوع و استفاده از آن‌ها نیز منوط به اجازه دادگاه است.

ماده ۲۲-۱۳۴- در مواردی که به جرایم موضوع صلاحیت دادگاه جنایی در خارج از حوزه قضایی محل وقوع جرم رسیدگی می‌شود، تمام وظایف و اختیارات دادرسی، از جمله شرکت در جلسه محاکمه و دفاع از کیفرخواست برعهده دادرسی محل وقوع جرم است.

ماده ۲۳-۱۳۴- هرگاه شخصی متهم به ارتکاب جرایم متعددی باشد که رسیدگی به بعضی از آنها در صلاحیت دادگاه جنایی و رسیدگی به بعضی دیگر در صلاحیت دادگاه کیفری عمومی و یا اطفال و نوجوانان است، به تمام جرایم او در دادگاه جنایی رسیدگی می‌شود.

تبصره - در صورتی که دادگاه جنایی حسب مقررات این ماده، به جرایم موضوع صلاحیت دادگاه اطفال و نوجوانان رسیدگی کند، رعایت مقررات مربوط به رسیدگی به جرایم اطفال و نوجوانان الزامی است.

مبحث سوم - صدور رأی

ماده ۲۴-۱۳۴- دادگاه جنایی پس از شروع به رسیدگی نمی‌تواند قرار عدم صلاحیت صادر کند و به هر حال باید رأی خود را در ماهیت قضیه صادر کند.

ماده ۲۵-۱۳۴- اعضای دادگاه پس از اعلام ختم رسیدگی با استعانت از خداوند متعال، تکیه بر شرف و وجدان و توجه به محتویات پرونده مشاوره کرده، در همان جلسه مبادرت به صدور رأی می‌کنند. در صورتی که بین اعضای دادگاه اتفاق نظر حاصل نشود رأی اکثریت معتبر است. انشای رأی به عهده رییس دادگاه است، مگر آن که وی جزء اکثریت نباشد که در این صورت، عضوی که سابقه قضایی بیشتر دارد، رأی را انشا می‌کند. پس از صدور رأی، بلافاصله جلسه علنی دادگاه با حضور متهم یا وکیل او و دادستان یا نماینده او و شاکی تشکیل و رأی توسط منشی دادگاه با

صدای رسا قرائت و مفاد آن توسط رییس به متهم تفهیم می‌شود. هرگاه رأی بر براءت یا تعلیق اجرای مجازات باشد، متهم به دستور دادگاه فوری آزاد می‌شود. تبصره - پس از ختم رسیدگی، اعضای دادگاه تا صدور رأی و اعلام آن در جلسه علنی نباید متفرق شوند. این حکم در مورد اعضای هیئت منصفه نیز جاری است. ماده ۲۶-۱۳۴- سایر ترتیبات رسیدگی در دادگاه جنایی همان است که برای سایر دادگاههای کیفری مقرر گردیده است.

مبحث چهارم - رأی غیابی و واخواهی

ماده ۲۷-۱۳۴- در تمام جرائم، به استثنای جرائمی که صرفاً جنبه حق الهی دارند، هرگاه متهم یا وکیل او در هیچ یک از جلسات دادگاه حاضر نشده یا لایحه دفاعیه نفرستاده باشد، دادگاه پس از رسیدگی، رأی غیابی صادر می‌کند. در این صورت، چنانچه رأی دادگاه مبنی بر محکومیت متهم باشد، ظرف بیست روز از تاریخ ابلاغ واقعی، قابل واخواهی در همان دادگاه است و پس از انقضای مهلت واخواهی برابر مقررات قابل پژوهش است. مهلت واخواهی برای اشخاص مقیم خارج از کشور، دو ماه است.

تبصره ۱- حکم غیابی که ظرف مهلت مقرر از آن واخواهی نشده، پس از انقضای مهلت های واخواهی و پژوهش به اجرا گذاشته می‌شود. هرگاه حکم دادگاه ابلاغ واقعی نشده باشد، محکوم علیه می‌تواند ظرف بیست روز از تاریخ اطلاع واخواهی کند که در این صورت، اجرای رأی، متوقف و متهم تحت الحفظ به همراه پرونده به دادگاه صادرکننده حکم اعزامی می‌شود. این دادگاه در صورت اقتضاء نسبت به اخذ تأمین یا تجدیدنظر در تأمین قبلی اقدام می‌کند.

تبصره ۲- در جرایمی که فقط جنبه حق الهی دارند، هرگاه محتویات پرونده، مجرمیت متهم را اثبات نکند و تحقیق از متهم ضروری نباشد، دادگاه می‌تواند بدون حضور متهم، رأی بر براءت او صادر کند.

ماده ۲۸-۱۳۴- دادگاه پس از واخواهی، ادله و مدافعات واخواه را بررسی می‌کند و چنانچه آنها را مؤثر در رأی تشخیص ندهد و یا بررسی مدارک و مدافعات را مستلزم تحقیق بیشتر نداند، بدون تعیین وقت رسیدگی، اتخاذ تصمیم می‌کند و در غیر این صورت، با تعیین وقت رسیدگی، طرفین را دعوت می‌کند. در این صورت، عدم حضور طرفین یا وکلای آنان یا هر یک از آنان مانع رسیدگی نخواهد بود.

فصل پنجم - احاله

ماده ۱-۱۳۵- در هر مرحله از رسیدگی کیفری، احاله امر از یک حوزه قضایی به حوزه قضایی دیگر یک استان، حسب مورد، به درخواست دادستان یا رییس حوزه قضایی و موافقت شعبه اول دادگاه استان و از حوزه قضایی یک استان دیگر به تقاضای همان اشخاص و موافقت دیوان عالی کشور صورت می گیرد.

ماده ۲-۱۳۵- احاله رسیدگی در موارد زیر صورت می گیرد:

الف - بیشتر متهمان در حوزه دادگاه دیگری اقامت داشته باشند؛

ب - محل وقوع جرم از دادگاه صالح دور باشد، به نحوی که دادگاه دیگر به علت نزدیکی بودن به محل وقوع آن بهتر بتواند رسیدگی کند.

ماده ۳-۱۳۵- علاوه بر موارد مذکور در ماده قبل، به منظور حفظ نظم و امنیت عمومی، بنا به پیشنهاد رییس قوه قضاییه یا دادستان کل کشور یا دادستان شهرستان مرکز استان و موافقت دیوان عالی کشور، رسیدگی به حوزه قضایی دیگر احاله می شود.

فصل ششم - رد دادرس

ماده ۱-۱۳۶- دادرس در موارد زیر باید از رسیدگی امتناع کند و طرفین دعوا نیز می توانند در این موارد ایراد رد کنند:

الف - وجود قرابت نسبی یا سببی تا درجه سوم از هر طبقه بین دادرس و یکی از طرفین دعوا یا شریک یا معاون جرم؛

ب - دادرس قیم یا مخدوم یکی از طرفین دعوا باشد یا یکی از طرفین مباشر امور دادرس یا امور همسر وی باشد؛

ج - دادرس، همسر و یا فرزند او وارث یکی از طرفین دعوا یا شریک یا معاون جرم باشند؛

د - دادرس در همان امر کیفری قبلاً تحت هر عنوان یا سمتی اظهارنظر صریح ماهوی کرده یا شاهد یکی از طرفین بوده باشد؛

ه - بین دادرس، پدر و مادر، همسر و یا فرزند او و یکی از طرفین دعوا یا پدر و مادر، همسر و یا فرزند او دعوای حقوقی یا کیفری مطرح باشد یا در سابق مطرح بوده و از تاریخ صدور رأی قطعی، بیش از دو سال نگذشته باشد؛

و - دادرس، همسر و یا فرزند او نفع شخصی در موضوع مطروح داشته باشند.

تبصره - طرح دعوای حقوقی و شکایت انتظامی پس از ارجاع امر کیفری به دادرس از جهات رد محسوب نمی‌شود.

ماده ۲-۱۳۶- ایراد رد باید تا قبل از صدور رأی به عمل آید. هرگاه دادرس آن را بپذیرد، از رسیدگی امتناع می‌کند و رسیدگی به دادرس علی البدل یا شعبه دیگر ارجاع می‌شود. در صورت نبودن دادرس علی البدل یا شعبه دیگر، پرونده برای رسیدگی به نزدیکترین مرجع قضایی همعرض فرستاده می‌شود.

ماده ۳-۱۳۶- هرگاه دادرس ایراد رد را قبول نکند، مکلف است ظرف سه روز قرار لازم صادر کرده، به رسیدگی ادامه دهد. این قرار به نحو مستقل قابل اعتراض نیست، اما مدعی رد می‌تواند ضمن تقاضای پژوهش از اصل رأی، نسبت به آن نیز اعتراض و درخواست رسیدگی کند.

ماده ۴-۱۳۶- قضات دادسرا نیز باید در صورت وجود جهات رد دادرس، از رسیدگی امتناع نکنند. شاکی، مدعی خصوصی یا متهم نیز می‌توانند دادستان یا بازپرس را رد و مراتب را به صورت کتبی به او اعلام کنند. در صورت قبول ایراد، دادستان یا بازپرس از رسیدگی و مداخله در موضوع امتناع کرده، رسیدگی حسب مورد، به جانشین دادستان یا بازپرس دیگر محول می‌شود و در غیر این صورت باید قرار لازم صادر و به مدعی رد ابلاغ شود. مدعی رد می‌تواند در مهلتی که برای اعتراض به سایر قرارها مقرر شده است، به دادگاه صالح برای رسیدگی به جرم اعتراض کند. رأی دادگاه در این مورد قطعی است.

تبصره - صدور قرارداد ایراد مانع انجام تحقیقات مقدماتی نیست.

ماده ۵-۱۳۶- در مواردی که دادگاه با تعدد قاضی تشکیل می‌شود، هرگاه نسبت به یکی از اعضا ایراد رد شود و آن عضو از رسیدگی امتناع کند، دادگاه با حضور عضو دیگر تکمیل می‌شود و مبادرت به رسیدگی می‌کند. چنانچه ایراد رد مورد پذیرش قرار نگیرد، همان دادگاه بدون حضور عضو مورد ایراد در وقت اداری به اعتراض رسیدگی و قرار رد یا قبول ایراد را صادر می‌کند. هرگاه چند نفر از اعضای دادگاه مورد ایراد واقع شوند و ایراد رد را قبول نکنند، چنانچه تعداد اعضای باقیمانده شعبه اکثریت را تشکیل دهند، اکثریت اعضاء و بدون حضور اعضای مورد ایراد و در وقت اداری به اعتراض رسیدگی و قرار رد یا قبول ایراد را صادر می‌کنند. هرگاه تعداد باقیمانده اعضای شعبه در اکثریت نباشند و امکان انتخاب اعضای علی البدل نیز برای رسیدگی به ایراد وجود نداشته باشد، رسیدگی به ایراد در شعبه دیوان عالی کشور به عمل می‌آید. هرگاه شعبه دیوان درخواست رد را وارد بدانند، پرونده جهت رسیدگی به دادگاه همعرض ارجاع می‌شود.

باب چهارم - اعتراض به آراء

فصل اول - کلیات

ماده ۱-۱۴۱- دادگاه استان برای رسیدگی پژوهشی به آرای کیفری در مرکز هر استان، با حضور رییس یا دادرس و دو عضو مستشار تشکیل می‌شود.

ماده ۲-۱۴۱- آرای دادگاه‌های کیفری در دادگاه استان همان حوزه قضایی قابل پژوهش است، بجز در موارد زیر که قطعی محسوب می‌شوند:

الف - جرایمی که حداکثر مجازات قانونی آن تا نود و یک روز حبس و جزای نقدی تا مبلغ ده میلیون ریال یا یکی از آنها است؛

ب - جرائم مستلزم پرداخت دیه یا ارش، در صورتی که میزان یا جمع آنها کمتر از یک دهم دیه کامل باشد.

تبصره ۱- در مورد مجازات‌های اجتماعی، معیار قابلیت پژوهش، همان مجازات قانونی اولیه است.

تبصره ۲- آرای قابل پژوهش، شامل محکومیت، برائت، یا قرارهای منع و موقوفی تعقیب و اناطه است و نیز قرار رد درخواست و اخواهی یا پژوهش خواهی، در صورتی که رأی راجع به اصل دعوا قابل پژوهش خواهی باشد.

ماده ۳-۱۴۱- آرای قطعی که در مرحله پژوهش صادر شده و یا به علت انقضاء مواعد قطعیت یافته در خصوص، جرایمی که مجازات قانونی آنها سلب حیات، قطع یا قصاص عضو، حبس ابد و یا پانزده سال حبس یا بیشتر می‌باشد، قابل فرجام خواهی در دیوان عالی کشور است.

ماده ۴-۱۴۱- در مواردی که رأی دادگاه توأم با محکومیت به پرداخت دیه، ارش یا ضرر و زیان است، هرگاه یکی از جنبه های مزبور قابل پژوهش یا فرجام باشد، جنبه های دیگر رأی نیز به تبع آن، حسب مورد قابلیت پژوهش یا فرجام دارد.

ماده ۵-۱۴۱- در صورتی که طرفین دعوا با توافق کتبی حق پژوهش یا فرجام خواهی خود را ساقط کرده باشند، پژوهش یا فرجام خواهی آنان مسموع نخواهد بود، مگر در خصوص صلاحیت دادگاه یا قاضی صادرکننده رأی.

ماده ۶-۱۴۱- مهلت درخواست یا دادخواست پژوهش و فرجام برای اشخاص مقیم ایران بیست روز و برای اشخاص مقیم خارج از کشور دو ماه از تاریخ ابلاغ رأی یا انقضای مهلت و اخواهی یا پژوهش خواهی است.

ماده ۷-۱۴۱- هرگاه تقاضای پژوهش یا فرجام، خارج از مهلت مقرر تقدیم شده باشد و درخواست کننده عذر موجهی عنوان کند، دادگاه ابتدا به عذر او رسیدگی کرده، در صورت موجه شناختن آن، قرار قبولی درخواست و در غیر این صورت قرار رد آن را صادر می کند. جهات عذر موجه همان است که در ماده (۱۱-۱۲۵) این قانون مقرر شده است.

ماده ۸-۱۴۱- اشخاص زیر حق درخواست پژوهش یا فرجام دارند:

الف - محکوم علیه، وکیل یا نماینده قانونی او؛

ب - شاکی یا مدعی خصوصی و یا وکیل یا نماینده قانونی آنان؛

ج - دادستان از جهت برائت متهم، عدم انطباق رأی با قانون.

ماده ۹-۱۴۱- جهات پژوهش خواهی به قرار زیر است:

الف - ادعای عدم اعتبار ادله یا مدارک استنادی دادگاه؛

ب- ادعای مخالف بودن رأی با قانون؛

ج - ادعای عدم صلاحیت دادگاه صادرکننده رأی یا وجود یکی از جهات رد دادرسی؛

د - ادعای عدم توجه دادگاه به ادله ابرازی.

تبصره - اگر پژوهش خواهی به استناد یکی از جهات مذکور در این ماده به عمل آمده باشد، در صورت وجود جهت دیگر، به آن هم رسیدگی می شود.

ماده ۱۰-۱۴۱- دادگاه استان و دیوان عالی کشور فقط نسبت به آنچه مورد پژوهش خواهی یا فرجام خواهی واقع و نسبت به آن رأی صادر شده است، رسیدگی می کند.

ماده ۱۱-۱۴۱- پژوهش خواهی یا فرجام خواهی طرفین نسبت به جنبه کیفری رأی با درخواست کتبی و پرداخت هزینه دادرسی مقرر صورت می گیرد و نسبت به ضرر و زیان ناشی از جرم، مستلزم تقدیم دادخواست و پرداخت هزینه دادرسی مطابق مقررات آیین دادرسی مدنی است.

تبصره - پژوهش خواهی یا فرجام خواهی محکوم علیه نسبت به محکومیت کیفری و ضرر و زیان ناشی از جرم به صورت توأمان مستلزم پرداخت هزینه دادرسی نسبت به امر حقوقی و رعایت تشریفات آیین دادرسی مدنی نیست.

ماده ۱۲-۱۴۱- هرگاه پژوهش خواه یا فرجام خواه، مدعی اعسار از پرداخت هزینه دادرسی دعوای ضرر و زیان ناشی از جرم شود، دادگاه صادرکننده رأی نخستین به این ادعا رسیدگی می کند.

ماده ۱۳-۱۴۱- هرگاه پژوهش خواه یا فرجام خواه زندانی باشد، حسب مورد، از پرداخت هزینه دادرسی مرحله پژوهش یا فرجام نسبت به امری که به موجب آن زندانی است، معاف خواهد بود.

ماده ۱۴-۱۴۱- پژوهش خواه یا فرجام خواه باید حسب مورد، درخواست یا دادخواست خود را به دفتر دادگاه صادرکننده رأی نخستین یا پژوهشی و یا دفتر زندان تسلیم کند. دفتر دادگاه یا زندان باید بلافاصله آن را ثبت و رسیدی مشتمل بر نام پژوهش خواه یا فرجام خواه و طرف دعوای او، تاریخ تسلیم و شماره ثبت به تقدیم کننده بدهد و همان شماره و تاریخ را در دادخواست یا درخواست پژوهش و فرجام درج کند. تاریخ مزبور تاریخ پژوهش یا فرجام خواهی محسوب می شود. دفتر دادگاه استان یا زندان مکلف است پس از ثبت تقاضای پژوهش یا فرجام، بلافاصله آن را به دادگاه صادرکننده رأی نخستین ارسال کند.

تبصره - در صورتی که پژوهش خواهی یا فرجام خواهی در مهلت مقرر صورت گرفته باشد، دفتر دادگاه صادرکننده رأی نخستین، بلافاصله یا پس از رفع نقص، پرونده را حسب مورد، به دادگاه استان یا دیوان عالی کشور ارسال می کند.

ماده ۱۵-۱۴۱- هرگاه درخواست یا دادخواست پژوهش خواهی یا فرجام خواهی فاقد یکی از شرایط قانونی باشد، مدیر دفتر دادگاه نخستین، ظرف دو روز، نقایص آن را به درخواست کننده یا دادخواست دهنده اخطار می کند ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ، نقاص مذکور را رفع کند. چنانچه در مهلت مقرر، رفع نقص صورت نگیرد و همچنین در صورتی که درخواست یا دادخواست پژوهش یا فرجام خارج از مهلت قانونی تقدیم شده باشد، مدیر دفتر، پرونده را به نظر رئیس دادگاه می رساند تا قرار مقتضی صادر کند. این قرار قابل اعتراض در دادگاه استان است.

ماده ۱۶-۱۴۱- هرگاه پژوهش خواه یا فرجام خواه درخواست یا دادخواست پژوهشی یا فرجامی را مسترد کند، دادگاه صادرکننده رأی نخستین، قرار رد درخواست یا ابطال دادخواست پژوهش یا فرجام را صادر می کند که در این صورت، درخواست یا دادخواست پژوهش یا فرجام مجدد پذیرفته نیست.

ماده ۱۷-۱۴۱- در تمام محکومیت های تعزیری و بازدارنده در صورتی که دادستان از حکم صادرشده درخواست پژوهش نکرده باشد، محکوم علیه می تواند پیش از پایان مهلت پژوهش خواهی یا رجوع به دادگاه صادرکننده حکم، حق پژوهش خواهی خود را اسقاط یا درخواست پژوهش را مسترد کرده، تقاضای تخفیف مجازات کند. در این صورت، دادگاه در وقت فوق العاده با حضور دادستان به موضوع رسیدگی و تا ربع مجازات تعیین شده را کسر می کند. این حکم دادگاه قطعی است و از ناحیه محکوم علیه قابل فرجام نیست.

تبصره - هرگاه در اعمال مقررات ماده فوق، کیفر حبس به کمتر از نود و یک روز تقلیل یابد، مطابق مقررات به جزای نقدی تبدیل می شود.

ماده ۱۸-۱۴۱- آرایه که در مرحله پژوهش صادر می‌شود، قطعی است.

فصل دوم - کیفیت رسیدگی دادگاه استان

ماده ۱-۱۴۲- پرونده‌ها پس از وصول به دادگاه استان به ترتیب در دفتر کل یا در صورت تأسیس واحد رایانه در این واحد ثبت می‌شوند و با رعایت ترتیب شعب دادگاه، به وسیله رئیس کل دادگستری استان یا معاون او و یا یکی از رؤسای شعب به انتخاب وی با رعایت تخصص شعب و ترتیب وصول از طریق سیستم رایانه ای در حوزه‌های قضایی که دارای سیستم رایانه‌ای می‌باشد، ارجاع می‌شود.

ماده ۲-۱۴۲- دادگاه به ترتیب وصول پرونده‌ها به نوبت رسیدگی می‌کند، مگر در مواردی که به موجب قانون، رسیدگی خارج از نوبت ضروری باشد.

تبصره - در جرایمی که موجب جریحه دار شدن احساسات عمومی شده باشد، با درخواست دادستان صادرکننده کیفرخواست و موافقت دادگاه استان، خارج از نوبت رسیدگی می‌شود.

ماده ۳-۱۴۲- رئیس شعبه، پرونده‌های ارجاعی را شخصاً بررسی و گزارش جامع آن را تهیه و یا به نوبت به یکی از اعضای دادگاه استان ارجاع می‌کند. این عضو، گزارش پرونده را که متضمن جریان آن و بررسی کامل درخصوص پژوهش خواهی و جهات قانونی آن باشد، تهیه و در جلسه رسیدگی قرائت می‌کند. خلاصه این گزارش در پرونده درج می‌شود.

ماده ۴-۱۴۲- هرگاه دادگاه استان تحقیقات انجام شده در مرحله نخستین را ناقص تشخیص دهد یا بررسی اظهارات و مدافعات طرفین و ادله ابرازی را مستلزم احضار اشخاص مربوط بدانند، دستور تعیین وقت و احضار آنان را صادر می‌کند. طرفین می‌توانند شخصاً حاضر شوند یا وکیل معرفی می‌کنند. در هر حال، عدم حضور یا عدم معرفی وکیل، مانع از رسیدگی نخواهد بود.

ماده ۵-۱۴۲- در مواردی که رسیدگی پژوهشی در دادگاه استان، مستلزم تعیین وقت و احضار طرفین باشد، رسیدگی با حضور دادستان شهرستان مرکز استان یا یکی از معاونان یا دادیاران وی به ترتیب زیر انجام می‌شود:

الف- قرائت گزارش پرونده و تحقیقات و اقدامات انجام شده توسط یکی از اعضای دادگاه،

ب- طرح سؤالات لازم و تحقیق از طرفین توسط رئیس یا مستشار و استماع مدافعات آنان،

ج - کسب اطلاع از شهود و مطلعان در صورت لزوم،

د- اظهار عقیده دادستان یا نماینده او و استماع اظهارات شاکی یا مدعی خصوصی و آخرین مدافعات متهم یا وکلای آنان

ماده ۶-۱۴۲- قرار معاینه محل و تحقیق محلی توسط رییس دادگاه یا با تعیین او توسط یکی از مستشاران شعبه اجرا می شود. چنانچه محل اجرای قرار، خارج از حوزه قضایی مرکز استان باشد، دادگاه استان می تواند اجرای قرار را از دادگاه محل مربوط درخواست کند و در صورتی که محل اجرای قرار در حوزه قضایی استان دیگری باشد، با اعطای نیابت قضایی به دادگاه نخستین محل، درخواست اجرای قرار می کند.

ماده ۷-۱۴۲- هرگاه دادستان، حضور شخصی را که زندانی است لازم بداند، دستور اعزام او را به مسئول زندان یا بازداشتگاه صادر می کند. چنانچه زندان یا بازداشتگاه در محل دیگری باشد، دادگاه می تواند با کسب موافقت مرجع قضایی که متهم تحت نظر وی زندانی است، دستور دهد که متهم زندانی به طور موقت تا پایان رسیدگی در زندان نزدیک محل دادگاه نگهداری شود.

ماده ۸-۱۴۲- احضار، جلب، رسیدگی به ادله و سایر ترتیبات در دادگاه استان مطابق قواعد و مقررات مرحله نخستین است.

ماده ۹-۱۴۲- دادگاه استان در مورد آرای پژوهش خواسته به شرح زیر اتخاذ تصمیم می کند:

الف - هرگاه انجام تحقیقات یا اقدامات دیگر ضروری نباشد و رأی، مطابق ادله موجود در پرونده و قانون صادر شده باشد، رأی را تأیید و پرونده را به دادگاه صادرکننده رأی اعاده می کند.

ب - هرگاه متهم به جهات قانونی قابل تعقیب نباشد یا دادگاه استان، به هر دلیل، برائت متهم را احراز کند، رأی پژوهش خواسته را نقض و رأی مقتضی صادر می کند، هر چند محکوم علیه درخواست پژوهش نکرده باشد و چنانچه محکوم علیه زندانی باشد، به دستور دادگاه فوری آزاد می شود.

ج - هرگاه رأی صادرشده از نوع قرار باشد و به هر علت نقض شود، پرونده جهت رسیدگی به دادگاه صادرکننده قرار اعاده می شود و آن دادگاه، مکلف است خارج از نوبت رسیدگی کند.

د - هرگاه رأی توسط دادگاهی که صلاحیت ذاتی یا محلی نداشته است صادر شده باشد، دادگاه استان، رأی را نقض و پرونده را برای ارسال به مرجع صالح به دادگاه صادرکننده رأی اعاده می کند.

ه - در سایر موارد، دادگاه استان پس از تعیین جلسه رسیدگی و احضار طرفین و بررسی ادله و مدافعات آنان و انجام تحقیقات و اقدامات لازم، چنانچه رأی پژوهش خواسته را مخالف قانون تشخیص دهد با استدلال و ذکر مبانی و مستند قانونی، آن را نقض و در ماهیت، انشای رأی می کند.

تبصره - عدم رعایت تشریفات دادرسی، موجب نقض رأی نیست، مگر آنکه تشریفات مذکور به درجه ای از اهمیت باشد که موجب بی اعتباری رأی شود.

ماده ۱۰-۱۴۲- هرگاه از رأی صادر شده درخواست پژوهش شود و از متهم تأمین اخذ نشده باشد یا تأمین صادر شده با جرم و ضرر و زیان مدعی خصوصی متناسب نباشد، دادگاه استان در صورت اقتضاء رأساً یا به درخواست دادستان، شاکی یا مدعی خصوصی و یا متهم، تأمین متناسب اخذ می کند و این تصمیم قطعی است.

ماده ۱۱-۱۴۲- اگر رأی پژوهش خواسته از نظر تعیین مشخصات طرفین یا تعیین نوع و میزان مجازات، تطبیق عمل با قانون، احتساب محکوم به یا خسارت و یا مواردی نظیر آن، متضمن اشتباهی باشد که به اساس رأی لطمه وارد نسازد، دادگاه استان، رأی را اصلاح و آن را تأیید می کند.

ماده ۱۲-۱۴۲- دادگاه استان نمی تواند مجازات تعزیری و بازدارنده یا اقدامات تأمینی و تربیتی مقرر در حکم پژوهش خواسته را تشدید کند، مگر در مواردی که مجازات مقرر در حکم نخستین بر خلاف جهات قانونی کمتر از حداقل میزانی باشد که قانون مقرر داشته و این امر مورد پژوهش خواهی شاکی و دادستان قرار گرفته باشد. در این موارد، دادگاه استان با تصحیح حکم، نسبت به تعیین مجازاتی که قانون مقرر داشته است، اقدام می کند.

ماده ۱۳-۱۴۲- هرگاه دادگاه استان، محکوم علیه را مستحق تخفیف مجازات بداند، ضمن تأیید اساس حکم می تواند به نحو مستدل مجازات او را در حدود قانون تخفیف دهد، هرچند محکوم علیه تقاضای پژوهش نکرده باشد.

ماده ۱۴-۱۴۲- دادگاه استان مکلف است پس از ختم رسیدگی، در صورت امکان در همان جلسه و در غیر این صورت در اولین فرصت و حداکثر ظرف یک هفته، انشای رأی کند. تخلف از صدور رأی در مهلت مقرر موجب محکومیت انتظامی تا درجه چهار است.

ماده ۱۵-۱۴۲- در مواردی که رأی دادگاه استان بر محکومیت متهم باشد و متهم یا وکیل او در هیچ یک از مراحل دادرسی نخستین و پژوهشی حاضر نبوده و لایحه دفاعیه یا اعتراضیه هم نداده باشند، رأی دادگاه استان ظرف بیست روز پس از ابلاغ واقعی به متهم یا وکیل او، قابل واخواهی و رسیدگی در همان دادگاه است. رأیی که در این مرحله صادر می شود، قطعی است.

فصل سوم - کیفیت رسیدگی دیوان عالی کشور

ماده ۱-۱۴۳- دیوان عالی کشور در تهران مستقر و شعب آن از رییس و دو مستشار تشکیل می‌شود و مرجع فرجام‌خواهی در جرایم موضوع ماده (۳-۱۴۱) این قانون است.

ماده ۲-۱۴۳- دیوان عالی کشور به تعداد لازم عضو معاون خواهد داشت که می‌توانند وظایف مستشار را عهده دار شوند.

ماده ۳-۱۴۳- جهات فرجام‌خواهی به قرار زیر است:

الف - ادعای عدم رعایت قوانین مربوط به تقصیر متهم و مجازات قانونی او؛
ب - ادعای عدم رعایت اصول دادرسی در صورتی که این امر به درجه ای از اهمیت باشد که رأی دادگاه را بی اعتبار سازد؛

ج - عدم انطباق مستندات با مدارک موجود در پرونده.

ماده ۴-۱۴۳- پرونده‌ها به ترتیب وصول، در دفتر کل یا در صورت تاسیس واحد رایانه در این واحد ثبت می‌شوند و توسط رییس دیوان یا معاون او و در غیاب آنان، توسط یکی از رؤسای شعب دیوان به انتخاب رییس دیوان عالی کشور و از طریق سیستم رایانه‌ای، در صورتی که این سیستم وجود داشته باشد با رعایت تخصص شعب و ترتیب وصول، به یکی از شعب دیوان ارجاع می‌شود.

ماده ۵-۱۴۳- شعب دیوان عالی کشور به نوبت به پرونده‌ها رسیدگی می‌کنند، مگر در مواردی که به موجب قانون، رسیدگی خارج از نوبت مقرر باشد یا در جرایمی که به تشخیص رییس دیوان عالی کشور موجب جریحه دار شدن احساسات عمومی شده و رسیدگی خارج از نوبت ضرورت داشته باشد.

ماده ۶-۱۴۳- رییس شعبه، پرونده‌های ارجاعی را شخصاً بررسی و گزارش جامع آن را تنظیم و یا به نوبت به یکی از اعضای شعبه به عنوان عضو ممیز ارجاع می‌کند. عضو ممیز، گزارش پرونده را که متضمن جریان آن و بررسی کامل درخصوص فرجام‌خواهی و جهات قانونی آن باشد به صورت مستدل تهیه و به رییس شعبه تسلیم می‌کند.

تبصره - هرگاه رییس یا عضو ممیز در حین تنظیم گزارش از هر یک از قضاتی که در آن پرونده دخالت داشته، تخلف از مواد قانونی، یا عدم رعایت مبانی قضایی و یا اعمال غرض مشاهده کند، آن را به طور مشروح و با استدلال در گزارش خود متذکر می‌شود و به دستور رییس شعبه، رونوشتی از این گزارش به دادستان انتظامی قضات ارسال می‌شود.

ماده ۷-۱۴۳- رسیدگی فرجامی در دیوان عالی کشور بدون احضار طرفین دعوا یا وکلای آنان انجام می‌شود، مگر آنکه شعبه رسیدگی کننده حضور آنان را لازم بداند. عدم حضور احضار شوندگان موجب تأخیر در رسیدگی و اتخاذ تصمیم نیست.

ماده ۸-۱۴۳- در موقع رسیدگی، عضو ممیز، گزارش پرونده و مفاد اوراقی را که لازم است قرائت می‌کند و طرفین یا وکلای آنان، در صورت حضور، می‌توانند با اجازه رئیس شعبه، مطالب خود را اظهار دارند. همچنین دادستان کل یا نماینده وی به طور مستدل و مستند نظر خود را اظهار می‌کند. سپس اعضای شعبه با توجه به محتویات پرونده و مفاد گزارش و اظهارات اشخاص مربوط و دادستان کل کشور یا نماینده وی، به شرح زیر اتخاذ تصمیم می‌کنند:

الف - اگر رأی مطابق قانون و ادله موجود در پرونده باشد با ابرام آن، پرونده را به دادگاه صادرکننده رأی اعاده می‌کنند.

ب - هرگاه رأی مخالف قانون بوده یا بدون توجه به دلایل و مدافعات طرفین صادر شده باشد یا رعایت تشریفات قانونی نشده و آن تشریفات به درجه ای از اهمیت باشند که موجب بی اعتباری رأی شود، شعبه دیوان عالی کشور، رأی را نقض و به شرح زیر اقدام می‌کند:

۱- اگر عملی که محکوم علیه به اتهام ارتکاب آن محکوم شده به فرض ثبوت، جرم نبوده یا به لحاظ شمول عفو عمومی و یا سایر جهات قانونی متهم قابل تعقیب نباشد، رأی صادرشده نقض بلا ارجاع می‌شود.

۲- اگر رأی صادرشده از نوع قرار بوده و یا حکمی باشد که به علت ناقص بودن تحقیقات نقض شده است، برای رسیدگی مجدد به دادگاه صادرکننده رأی ارجاع می‌شود.

۳- اگر رأی به علت عدم صلاحیت ذاتی دادگاه نقض شود، پرونده به مرجعی که دیوان عالی کشور صالح تشخیص می‌دهد، ارسال می‌شود و مرجع مذکور مکلف به رسیدگی است.

۴- در سایر موارد، پس از نقض رأی، پرونده به دادگاه هم عرض ارجاع می‌شود.

تبصره - در مواردی که دیوان عالی کشور رأی را به علت نقص تحقیقات نقض می‌کند، مکلف است تمام موارد نقص تحقیقات را به تفصیل ذکر کند.

ماده ۹-۱۴۳- مرجع رسیدگی پس از نقض رأی در دیوان عالی کشور به شرح زیر اقدام می‌کند:

الف - در صورت نقض رأی به علت ناقص بودن تحقیقات، باید تحقیقات موردنظر دیوان عالی کشور را انجام داده، سپس مبادرت به صدور رأی کند.

ب - در صورت نقض قرار و ضرورت رسیدگی ماهوی، باید از نظر دیوان عالی کشور متابعت کرده، در ماهیت رسیدگی و انشای حکم کند، مگر آنکه پس از نقض، جهت تازه ای برای صدور قرار حادث شود.

ج - در صورت نقض حکم در غیر موارد مذکور، دادگاه می تواند حکم اصراری صادر کند. چنانچه این حکم مورد فرجام خواهی واقع شود و شعبه دیوان عالی کشور پس از بررسی، استدلال دادگاه را بپذیرد، حکم را ابرام می کند و در غیر این صورت، پرونده در هیئت عمومی شعب کیفری مطرح شود. هرگاه نظر دادگاه صادرکننده رأی مورد تأیید قرار گرفت، رأی ابرام می شود و در صورتی که نظر شعبه دیوان عالی کشور را تأیید کند، حکم صادرشده نقض و پرونده به شعبه دیگر دادگاه ارجاع می شود. دادگاه مزبور با توجه به استدلال هیئت عمومی دیوان عالی کشور، حکم صادر می کند. این حکم قطعی و غیرقابل فرجام است.

ماده ۱۰-۱۴۳- هرگاه از شعب مختلف دیوان عالی کشور یا دادگاهها نسبت به موارد مشابه، اعم از حقوقی، کیفری و امور حسبی، با استنباط متفاوت از قوانین، آرای مختلفی صادر شود، رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور، به هر طریق که آگاه شوند، مکلفند نظر هیئت عمومی دیوان عالی کشور را به منظور ایجاد وحدت رویه درخواست کنند. هر یک از قضات شعب دیوان عالی کشور یا دادگاهها یا دادستانها نیز می توانند با ذکر دلیل از طریق رئیس دیوان عالی کشور یا دادستان کل کشور، نظر هیئت عمومی را در خصوص موضوع درخواست کنند. هیئت عمومی دیوان عالی کشور به ریاست رئیس دیوان عالی یا معاون وی و با حضور دادستان کل کشور یا نماینده او و حداقل سه چهارم رؤسا و مستشاران و اعضای معاون تمام شعب تشکیل می شود تا موضوع مورد اختلاف را بررسی و نسبت به آن اتخاذ تصمیم کند. رأی اکثریت در موارد مشابه برای شعب دیوان عالی کشور و دادگاهها و سایر مراجع، اعم از قضایی و غیر آن لازم الاتباع است؛ اما نسبت به رأی قطعی شده بی اثر است. در صورتی که رأی اجرا نشده یا در حال اجرا باشد و مطابق رأی وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور عمل انتسابی جرم شناخته نشود یا رأی به جهاتی مساعد به حال محکوم علیه باشد، رأی هیئت عمومی نسبت به رأی مذکور قابل تسری بوده، مطابق مقررات قانون مجازات اسلامی عمل می شود.

ماده ۱۱-۱۴۳- آرای وحدت رویه هیئت عمومی دیوان عالی کشور، فقط به موجب قانون یا رأی وحدت رویه موخری که مطابق ماده (۱۰-۱۴۳) صادر شده، قابل تغییر خواهد بود.

فصل چهارم - اعاده دادرسی

ماده ۱-۱۴۴- درخواست اعاده دادرسی در مورد احکام قطعی دادگاهها در موارد زیر پذیرفته می‌شود، اعم از آن که حکم مذکور به اجرا گذاشته شده یا نشده باشد:

الف- کسی به اتهام قتل شخصی محکوم شده و زنده بودن وی محرز شود؛
ب- چند نفر به اتهام ارتکاب جرمی محکوم شده اند و ارتکاب جرم به گونه‌ای است که نمی‌تواند بیش از یک مرتکب داشته باشد؛

ج- شخصی به علت انتساب جرمی محکومیت یافته و فرد دیگری نیز به موجب حکم دیگری از مرجع قضایی به علت انتساب همان جرم محکوم شده باشد، به طوری که از تعارض و تضاد مفاد دو حکم، بی‌گناهی یکی از آنان احراز شود؛

د- درباره شخصی به اتهام واحد، احکام متفاوتی صادر شده باشد؛

ه- جعلی بودن اسناد یا خلاف واقع بودن شهادت گواهان که مبنای حکم بوده در دادگاه صالح ثابت شده باشد؛

و- پس از صدور حکم قطعی، واقعه جدیدی حادث و یا ظاهر شود یا ادله جدیدی ارایه شود که موجب اثبات بی‌گناهی محکوم علیه یا تقصیر متهم باشد؛

ز- مجازات مورد حکم بیش از مجازات مقرر قانونی باشد؛

ح- هرگاه رییس قوه قضاییه، حداکثر ظرف یک ماه از تاریخ قطعیت رأی، آن را خلاف بین شرع تشخیص دهد. در این صورت رییس قوه قضاییه پرونده را حسب مورد برای رسیدگی به مرجع صالح هم عرض صادرکننده حکم قطعی ارسال می‌کند.

ماده ۲-۱۴۴- اشخاص زیر حق درخواست اعاده دادرسی دارند:

الف - محکوم علیه یا وکیل یا نماینده قانونی او و شاکی یا وکیل یا نماینده او؛

ب - دادستان کل کشور؛

ج - در صورت فوت یا غیبت محکوم علیه، همسر و وراث قانونی و وصی او.

ماده ۳-۱۴۴- درخواست اعاده دادرسی به جز در مواردی که رییس قوه قضاییه خلاف بین شرع تشخیص دهد، به دیوان عالی کشور تسلیم می‌شود. این مرجع پس از احراز انطباق موضوع درخواست با یکی از موارد موضوع ماده (۱-۱۴۴) این قانون، رسیدگی مجدد را به دادگاه هم عرض دادگاه صادرکننده حکم قطعی ارجاع می‌کند.

ماده ۴-۱۴۴- هرگاه رأی دیوان عالی کشور یا تصمیم رییس قوه قضاییه مبنی بر تجویز اعاده دادرسی باشد، اجرای حکم تا صدور حکم مجدد به تعویق خواهد افتاد و چنانچه از متهم تأمین اخذ

نشده و یا تأمین منتفی شده باشد یا متناسب نباشد، دادگاهی که پس از تجویز اعاده دادرسی به موضوع رسیدگی می‌کند، تأمین لازم را اخذ می‌کند.

ماده ۵-۱۴۴- پس از شروع به محاکمه جدید، هرگاه ادله‌ای که اقامه شده قوی باشد، فوری قرار توقف آثار و تبعات حکم اولی، صادر و دادرسی مطابق مواد این قانون انجام می‌گیرد.

ماده ۶-۱۴۴- هرگاه پس از رسیدگی، دادگاه درخواست اعاده دادرسی را وارد تشخیص دهد، حکم مورد اعاده دادرسی را نقض و حکم مقتضی صادر می‌کند. در صورتی که درخواست اعاده دادرسی راجع به قسمتی از حکم باشد، فقط همان قسمت نقض یا اصلاح می‌شود. این حکم از حیث پژوهش یا فرجام خواهی تابع مقررات مربوط است.

ماده ۷-۱۴۴- نسبت به حکمی که پس از اعاده دادرسی صادر می‌شود، دیگر اعاده دادرسی از همان جهت پذیرفته نمی‌شود.

ماده ۸-۱۴۴- هرگاه شاکی یا مدعی خصوصی در جرایم غیرقابل گذشت، پس از قطعی شدن حکم از شکایت خود صرف نظر کند، محکوم علیه می‌تواند از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، درخواست کند در میزان مجازات او تجدیدنظر شود. در این صورت، دادگاه به درخواست محکوم علیه در وقت فوق العاده و با حضور دادستان یا نماینده او رسیدگی کرده، مجازات را در صورت اقتضاء در حدود قانون تخفیف داده یا به مجازاتی که مناسبتر به حال محکوم علیه باشد، تبدیل می‌کند. این رأی قطعی است.

ماده ۹-۱۴۴- در صورتی که قانون لاحق، نسبت به قانون سابق، مبتنی بر تخفیف مجازات باشد یا مجازات را به اقدامات تأمینی و تربیتی تبدیل کند، محکوم علیه می‌تواند از دادگاه صادرکننده حکم قطعی، تخفیف یا تبدیل مجازات را درخواست کند. در این مورد، دادگاه به درخواست محکوم علیه در وقت فوق العاده رسیدگی کرده، مجازات را با لحاظ قانون لاحق تخفیف داده و یا به اقدامات تأمینی و تربیتی تبدیل می‌کند. این رأی قطعی است.

باب پنجم - اجرای احکام کیفری

فصل اول - کلیات

ماده ۱-۱۵۱- اجرای احکام کیفری بر عهده دادستان است و از طریق قضات اجرای احکام کیفری که تحت ریاست و نظارت وی، می‌باشند انجام می‌گیرد.

تبصره - در حوزه قضایی بخش، اجرای احکام کیفری به عهده رییس دادگاه و در غیاب وی با دادرس علی البدل خواهد بود.

ماده ۲-۱۵۱- وظایف قاضی اجرای احکام کیفری عبارت است از:

الف - صدور دستور اجرای آراء کیفری و نظارت بر شیوه اجرای آنها پس از ارجاع دادستان؛

ب- نظارت بر زندان‌ها در امور راجع به زندانیان؛

ج- اعلام نظر نسبت به زندانیان واجد شرایط عفو و آزادی مشروط مطابق قوانین و مقررات مربوط؛

د - اعطای مرخصی به زندانیان براساس قوانین و مقررات مربوط؛

هـ - اتخاذ تصمیم نسبت به محکومان سالمند، مبتلایان به بیماریهای روانی و جسمی صعب العلاج و سایر افرادی که نیاز به مراقبت و توجه ویژه دارند، از قبیل صدور اجازه بستری شدن محکوم در مراکز درمانی بر اساس ضوابط و مقررات مربوط؛

و- اجرای سایر وظایفی که به موجب قوانین و مقررات برای اجرای مجازات‌ها وضع شده یا بر عهده قاضی اجرای احکام کیفری یا ناظر زندان قرار گرفته است.

ماده ۳-۱۵۱- آرای کیفری در موارد زیر به موقع به اجراء گذاشته می‌شود:

الف- رأی قطعی دادگاه نخستین؛

ب- رأیی که در مهلت قانونی نسبت به آن واخواهی یا درخواست پژوهش یا فرجام نشده باشد یا در خواست پژوهش یا فرجام نسبت به آن رد شده باشد؛

ج- رأی که مرجع پژوهش آن را تأیید یا پس از نقض رأی نخستین صادر کرده باشد؛

د- رأیی که به تأیید مرجع فرجام رسیده باشد.

تبصره - چنانچه رأی پژوهش قابل فرجام باشد تا نهایی شدن آن لازم الاجراء نخواهد بود.

ماده ۴-۱۵۱- هرگاه قاضی اجرای احکام کیفری، رأی صادرشده را از لحاظ قانونی لازم الاجراء نداند، مراتب را با اطلاع دادستان به دادگاه صادرکننده آن اعلام و مطابق تصمیم دادگاه اقدام می‌کند.

ماده ۵-۱۵۱- هرگاه رأی، درخصوص اشخاص متعدد صادرشده باشد و در موعد مقرر بعضی از آنان اعتراض و یا درخواست پژوهش یا فرجام کرده باشند، نسبت به بقیه، پس از گذشت مهلت اعتراض و یا پژوهش یا فرجام لازم الاجراء می‌باشد.

ماده ۶-۱۵۱- اعتراض و یا درخواست پژوهش یا فرجام نسبت به یک قسمت از رأی، مانع از اجرای سایر قسمتهای لازم الاجرای آن نیست.

ماده ۷-۱۵۱- عملیات اجرای رأی با دستور قاضی اجرای احکام کیفری شروع می‌شود و به هیچ وجه متوقف نمی‌شود، مگر در مواردی که قانون مقرر کرده است.

ماده ۸-۱۵۱- رأی کیفری به دستور و تحت نظارت قاضی اجرای احکام کیفری اجرا می‌شود و در مواردی که قانوناً اجرای رأی باید توسط وزارتخانه‌ها، موسسات و شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی و سازمانها، نهادهایی که شمول قانون بر آنان مستلزم ذکر یا تصریح نام است به عمل آید، قاضی اجرای احکام کیفری، ضمن صدور دستور اجرا و ارایه تعلیمات لازم، بر چگونگی اجراء و اقدامات آنها نظارت دارد.

ماده ۹-۱۵۱- تمام ضابطان دادگستری، نیروهای انتظامی و نظامی، مقامات و مستخدمان وزارتخانه‌ها، موسسات و شرکت‌های دولتی و نهادهای عمومی غیردولتی و سازمانها، نهادهایی که شمول قانون بر آنان مستلزم ذکر یا تصریح نام است در حدود وظایف خود مکلفند دستور قاضی اجرای احکام کیفری را در مقام اجرای رأی رعایت کنند. متخلف از مقررات این ماده، علاوه بر تعقیب انتظامی و اداری، به مجازات مقرر قانونی نیز محکوم می‌شود.

ماده ۱۰-۱۵۱- رفع ابهام و اجمال از رأی با دادگاه صادرکننده آن است، اما رفع اشکالات مربوط به اجرای رأی با قاضی اجرای احکام کیفری است که رأی زیر نظر او اجراء می‌شود.

ماده ۱۱-۱۵۱- هرگاه شیوه اجرای رأی در دادنامه تعیین شده باشد، به همان ترتیب اجراء می‌شود و در صورت عدم تعیین شیوه اجراء، قاضی اجرای احکام کیفری مطابق مقررات قانونی رأی را اجراء می‌کند.

ماده ۱۲-۱۵۱- اجرای علنی مجازات ممنوع است، مگر در موارد الزام قانونی یا در صورتی که پیش از صدور حکم به لحاظ آثار و تبعات اجتماعی بزه ارتكابی، نحوه ارتكاب جرم و سوابق مرتکب و بیم تجری او یا دیگران، دادستان اجرای علنی مجازات را ضروری تشخیص دهد و دادگاه با پیشنهاد وی موافقت کرده و به اجرای علنی مجازات در رأی تصریح کند.

ماده ۱۳-۱۵۱- محکوم‌علیه جهت اجرای رأی احضار می‌شود و در صورت عدم حضور، به کفیل یا وثیقه گذار اخطار می‌شود تا محکوم‌علیه را برای اجرای رأی تسلیم کند. در این صورت، قاضی اجرای احکام کیفری می‌تواند به طور همزمان دستور جلب محکوم علیه را صادر کند.

تبصره - در صورتی که بیم فرار یا مخفی شدن محکوم علیه باشد، قاضی اجرای احکام کیفری می‌تواند با ذکر دلیل در پرونده، بدو دستور جلب محکوم علیه را صادر کند.

ماده ۱۴-۱۵۱- اجرای مجازات در موارد زیر به تشخیص و دستور قاضی اجرای احکام به تعویق می‌افتد:

- الف - دوران بارداری، در صورتی که اجرای آن برای زن باردار یا جنین وی زیان آور باشد؛
- ب - پس از زایمان حداکثر تا سه ماه، در صورتی که اجرای آن برای مادر زیان آور باشد؛
- ج - دوران شیردهی حداکثر تا رسیدن طفل به سن دو سالگی، در صورتی که اجرای مجازات در ایام شیردهی موجب ورود صدمه به سلامتی طفل باشد؛
- د - اجرای مجازات شلاق در ایام حیض یا استحاضه.

تبصره - کسب نظر پزشکی قانونی جهت احراز زیان آور بودن اجرای مجازات الزامی است.

ماده ۱۵-۱۵۱- هرگاه محکوم علیه به بیماری جسمی یا روانی مبتلا بوده و اجرای مجازات موجب تشدید بیماری و یا تأخیر در بهبودی وی شود، قاضی اجرای احکام کیفری با کسب نظر پزشکی قانونی تا زمان بهبودی، اجرای مجازات را به تعویق می‌اندازد. چنانچه در جرایم تعزیری و بازدارنده امیدی به بهبودی بیمار نباشد، قاضی اجرای احکام کیفری، پس از احراز بیماری محکوم علیه و مانعیت آن برای اعمال مجازات، با ذکر دلیل، پرونده را جهت تبدیل به مجازات مناسب دیگر با در نظر گرفتن نوع بیماری و مجازات به مرجع صادرکننده رأی قطعی ارسال می‌کند.

تبصره - هرگاه حین اجرای مجازات، بیماری حادث شود و تعویق اجرای مجازات فوریت داشته باشد، قاضی اجرای احکام کیفری، ضمن صدور دستور توقف اجرای آن، طبق مقررات این ماده اقدام می‌کند.

ماده ۱۶-۱۵۱- هرگاه محکوم علیه در جرایم تعزیری و بازدارنده، پس از صدور حکم قطعی مبتلا به جنون شود، تا زمان افاقه، اجرای حکم به تعویق می‌افتد؛ مگر در مورد مجازاتهای مالی که از اموال محکوم علیه وصول می‌شود.

تبصره - محکوم به حبس یا کسی که به علت عدم پرداخت جزای نقدی در حبس به سر می‌برد، در صورت جنون تا بهبودی در بیمارستان روانی یا مکان مناسب دیگری نگهداری می‌شود. این ایام جزء مدت محکومیت وی محاسبه می‌شود.

ماده ۱۷-۱۵۱- هرگاه رییس قوه قضاییه با عفو یا تخفیف مجازات محکوم علیه جهت پیشنهاد به مقام رهبری موافقت کند و دستور توقف اجرای حکم دهد، اجرای حکم متوقف می‌شود.

ماده ۱۸-۱۵۱- در مواردی که مطابق مقررات، اجرای رأی موقوف می‌شود، قاضی اجرای احکام کیفری قرار موقوفی اجراء صادر می‌کند.

ماده ۱۹-۱۵۱- موقوف شدن اجرای مجازات در حقوق شاکی یا مدعی خصوصی و اجرای احکام ضبط اشیاء و اموالی که وسیله ارتکاب جرم بوده و یا از ارتکاب جرم تحصیل شده است، تأثیری نخواهد داشت، مگر اینکه علت موقوف شدن اجرای مجازات، نسخ مجازات قانونی باشد.

ماده ۲۰-۱۵۱- چنانچه محکوم علیه در پرونده فاقد قرار تأمین بوده و اجرای مجازات مستلزم دسترسی به محکوم علیه به دفعات باشد و یا قرار صادر شده متناسب نباشد، قاضی اجرای احکام کیفری مطابق مقررات، قرار تأمین متناسب صادر می کند.

ماده ۲۱-۱۵۱- قاضی اجرای احکام کیفری در خصوص درخواست محکوم علیه، کفیل یا وثیقه گذار مبنی بر تبدیل قرار تأمین، تغییر کفیل یا وثیقه گذار و یا جایگزینی وثیقه به دادگاه صادرکننده حکم قطعی پیشنهاد لازم جهت اتخاذ تصمیم ارائه می کند.

ماده ۲۲-۱۵۱- هرگاه اقدامات قاضی اجرای احکام کیفری منتهی به دسترسی به محکوم علیه نشود و بیم فرار وی از کشور باشد، می تواند دستور منع خروج او را از کشور صادر و به مراجع قانونی اعلام کند؛ اما به محض حضور یا دستگیری محکوم علیه نسبت به لغو این دستور اقدام می کند.

ماده ۲۳-۱۵۱- هرگاه پس از صدور حکم معلوم شود محکوم علیه دارای محکومیت های قطعی دیگری است و اعمال مقررات تعدد، در میزان مجازات قابل اجراء مؤثر است، قاضی اجرای احکام کیفری به شرح زیر اقدام می کند:

الف- در صورتی که احکام از دادگاه کیفری به صورت قطعی صادر یا به لحاظ عدم پژوهش خواهی قطعی شده باشد، پرونده ها را به دادگاه صادرکننده آخرین حکم ارسال می کند تا پس از نقض تمام احکام، با رعایت مقررات مربوط به تعدد جرم، حکم واحد صادر شود؛

ب- در صورتی که حداقل یکی از احکام در دادگاه صادر شده باشد، پرونده ها را به این دادگاه ارسال می کند تا پس از نقض تمام احکام با رعایت مقررات مربوط به تعدد جرم، حکم واحد صادر شود. چنانچه احکام از شعب مختلف دادگاه استان صادر شده باشد، شعبه صادرکننده آخرین حکم پژوهشی صلاحیت رسیدگی دارد؛

ج- در سایر موارد و همچنین در صورتی که حداقل یکی از احکام دیوان عالی کشور مورد تأیید قرار گرفته باشد یا احکام متعدد در حوزه های قضایی استان های مختلف صادر شده باشد، پرونده ها را به دیوان عالی کشور ارسال می کند تا پس از نقض احکام، حسب مورد، مطابق بندهای (الف) یا (ب) اقدام شود.

تبصره - در موارد فوق، دادگاه در وقت فوق العاده بدون حضور طرفین به موضوع رسیدگی و حکم واحد صادر می کند.

ماده ۲۴-۱۵۱- هرگاه هنگام اجرای حکم معلوم شود محکوم علیه دارای محکومیت‌های اجراء شده دیگری بوده که در اعمال مقررات تکرار جرم مؤثر است، قاضی اجرای احکام کیفری، پرونده را نزد دادگاه صادر کننده حکم ارسال می‌کند. در این صورت، چنانچه دادگاه، محکومیت‌های سابق را محرز دانست، مطابق مقررات اقدام می‌کند.

تبصره - هرگاه حکم در دیوان عالی کشور تأیید شده باشد، پرونده نزد آن مرجع ارسال می‌شود تا چنانچه محکومیت‌های سابق را محرز دانست، حکم را نقض و پرونده را جهت صدور حکم به دادگاه صادر کننده آن ارسال کند.

فصل دوم - اجرای مجازات حبس

ماده ۱۵۲-۱- اشخاص محکوم به حبس با ذکر مشخصات کامل، نوع جرم، میزان محکومیت، ایام بازداشت قبلی و مرجع صادر کننده حکم در برگ مخصوص، برای تحمل کیفر به زندان یا کانون اصلاح و تربیت همان حوزه قضایی یا نزدیکترین حوزه قضایی آن استان، حسب مورد، به همراه مأمور بدرقه زن یا مرد و با رعایت موازین مراقبتی، اعزام و معرفی می‌شوند.

ماده ۲-۱۵۲- مدت تمام کیفرهای حبس از روزی شروع می‌شود که محکوم علیه به موجب حکم قطعی لازم الاجراء، حبس شود. چنانچه محکوم علیه پیش از صدور حکم به علت اتهام یا اتهاماتی که در همان پرونده مطرح بوده بازداشت شده باشد، مدت بازداشت قبلی از میزان حبس او کسر می‌شود.

تبصره - اگر مدت زمان تحت نظر قرار گرفتن متهم کمتر از بیست و چهار ساعت باشد، در احتساب ایام بازداشت، یک روز محاسبه می‌شود.

ماده ۳-۱۵۲- در مورد محکومیت به مجازات‌های اجتماعی، شلاق و جزای نقدی، ایام بازداشت قبلی موضوع ماده فوق به شرح زیر احتساب می‌شود:

الف- به ازای هر روز بازداشت قبلی، یک روز جزای نقدی روزانه، هشت ساعت خدمات عمومی و پنج روز از دوره مراقبت کسر می‌شود؛

ب- در مورد محکومیت به شلاق به عنوان مجازات تعزیری یا بازدارنده به ازای هر روز بازداشت قبلی، دو ضربه از شلاق کسر می‌شود؛

ج- در مورد محکومیت به جزای نقدی، مطابق مقررات نحوه اجرای محکومیت‌های مالی اقدام می‌شود.

ماده ۴-۱۵۲- چنانچه قاضی صادرکننده حکم، ایام بازداشت قبلی را احتساب نکرده باشد، قاضی اجرای احکام کیفری رأساً نسبت به احتساب این ایام، حسب ملاکهای موضوع مواد فوق اقدام می کند.

ماده ۵-۱۵۲- قاضی اجرای احکام کیفری مکلف است دستور تعیین وقت پرونده محکوم به حبس را به گونه ای صادر کند که حداقل یک هفته پیش از اتمام مدت حبس، پرونده تحت نظر قرار گیرد تا با تعیین تاریخ اتمام مدت حبس محکوم علیه، دستور آزادی وی را در تاریخ یادشده صادر و به زندان اعلام کند. زندان مکلف است نتیجه اقدامات را بلافاصله به قاضی اجرای احکام کیفری اعلام کند.

تبصره - در صورتی که تخلف از این ماده منجر به حبس بیش از مدت مقرر در رأی گردد، قاضی اجرای احکام کیفری علاوه بر محکومیت انتظامی تا درجه چهار، طبق ماده (۴۰-۱۲۶) مسئول پرداخت خسارت حبس اضافی به محکوم علیه خواهد بود.

ماده ۶-۱۵۲- زندان مکلف است هرگونه انتقال یا اعزام زندانی به زندان یا حوزه های قضایی دیگر و نیز بازگشت وی را بلافاصله و حسب مورد، به قاضی اجرای احکام کیفری یا مرجع قضایی مربوط به صورت کتبی و با ذکر دلایل و سوابق اطلاع دهد.

ماده ۷-۱۵۲- زندانیانی که دوران محکومیت به حبس را سپری می کنند، می توانند مطابق مقررات مربوط با دادن تأمین مناسب از مرخصی استفاده کنند. اخذ تأمین به عهده قاضی اجرای احکام کیفری و تابع مقررات این قانون است.

ماده ۸-۱۵۲- در صورتی که مجازات حبس با انفصال موقت توأم باشد، اجرای مجازات انفصال موقت از زمان پایان یافتن مجازات حبس شروع می شود.

تبصره - مدت زمانی که محکوم علیه پیش از صدور حکم قطعی به موجب الزامات قانونی از خدمت معلق شده است، از میزان محکومیت وی به انفصال موقت کسر می شود.

ماده ۹-۱۵۲- در صورتی که مداوای محکوم به حبس در خارج از زندان ضروری باشد، قاضی اجرای احکام کیفری، مدت زمان مورد نیاز برای مداوا را با توجه به نظر پزشک قانونی تعیین می کند و با اخذ تأمین متناسب، اجرای حبس را به تعویق می اندازد و هرگاه محکوم علیه تأمین متناسب ندهد، معالجه وی در بیمارستان تحت نظر ضابطان صورت خواهد گرفت و مدت معالجه جزء محکومیت وی محسوب می شود.

تبصره - مفاد این ماده از جهت اعزام برای مداوای سایر افرادی که در حبس به سر می‌برند، نیز اجراء می‌شود.

ماده ۱۰-۱۵۲- کودک شیرخوار را از مادری که محکوم به حبس یا تبعید شده است نباید جدا کرد، مگر اینکه مصلحت طفل اقتضاء کند. در این صورت می‌توان کودک را به پدر و در صورت فقدان یا عدم صلاحیت وی به نزدیکان و یا مؤسسات ذیصلاح سپرد.

فصل سوم - اجرای محکومیت‌های مالی

ماده ۱-۱۵۳- هرگاه محکوم علیه دارای محکومیت‌های مالی متعدد باشد، دعوای اعسار از پرداخت محکوم به در هر مورد باید به صورت مستقل مطرح شود، مگر در مورد محکومیت‌هایی که محکوم‌له آنها یکی است. در این صورت، حکم اعسار شامل همه آن محکومیت‌ها می‌شود.

ماده ۲-۱۵۳- هرگاه محکوم علیه در زمان صدور حکم نخستین، مبنی بر تقسیط یا اعسار از پرداخت محکوم به در حبس باشد به دستور قاضی اجرای احکام، بلافاصله آزاد می‌شود. در هر صورت، قابلیت اعتراض و پژوهش نسبت به رأی، مانع از اجرای آن نخواهد بود.

ماده ۳-۱۵۳- در صورت حکم مبنی بر تقسیط محکوم به و عدم پرداخت اقساط از سوی محکوم علیه، به دستور قاضی اجرای احکام کیفری، بر اساس تبصره (۳) ماده (۸-۱۱۴) قانون مجازات اسلامی اقدام می‌شود.

ماده ۴-۱۵۳- صدور حکم تقسیط یا اعسار از پرداخت محکوم به، مانع استیفای حقوق محکوم له از اموالی که بعداً از محکوم علیه به دست می‌آید، نمی‌شود.

ماده ۵-۱۵۳- محکوم علیه معسر در صورت حصول تمکن مالی جهت پرداخت محکوم به، مکلف است مراتب را به قاضی اجرای احکام کیفری اعلام کند تا نسبت به وصول محکوم به و پرداخت آن به محکوم له اقدام شود. در غیر این صورت، علاوه بر پرداخت محکوم به، به پرداخت مبلغی معادل نصف آن به عنوان جزای نقدی محکوم می‌شود.

ماده ۶-۱۵۳- هرگاه محکوم علیه پیش از اتمام مهلت قانونی پرداخت دیه، نسبت به پرداخت تمام یا بخشی از آن اقدام کند، قاضی اجرای احکام کیفری ضمن پذیرش، مراتب را به محکوم له اعلام می‌کند.

ماده ۷-۱۵۳- هرگاه محکوم به پرداخت دیه فوت کند، با ارجاع پرونده توسط رییس حوزه قضایی به واحد اجرای احکام مدنی، دیه از ماترک محکوم علیه مطابق مقررات مربوط استیفا و نتیجه به اجرای احکام کیفری اعلام می‌شود.

ماده ۸-۱۵۳- چنانچه حکم صادرشده متضمن استرداد مال به شخص باشد و وی پس از سه سال از تاریخ اخطاریه قاضی اجرای احکام کیفری، بدون عذر موجه جهت دریافت مال منقول مراجعه نکند، به دستور قاضی اجرای احکام کیفری، به فروش می‌رسد و پس از کسر هزینه‌های مربوط در صندوق دادگستری تودیع می‌گردد.

ماده ۹-۱۵۳- نسبت به اجرای دستور قطعی مبنی بر اخذ وجه التزام و وجه الکفاله یا ضبط وثیقه و نیز سایر احکام ضبط و مصادره اموال، رد مال یا توقیف آن برای پرداخت دیه یا ضرر و زیان محکوم‌له و یا جزای نقدی حسب مورد، به شرح زیر اقدام می‌شود:

الف- عملیات اجرایی رد مال یا توقیف آن برای پرداخت دیه یا ضرر و زیان محکوم له و یا جزای نقدی و نیز اخذ وجه التزام، وجه الکفاله یا ضبط وثیقه، پس از ارجاع رییس حوزه قضایی بر عهده واحد اجرای احکام مدنی مطابق مقررات مربوط است؛

ب - عملیات اجرایی توقیف یا ضبط وجوه نقد و یا کسر از حقوق برای پرداخت دیه یا ضرر و زیان محکوم له، جزای نقدی، اخذ وجه التزام و یا وجه الکفاله و یا ضبط وجه الوثاقه، بر عهده قاضی اجرای احکام کیفری است.

تبصره ۱- قاضی اجرای احکام کیفری مکلف است تا وصول نتیجه از واحد اجرای احکام مدنی، پرونده را مفتوح گذاشته، پیگیری لازم را صورت دهد.

تبصره ۲- هرگونه توقیف مال برای اخذ وجه الکفاله و یا وجه التزام، مستلزم رعایت مستثنیات دین طبق قانون آئین دادرسی مدنی است.

ماده ۱۰-۱۵۳- در اجرای مواد (۱۶-۱۲۶) و (۱۷-۱۲۶) این قانون، ابتدا دیه یا ضرر و زیان محکوم‌له از محل تأمین ماخوذه، پرداخت می‌شود و سپس زاید بر آن به نفع دولت ضبط می‌شود.

ماده ۱۱-۱۵۳- هرگاه محکوم‌علیه ظرف ده روز از تاریخ ابلاغ احضاریه قاضی اجرای احکام کیفری، جهت پرداخت جزای نقدی حاضر شود، در صورتی که حداکثر جزای نقدی مورد حکم از پنج‌جاه میلیون ریال تجاوز نکند، از پرداخت بیست درصد جزای نقدی معاف می‌شود.

تبصره - دفتر قاضی اجرای احکام کیفری مکلف است در برگ احضاریه محکوم علیه، معافیت موضوع این ماده را قید کند.

ماده ۱۲-۱۵۳- سایر مقررات و ترتیبات اجرای محکومیت‌های مالی به موجب مقررات مربوط به نحوه اجرای محکومیت‌های مالی است.

فصل چهارم - اجرای سایر احکام کیفری

ماده ۱-۱۵۴- هرگاه اجرای مجازات منوط به درخواست محکوم له باشد و در تقاضای اجرای آن، بدون داشتن عذر موجه، تأخیر کند، به دستور قاضی اجرای احکام کیفری به وی ابلاغ می‌شود ظرف سه ماه تصمیم خود را در خصوص اجرای حکم اعلام کند. در صورت سپری شدن این مدت و عدم وصول درخواست اجرای حکم بدون عذر موجه، قاضی اجرای احکام کیفری با تجدیدنظر در قرار تأمین، تخفیف لازم را اعمال می‌کند. در این صورت، چنانچه محکوم علیه در حبس نباشد و یا پس از تخفیف قرار از حبس آزاد شود، پرونده به طور موقت بایگانی می‌شود.

تبصره - چنانچه مجازات محکوم علیه، قصاص نفس باشد اعمال مقررات این ماده، منوط به تقاضای دادستان و موافقت رییس کل دادگستری استان می‌باشد.

ماده ۲-۱۵۴- هرگاه محکوم به سلب حیات، در غیر جرایم مستوجب حد و قصاص پس از لازم‌الاجراء شدن حکم و تا سه روز پیش از اجرای آن درخواست عفو کند، به دستور دادگاه صادرکننده حکم، اجرای آن تا اعلام نتیجه از سوی کمیسیون عفو و بخشودگی به تأخیر خواهد افتاد. کمیسیون مزبور مکلف است به این تقاضا در اسرع وقت رسیدگی و نتیجه را به دادگاه اعلام کند.

تبصره - قاضی اجرای احکام کیفری مکلف است، حداقل یک هفته پیش از اجرای حکم سلب حیات موضوع این ماده، مراتب را به محکوم علیه اعلام می‌کند.

ماده ۳-۱۵۴- پیش از اجرای حکم سلب حیات مراسم مذهبی توسط اشخاص دارای صلاحیت اجراء می‌شود. هنگام اجرای حکم باید قاضی صادرکننده حکم نخستین یا جانشین وی، قاضی اجرای احکام کیفری، فرمانده نیروی انتظامی محل یا نماینده وی، پزشک قانونی یا پزشک معتمد و منشی دادگاه حضور داشته باشند. هرگاه اجرای حکم در محوطه زندان صورت گیرد، رییس زندان یا نماینده وی نیز حضور خواهد داشت. وکیل محکوم علیه نیز می‌تواند جهت اجرای حکم حاضر شود. پس از حاضر کردن محکوم علیه در محل اجرای حکم، منشی دادگاه، حکم را با صدای رسا قرائت می‌کند. سپس به دستور قاضی اجرای احکام کیفری، حکم اجراء شده، صورت‌مجلس تنظیم می‌شود و به امضای حاضران می‌رسد.

ماده ۴-۱۵۴- اجرای احکام حدود و سایر احکام راجع به قصاص و دیات برابر مقررات مربوط صورت می گیرد.

ماده ۵-۱۵۴- شخصی که به تبعید یا اقامت اجباری محکوم شده است، به دادسرای محل اجرای حکم اعزام می شود.

ماده ۶-۱۵۴- نظارت بر حضور و فعالیت محکومان در محل تبعید یا اقامت اجباری برعهده قاضی اجرای احکام کیفری محل اجرای حکم است.

ماده ۷-۱۵۴- قاضی اجرای احکام کیفری محل اجرای حکم تبعید یا اقامت اجباری، در صورت ضرورت و با اخذ تأمین متناسب، نسبت به اعطای مرخصی به محکومان به تبعید یا اقامت اجباری اقدام می کند.

ماده ۸-۱۵۴- اشخاصی که به منع از اقامت در نقطه ای معین محکوم می شوند، از محل تعیین شده اخراج می شوند و مراتب به نیروی انتظامی محل و سایر نهادها و مراجع مرتبط ابلاغ می شود.

ماده ۹-۱۵۴- آیین نامه اجرایی نحوه اجرای مجازات های سلب حیات، قطع عضو، قصاص عضو و جرح، شلاق، تبعید و اقامت اجباری ظرف شش ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط وزیر دادگستری با همکاری وزیر کشور تهیه پس از تأیید رییس قوه قضائیه به تصویب هیات وزیران می رسد.

ماده ۱۰-۱۵۴- اجرای احکام رفع تصرف عدوانی، مزاحمت و ممانعت از حق به ترتیب مقرر در امور مدنی است.

فصل پنجم - اجرای قرار تعلیق مجازات، آزادی مشروط، قرار تعویق تعیین

کیفر، نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سیستم های الکترونیکی

ماده ۱-۱۵۵- در صورت تعلیق اجرای مجازات، قاضی اجرای احکام کیفری، محکوم علیه را احضار و در صورت عدم حضور بدون عذر موجه، جلب می کند و با حضور محکوم علیه، دستور یا دستورهای دادگاه، چگونگی اجراء و ضمانت عدم رعایت آنها را به وی تفهیم و ابلاغ می کند.

ماده ۲-۱۵۵- هرگاه محکوم علیه از دستور یا دستورهای دادگاه یا قاضی اجرای احکام کیفری تبعیت نکند، برای بار نخست پس از اعلام مأمور مراقبتی، قاضی اجرای احکام کیفری به طور کتبی لزوم تبعیت از دستورها را به محکوم علیه اخطار و در صورت تکرار، مراتب را جهت اجرای مقررات

مربوط به تعلیق به دادگاه صادرکننده حکم اعلام می‌کند. تصمیم دادگاه در این خصوص قطعی است.

ماده ۳-۱۵۵- هرگاه محکوم‌علیه پس از سپری شدن حداقل شش ماه از مدت تعلیق اجرای مجازات، به طور مستمر حسن اخلاق و رفتار نشان داده باشد، قاضی اجرای احکام کیفری، مراتب را با پیشنهاد کاهش مدت تعلیق یا لغو تمام یا برخی از دستورهای تعیین شده به دادگاه صادرکننده حکم اعلام می‌کند. دادگاه در وقت فوق العاده در مورد پیشنهاد قاضی اجرای احکام کیفری اتخاذ تصمیم می‌کند. این تصمیم قطعی است.

ماده ۴-۱۵۵- هرگاه دادگاه قرار تعویق تعیین کیفر را طبق مقررات صادر و تدابیر مراقبتی خاصی را برای متهم پیش بینی کند، قاضی اجرای احکام کیفری با احضار متهم، طبق ماده (۱-۱۵۵) این قانون اقدام می‌کند و در صورت تخلف وی از اجرای دستورات، به طور کتبی لزوم تبعیت از دستورات را به متهم اخطار و در صورت تکرار تخلف، مراتب را جهت اجرای مقررات مربوط به تعویق تعیین کیفر، به دادگاه صادرکننده این قرار اعلام می‌کند.

ماده ۵-۱۵۵- قاضی اجرای احکام کیفری می‌تواند در جرایم مشمول نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی، پس از وصول گزارش شورای طبقه بندی زندان و نظریه مددکاران اجتماعی، قاضی اجرای احکام کیفری، مبنی بر آن که اجرای یک فعالیت شغلی یا حرفه‌ای، آموزشی، حرفه آموزشی، مشارکت در تداوم زندگی خانوادگی و یا درمان پزشکی، از سوی محکوم علیه در خارج از محیط زندان، در فرآیند اصلاح وی و یا جبران ضرر و زیان بزه دیده مؤثر است، پس از درخواست محکوم علیه، به دادگاه صادرکننده حکم، پیشنهاد اجرای نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی را داده و مطابق تصمیم این دادگاه اقدام می‌کند.

ماده ۶-۱۵۵- قاضی اجرای احکام کیفری، پس از موافقت دادگاه با پیشنهاد موضوع ماده فوق، با اخذ تأمین متناسب از محکوم‌علیه، دستور اجرای تصمیم دادگاه را صادر و مراتب را به زندان اعلام می‌کند.

ماده ۷-۱۵۵- صدور حکم آزادی مشروط، قرار تعلیق اجرای مجازات، قرار تعویق تعیین کیفر، نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه‌های الکترونیکی و دستور یا دستورهای قاضی اجرای احکام کیفری، آثار عدم تبعیت محکوم علیه یا متهم از آنها و نیز آثار ارتکاب جرم جدید به شاکی یا مدعی خصوصی ابلاغ می‌شود. چنانچه محکوم علیه یا متهم در مدت مزبور بدون عذر موجه از دستور یا دستورهای قاضی اجرای احکام کیفری تبعیت نکند، یا مرتکب جرم عمدی شود، شاکی یا مدعی خصوصی می‌تواند مراتب را به قاضی اجرای احکام کیفری جهت اجرای مقررات مربوط اعلام کند.



جمهوری اسلامی ایران
رئیس جمهور

ماده ۸-۱۵۵- محکوم علیه یا متهم مکلف است حسب مورد در طول دوره آزادی مشروط، تعلیق اجرای مجازات، تعویق تعیین کیفر و نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه های الکترونیکی، امکان نظارت مأمور مراقبتی را به شیوه ای که قاضی اجرای احکام کیفری مشخص نموده، فراهم آورد و هرگونه اقدامی که اجرای کامل نظارت را با دشواری مواجه می سازد از قبیل تغییر شغل یا محل اقامت، قبلاً به اطلاع قاضی اجرای احکام کیفری برساند.

ماده ۹-۱۵۵- نحوه اجرای قرار تعلیق اجرای مجازات، آزادی مشروط، قرار تعویق تعیین کیفر، نظام نیمه آزادی و آزادی تحت نظارت سامانه های الکترونیکی و نیز نحوه اجرای مجازات های اجتماعی به موجب آیین نامه ای است که ظرف شش ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط وزیر دادگستری با همکاری وزیر کشور و رییس سازمان زندان ها و اقدامات تأمینی و تربیتی کشور تهیه شده و پس از تایید رییس قوه قضاییه به تصویب هیات وزیران می رسد.

باب ششم - هزینه دادرسی و سایر مقررات

فصل اول - هزینه دادرسی

ماده ۱-۱۶۱- شاکی باید هزینه شکایت کیفری را برابر قانون در هنگام طرح شکایت تادیه کند. مدعی خصوصی هم که به تبع امر کیفری مطالبه ضرر و زیان می کند، باید هزینه دادرسی را مطابق قانون مربوط به امور مدنی بپردازد. چنانچه شاکی توانایی پرداخت هزینه شکایت را نداشته باشد، به تشخیص دادستان یا دادگاهی که به موضوع رسیدگی می کند از پرداخت هزینه شکایت معاف می شود و هر گاه مدعی خصوصی توانایی پرداخت هزینه دادرسی را نداشته باشد، دادگاه می تواند پس از اظهار نظر دادستان، او را از پرداخت هزینه دادرسی برای همان موضوعی که مورد ادعا است، به طور موقت معاف نماید. تأخیر امر کیفری به علت عدم تادیه هزینه دادرسی از ناحیه مدعی خصوصی جایز نیست.

تبصره - پس از صدور حکم و هنگام اجرای آن، قاضی اجرای احکام کیفری مکلف است هزینه دادرسی را از محل محکوم به استیفاء کند.

ماده ۲-۱۶۱- شاکی و متهم بابت هزینه انتشار آگهی، ایاب و ذهاب گواهان، حق الزحمه کارشناسان، مترجمان و پزشکان و سایر اشخاصی که به تشخیص مقام قضایی احضار می شوند، وجهی نمی پردازند و هزینه های مربوط از اعتبارات مربوط به قوه قضاییه پرداخت می شود، اما هرگاه اقدامات مذکور بنا به درخواست شاکی یا متهم صورت گیرد، درخواست کننده باید هزینه مقرر را

مطابق تعرفه های مربوط، در مهلت تعیین شده، پرداخت کند. در صورت امتناع درخواست کننده، هزینه از اعتبارات مربوط به قوه قضاییه پرداخت شده و مراتب به اطلاع دادستان می رسد تا به دستور وی و از طریق واحد اجرای احکام مدنی، با توقیف و فروش اموال درخواست کننده و با رعایت مستثنیات دین، معادل هزینه پرداخت شده اخذ و به حساب مربوط در خزانه داری کل واریز شود. در هر صورت از متهم بابت ترجمه بازجویی و محاکمه، هزینه ای اخذ نمی شود.

تبصره ۱- در صورتی که به تشخیص مقام قضایی، درخواست کننده قادر به پرداخت هزینه مربوط نباشد، هزینه از اعتبارات مربوط به قوه قضاییه پرداخت می شود.

تبصره ۲- در موارد فوری به دستور مقام قضایی، اقدامات موضوع این ماده، پیش از پرداخت هزینه مربوط انجام می شود.

تبصره ۳- میزان هزینه ایاب و ذهاب گواهان مطابق تعرفه ای است که ظرف شش ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط وزیر دادگستری تهیه شده و پس از تایید رییس قوه قضاییه به تصویب هیات وزیران می رسد.

ماده ۳-۱۶۱- هزینه تطبیق رونوشت یا تصویر اسناد و تهیه آنها برابر مقررات قانونی خواهد بود.

ماده ۴-۱۶۱- دادگاه مکلف است هنگام صدور حکم، تمامی هزینه هایی را که در جریان تحقیقات و محاکمه صورت گرفته است، به تفصیل تعیین و مسوول پرداخت آن را معین کند.

ماده ۵-۱۶۱- شاکی یا مدعی خصوصی می تواند در هر مرحله از دادرسی تمام هزینه های پرداخت شده دادرسی را از مدعی علیه طبق مقررات مطالبه کند. دادگاه پس از ذی حق شناختن وی، مکلف است هنگام صدور حکم، مدعی علیه را به پرداخت هزینه های مزبور ملزم کند.

ماده ۶-۱۶۱- در صورت محکومیت متهم، پرداخت هزینه های دادرسی به عهده او می باشد و چنانچه محکوم علیه متعدد باشند، هزینه میان آنان تقسیم می شود و دادگاه سهم هر یک را به نسبت دخالت آنان در وقوع جرم تعیین می کند.

ماده ۷-۱۶۱- هر گاه شخصی که به موجب حکم دادگاه مسوول پرداخت هزینه دادرسی است، فوت کند، هزینه مذکور از ماترک وی وصول می شود.

فصل دوم - سایر مقررات

ماده ۱-۱۶۲- تمام مراجع قضایی موضوع این قانون مکلفند با توجه به نوع دعاوی نسبت به تخصیص شعبه یا شعبی از مراجع قضایی برای رسیدگی تخصصی اقدام کنند.

تبصره - شیوه تشکیل شعب تخصصی مراجع قضایی اعم از حقوقی و کیفری موضوع این ماده به موجب آیین نامه ای است که ظرف شش ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط وزیر دادگستری تهیه شده و به تصویب رئیس قوه قضاییه می رسد.

ماده ۲-۱۶۲- به منظور تسهیل مدیریت و پیگیری دادرسی های کیفری توسط مراجع صالح قضایی و هماهنگی در تعقیب دعاوی کیفری "مرکز ملی تنظیم و ثبت پرونده های کیفری" تحت نظارت رئیس قوه قضاییه تشکیل و اطلاعات زیر در این مرکز جمع آوری و نگهداری می شود:

الف - تاریخ و محل ارتکاب جرم، نوع اتهام و تاریخ شروع تعقیب؛
ب - نام، نام خانوادگی، نام پدر، سن، جنسیت، تاریخ و محل تولد، تابعیت، دین، کد ملی، کد پستی و شغل متهم و بزه دیده؛

ج - اطلاعات مربوط به گردش کار و پیشرفت پرونده و رای نهایی.

تبصره ۱- اطلاعات راجع به پرونده های تحت بررسی، تحت نظارت قاضی پرونده، توسط مدیر دفتر، ثبت و برای این مرکز ارسال می شود.

تبصره ۲- اطلاعات موجود در مرکز موضوع این ماده پس از پردازش رایانه ای تا سپری شدن مدت ده سال نگهداری می شود. اسناد و مدارک مربوط پس از ده سال معدوم می شود.

تبصره ۳- آیین نامه اجرایی این ماده، ظرف سه ماه از تاریخ تصویب این قانون توسط وزیر دادگستری تهیه شده و پس از تایید رئیس قوه قضاییه به تصویب هیات وزیران می رسد.

ماده ۳-۱۶۲- در موارد محکومیت قطعی به جرایم اخلاف در نظام پولی یا ارزی، صادراتی یا وارداتی کشور از طریق قاچاق عمده ارز یا ضرب و قلب سکه، جعل اسکناس یا وارد کردن یا توزیع کردن آنها، اعم از داخلی یا خارجی و یا هر نوع قاچاق عمده، تبانی در معاملات یا مناقصه ها و مزایده های دولتی و مؤسسه های خدمات عمومی، کلاهبرداری، ارتشاء، اختلاس، اخذ پورسانت، سوء استفاده از اوراق بهادار و اعمال نفوذ برخلاف حق و مقررات قانونی، پولشویی، جرائم مالیاتی و گمرکی که ارزش عواید حاصل از جرم ارتكابی یک صد میلیون ریال یا بیش تر از آن باشد، و به طور کلی در جرایم علیه حقوق مالی دولت به دستور دادگاه صادر کننده رای قطعی، خلاصه مفاد حکم، شامل مشخصات و سمت مرتکب، عنوان جرم ارتكابی و نوع و میزان مجازات محکوم علیه در پایگاه اطلاع رسانی قوه قضاییه یا یکی از روزنامه های کثیرالانتشار منتشر می شود. مدت انتشار در پایگاه اطلاع رسانی قوه قضاییه سه ماه خواهد بود.

تبصره ۱- روزنامه‌های کثیرالانتشار می‌توانند ظرف سه ماه از تاریخ انتشار در پایگاه اطلاع‌رسانی قوه قضاییه، عین مطالب منتشر شده را برای یک مرتبه منتشر کنند.

تبصره ۲- هرگاه محکوم‌علیه پس از اجرای مفاد این ماده، براءت حاصل کند، مرجع صادرکننده حکم براءت مکلف است در صورت درخواست ذی نفع، دستور انتشار خلاصه متن حکم براءت را در پایگاه اطلاع‌رسانی قوه قضاییه به مدت سه ماه یا در روزنامه رسمی برای یک مرتبه صادر کند. چنانچه روزنامه‌های کثیرالانتشار نیز خبر محکومیت را منتشر کرده باشند، خبر براءت را نیز باید منتشر کنند.

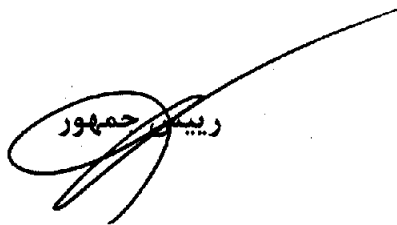
تبصره ۳- مبلغ مندرج در این ماده، بر اساس ماده (۶۸) قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت تعدیل می‌گردد.



ماده ۴-۱۶۲- شخصی که به موجب حکم قطعی براءت حاصل کند، می‌تواند حداکثر ظرف شش ماه از تاریخ ابلاغ رأی، از دادگاه صادر کننده حکم نخستین درخواست نماید که حکم براءت از محل اعتبارات مربوط به قوه قضاییه در یکی از روزنامه‌های کثیرالانتشار منتشر شود.

ماده ۵-۱۶۲- در اجرای تکالیف مقرر در تبصره ماده (۲۳-۱۲۴)، تبصره ماده (۲۵-۱۲۴)، مواد (۴۸-۱۲۵)، (۱۳-۱۳۳)، (۱۴-۱۳۳)، (۲-۱۶۱) و (۴-۱۶۲) این قانون و در تمام مواردی که به موجب مقررات این قانون، انجام تحقیقات و یا هر اقدام دیگری، مستلزم پرداخت هزینه از سوی دولت است، اعتبار آن هر سال در ردیف مستقلی در بودجه کل کشور پیش بینی و منظور می‌شود.

ماده ۶-۱۶۲- رسیدگی در دادسرا و دادگاه نظامی و اطفال و نوجوانان مطابق مقررات این قانون و قوانین مربوط خواهد بود.

ماده ۷-۱۶۲- از تاریخ لازم‌الاجراء شدن این قانون، قانون آیین دادرسی کیفری - مصوب ۱۲۹۰/۶/۱۱ و قانون آیین دادرسی دادگاه‌های عمومی و انقلاب (در امور کیفری) - مصوب ۱۳۷۸/۱/۲۲ و تمامی قوانین و مقررات مغایر ملغی است.


رئیس جمهور


وزیر دادگستری

وزیر کشور